Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

Bansilal

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Sarayu Trust Foundation Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Satyanand Koul Prem Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

اوم سری گنیشای نمه

سپاس و حمد بیحد خالقی را ۞ که از هر ذره واحد هویداست
درین تصویر عالم رو نهفته ۞ برنگ مختلف پنهان و پیداست
بهر رنگی که خواهد جامه پوشد ۞ وگرنه قد او از جامه بالاست
جهان آیینه دارد مقابل ۞ بعکس حسن خود در عشق زیباست
خداوندی که عالم مظهر اوست ۞ ظهور نور او پایین و بالاست

جمال و کمال افراد کونیه پرتو جمال با کمال او و صور اعیان پرده نهفته جلباب جلال او جل شانه عز سلطانه

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۲)

خواب غفلت همه را پرده پندار یکیست زنده بعالم
تصویر همان نقاش است ابتدای هر صحیفه و
عنوان بنام نامی سری بهگوان مهاراج که
خالق کون و مکان و مخترع و موجد زمین و
زمان است می نمایم واشته انک نمسکار میکنم
بذات ذاتی سری مهاکنش صاحب که موکل
بر ان جمیع ذیحیات انفس و آفاق است نمسکار میکنم
بماتا سره ... لی بهگوتی ... انی جی یعنی قدرت کامله
سری پرمیشور صاحب که سخن بزبان آفرینده
اوست هر چهار بید و جمیع علوم پوران و شاستر
ذکر جمیله اوست نمسکار میکنم به پرمه گورو جی یعنی
مرشد کامل که تعلیم علم و گیان یعنی توحید و معرفت
که باعث مکت و رستگاری و ما حصل جنم یعنی زندگانیست نمود ند

وسریکرشن مهاراج دابرجن دیو دکهر شرراین
دراوهیای جلوه گر شده بود نداشته انک بسکار میکنم
وبیه ویاس منشیرجی زاکه گل سرسبد گلستان پراشر
جی است از کمال آتمه گیان از میان دریای
عمان شری مهابارته جی این خلاصه اسرار شری
بهگوت گیتاجی منتخب نموده و در هژده ادهیای ترتیب
داده بر همن تحجیته لی ارجن جی بر اجادر زراشت بیان
نموده همین راهبین ثمره حدیقه مینو اساس شری ویدویاس
پرمهه بهگت آتمه شناس لی زنک در پوسوافی
شکهدیو تفیض بخشی خواص و عوام عالم مخصوص
بحیطه آتم ساخته که سراسر معطر و منور و قند مکرر
لبریز جواهر و دُر است در اوایل هنوماتن رود در
زبان حمد به تیکا یعنی شرح گیتاجی کردست و
بلحاراتن

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بعد از ان پنجاه و دو تیکا که پیشتر ان صاحب استعداد
بیان نموده اند و متعرف تحریر شد قسمی که تفسیر این خلاصه
اسرار بایستی کرد نتوانستم نمود بر این حرف قایل شدند
گفتند کیتا از تهه سری کرشن جای تیهه گون شاستر های بسیار
درین زبدة العلوم از گیان و یوگ و دهرم و کرم و
کرم های بسیار و مهام سا و نیای شاستر وغیره
چهارده ودیا از هر مقوله از منتر و جنتر و منقول و معقول و
شهودیه و وجودیه و سیر و سلوک و شریعت و طریقت
و حقیقت و معرفت و جبروت و ملکوت و ناسوت و
لاهوت و آداب ورن ها و آشرم ها ستوگن و
رجوگن و تموگن و پوجای نترهی و شیهی و مراتب
پرانه ابیاس و غیر ذالک مرقوم و مسطور است
مجموعه اشلوکهایش هفتصد و چهل و یک است مطابق

جنتهر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۵۰)

این اشلوک ... ... نام پرماتمه

... ... شریه ور تراشنه

... ... تیر این اشلوک در ستایش

شری گیتا جی مقرر است سروه تر بهه ... گیتا سرو

پاپه کهنکری سروه شاستره مئی گیتا سروه دیوه مئی هری

اسی سری بهگوت گیتا مالا منتر سی

اوم !! یعنی این بهگوت گیتا مالا منتر است یعنی

خلاصهٔ هر چهار وید و هژده پوران و سی و شش سمرتی

و پنجاه و دو اوپنکهت که رموز اسرار های نهانیست چون

در های شاهوار درین رشته منسلک و

سری بهگوان وید ویاس جی که مفسر و شارح

جمله علوم اوست یعنی حکایت و روایت کننده

این اتمه گیان سری کرشن پرم آتما دیوتا های این

خلاصه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

خلاصه معرفت یعنی مصرعی که پیر نگرشن مهاراج باز

فرمود پد و گد یعنی نظم و نثر سنسکرت است

توشه جیس تم یعنی جز آنها یکه غم باید خورد

غم آنها می خوری و مثل دانش آگاهان حرف کمیر

بجای تخم این است سروه ورمان پری تیری

نام تم شرم یعنی همه دردهای ظاهری جهدی گذشته

منکه پرم آتما ام بشوق دل یعنی از یکت صادق لیکن

یعنی محو بمن شو که من از همه عصیان شمارا مبرا و معرا

کردانم این بجای کیلک یعنی منح زره جامه تن و

جان پرور است نی نم هنید لی شستر انی

یعنی یقین بدان که آتما یعنی روح لطیف را هیچ سلاحی

نمی تواند برید و هیچ آتشی نمی تواند سوخت و هیچ آبی

تر و ناصاف و آلوده نتواند کرد هیچ بادی خشک

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

نمی تواند ساخت یعنی منتر با بر خنصر و بنصر و وسطی و
[illegible] و اصبع یعنی پنج انگشت و پشت دست و کف دست
باید شناسید که این زبان همگر تهه دم کرنیاس
بگوئید و شش انگ نیاس یعنی شش جا که هر دو می؛
یعنی منزل دماد ای جان و دل و بر فرق و کاکل
سر و بر هر دو گوش و بر دو چشم مختصر که بر جمیع اعضا
تا بر همان منتر با باید گذاشت که این را شش انگ نیاس
گفته اند روا تیس این است که احضار دیوتا ها در جای
پاک و مکان پاکیزه و معطر و منور حضور قلب مقرر است
بنا بران وقت پوجا و پات اول آسن و جای و
جامه و جسد از درون و بیرون بر شحهٔ آب و بخواندن منتر و
بانداختن پوتر یعنی انگشتری کاه در آب و بقصد ای
جو تلی دست و پا و حرکات کند تا تمامی خود را

حاضر دید

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۸۱)

حاضر و بیدار میسازند و ذخیره ذالک فائض و
در فکر حضور آتمای حاضر میسازند معنی آنکه نیاس
کرنیاس همین است بعد ازان پرانایام که انداز
هفتاد و هزار رگ درون پوتر یعنی پاک می سازد
و بعد ازان دهیان برم آتمه است آمدیم بر اصل مطلب
سری کرسن مهاراج بارجن دیو میفرماید که آتما برید
سوختنی و ترکردنی نیست همیشه هست و همه جا
محیط است و بر یک قرار است قدیم است و
رفتنی نیست به بین ای ارجن دیو روپهای متلون
هزار صد رنگ و هزار رنگ و با حلیهای گوناگون
و با شکال و با شباه بوقلمون انجین سمرن دهیان
باید کرد پارنهای پرتی بودیتام هکوتام نارانیج
سمیم ادم یعنی این سری هکوت گیتا ماتا جی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که سری کرشن مهاراج زبان وچی ترجمان خود بجای
ارجن دلیوار شاد فرموده و دیاسه منیشر جی از میان
مهابهارته جی برآورده است که لی اشها ستهاب
مظهر آب حیات وستی در هژده ادهیا یعنی هژده باب
بیان توضیح شده تست ای ماتا یعنی ای مادر تو که
اینچنین نامهای لی اشهایی یعنی بازرگهای اسمای
باشی از دل وجان تصور یعنی دهیان درشن تو میکنیم
که از تو بحر ذخار دنیای ناپایدار مرا یکبار رسان
نمو ستو تی ویاسه وشاله بدهی ۔۔ نمسکار میکنیم بر آن
ویاسه منیشر جی که بزرگ بدا است یعنی با عقل مصفا که
چشمهای پرضیای او مثل کنول مثل برگهای گل کول
دراز است تو که از مهابارته که پر از تیل بود چراغ
گیان را روشن ساختی ای سری کرشن مهاراج تو که برای

بهگوان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پهنکت های خود یعنی اراوتمندان صادق مثل درخت
پارجات هستی که هر چه میخواهند می بخشی و چوب هستی
بالوک یعنی مدعا از ان که متحرک نمودن کل جانداران
در ید قدرت تست گیتا نام امرت یعنی آبحیات نهد
دوشنده یعنی ریزنده توهی ترا اشته انگ نمسکار میکنیم
سروه اوپه نشده گاوادم یعنی همه اپنشدها مثل
گاو مدین هاهستند و دوشندهٔ آن سری کرشن مهاراج
وارجن دیو بمنزله گوساله شیرخوار و صاحب عقلان
نیک رای خشنده آن دود یعنی شیر عبارات شیرین
دلنشین سری گیتا جی که امرت کلان است ؛؛
وسودیوه سوتم دیوم آرام بخش و نوردیده و فرزند
راجا وسودیو جی یعنی سری کرشن مهاراج که کمساسور و
چانیر معدوم سازنده و برای دیوکی ماتا پرم آنند یعنی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

یعنی راحت دهنده است و گوروجی جگت یعنی قرار شده
معلّم همه جهان است همچنین مهاراج را نمسکار میکنیم
... ویدرتهه ز لا ۱۱ لشمه کانگی و
درناچاری مثل کنارهای دریا و ریدرتهه بمنزلهٔ
آب دریا و راجا کانداری لبان او تیله پوش شد
راجا مثل همچو ماهی کلان و راجا کرن بجای ویلا بهو
بمعنی آنکه در سمدر چهار جوجن یعنی شانزده کروه آب
از کنار بالا ایستاده است و اشوتهاما و دیگران
بجای مگرمچهه های مهیب و راجا دریودن مانند گرداب
و همچنین دریا را بکنار رسنیده به تحقیق پاندوان که
کورده ندی نام دارد بکنار رسانندۀ آنها و سیال حل
مراد قایض گردانندۀ سری کرشن مهاراج است
پاراشر به وجه سرو زم العلم ادم گفتار شکر بار در نثار

هم بخره

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ثمرهٔ شجرهٔ دوحه شتری برافرجی که عبارت از ویاره
دیاس شنشیر است که آور باهی نزل یعنی مصفا طبع
که چشمهٔ زانیده است زانیدهٔ سری کینا ارتهه؛
که از شوکند یعنی بوی معطر آراسته و پیراسته شده است
زنگار رنگ افعانهالیس بمنزلهٔ کیسر یعنی خوردهٔ که در
میان گل میباشد فهری کهتا نام سوروج دیوتا؛
شگفانندهٔ آن مردم سپید و ساده و نیک نهاد بدل؛
زنبور های سیاه که هر روز لذت شیرینی آن برمیدارند
و نوش جان میکنند از ارادت خود همان گل کول؛
مهابارتهه دافع کفت عصیانهای کلجوک مارا
برای کلیان یعنی آرام جان موکم کردتی
واچالم آن سیر مهاراج که گنگی را ناطق میسازد و لنگی را
از کوه های مرتفع پار میکند و به بخشش اتم خود همان را

شگفته

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

نمسکار میکنیم که آن پرم آنند ناراین است
وذات تقدس صفاتی راکه سری برهما و
ورنه دیوتا یعنی موکل آب و راجا اِندر یعنی پادشاه بهشت
هرت نام دیوتا ستایش و نیایش میکنند و بستائیشهای
سوارکی یعنی بهشتی داز چهار وید که رگهه وید و یجر وید و
اتهرون وید و سامه وید باشد همان وید ها شش انگ
نفظ های موقع دیجا با اپنکهت ها یعنی اسرار های
پوشیدنی بزفرمهی سرانید و بسام یعنی لهجه های
خوش آوازی میخوانند و در دهیان یعنی مراقبه و
استغراق رفته در درون باطن و جان و دل
درشن نورانی او را هر چند دریافت میکنند و می بینند و
میجوئید و با وجود آن بکنهه ذات والا صفات
لا انتهای او پی نمی برند و جمیع دیوتا ها اینگونه ها

دیوتا

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۲۲)

دیوتای بزرگ را نمکار نمکار نمکار

کورو کهتری

یعنی زراغت درم کورکهتر عبارت نموده

از جد و پنج پاندو عبارت از پنج تن ماتهر اجتماع

لشکر کوروان که عبارت از معصیت ها باشد

مغلوب ساختن او بیشتر است و راجا دهرتراشت

بجانب سنجی مینفرماید که در سرزمین دهرم یعنی مکان مترکه

کورکهتر یکجا جمع شده در خواهش جنگ فرزندان من

جماعهٔ پاندوان چکار میکنند و چگونه بعمل می آرند

سنجی جواب آن میگوید که چون راجا دریودن لشکر

انبوه پاندوان را معاینه نموده در خدمت درناچارجی

استاد خود رفته میگوید ای استاد یعنی کوروی ما

شاگردان شما در شته و من و غیره لشکر پاندوان را

بخوبی ترتیب داده آراسته و پیراسته کرده است

در ترشته

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

نجومی ملاحظه فرمایند درین لشکر کلان جنگ آزمایان
بهادر مثل بهیشن وارجن دیو وغیره مهاربهان هستند
درشته کیت دیجکی تانا وراجا کاشی وکاشه راجا پورجیت
کوتهه بوج دشیوه راجا وغیره پونگوا که اینهان همه
درسپاهان بزرگتر وسرکرده هستند یودامن وکراتهو
هردو سپاهی پلی مانند وسوبدر پسر وپنج پسر ماتا دروپدی
اینهمه مهارتی پهلوانان جمع هستند از طرف پاندوان
ای گوروجی از طرف ما یعنی کوروان آنهایکه از طرف بهیشم وکرن
غازی شیرنپک هستند مفصل بشنو یکی شما و دیگر
بهیشم پتامه وراجا کرن وکرپاچاری واشوتهاما و
سومهه دت این همه بهادران هستند سوای اینها
لشکر بسیار که برای خاطر من جانهای خود را
دریغ نداشته با اسلحه خوب داد جنگ میدهند انکهسان
بودن.

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بودن بشم پناه همچنانکه لشکر پاندوان جنگ میکنند میدانم
که قدرت و توانایی دارند و از دست اینها این کار سرانجام
پذیر خواهد شد یقین دارم که لشکر من با پاندوان ؛؛
مقابل نتوانند شد و از عقل بعید است که درین حربگاه
مظفر و جان بر شوند اینچنین گفته در یودن با صاحب
تلاشان معرکه کارزار فرمود که در جاهای خود رفته
نگهبانی و محافظت بشم پتامه بکنید که درمیان ما ا و
معتبر و کلان و نگهداشتنی است سنجی میگوید که بعد ازان
پدر کلان کوروان که بشم پتامه است بوق را بشد
پهلوانان نواخته مانند شیر کران آوازی بلند ساخته ؛؛
که در یودن ازان بوقهای بسیار و مامه و کرنا و کورکه
و کاوسر در طرفة العین لشکریان یکبارگی نواختند و
شور و شغب بسیار در گنبد آسمان پیچیده شد بس ازان ؛؛

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سری کرشن مهاراج وارجن دیو که برارابه اسپان نیله بهوا
باجاه وجلال بسیار متمکن بودند ایشان هم سوار گشته
بر قهائی یعنی بهشتی ناقوس بانداب مبارک خود نواختند
پنچجنن نام سری کرشن مهاراج نواخت و دیودت نام
بوق را ارجن دیو در دمید و پوندر نام بوق بهیمسین
که صاحب جلادت و تهور بود و مردم از دو دهر اس
می آمدند بصدا آورد باتفاق هم اهلکی بد مسازی بوقها
بلند آواز ساختند که شور محشر عیان گردید انتهه و بیری نام
بوق راجا یودهشتر پسر کونتی ماتا نغز نوا نمود و نا
و سه گوش نام بوق نکل و سنی پوشپک نام بوق سهدیو
یکدفعه نواختند راجه کاشی که صاحب تیر و کمان ورجا
سکهندی که مهارتهه بود درشته دمن و دیراتهه و
ساتکی که هیچکس برو غالب و زور آور نمی شد و روپدراجا
با پنج پسر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پنج پسر دروپدی ماتا که همه مع سوبدر که بازوی کلان داشت
سفید مهره ها نواختند ای راجا دریتراشت بگوش هوش شنو
آن آواز هیبت ناک ناقوس ها دریودن وغیره
پسران شما را جگر پاره می ساخت وآن صدا در میان
زمین وآسمان مثل گنبد شور شغب دو بالا کرده می نمود
وعود می کرد بعد از آن دریودن وغیره استقامت
انجولی کرده ارجن دیو چون دید که جنگ شمشیر آغاز شده است
فی الحال کمان گاندیو نام برداشته بزه آورد وطرف
سری کرشن مهاراج گفتن گرفت که در میانه دو لشکر ارابه
مرا انجولی ومحافظت نگهدارید ارجن دیو طرف
سری کرشن مهاراج گفت ارابه مرا در وسط قلبگاه بگذارید
تا خوب ببینم که کدام کدام برای جنگ مقابلگی با رو
استادگی دارد و مارا با که حرب کردنست ملاحظه کنم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که هر قوم جنگی که جمع شده هستند در بیرون را به عقل مشخص است
ترغیب و تحریک جنگ میکنند و بر پله خشم و کین و
حرب و ضرب می آرند کیانند سنجی براجا دهرتراشت
میگوید وقتی که ارجن دیو این قسم به سری کرشن مهاراج
گفته اند او در میان دو لشکر ارابه خاصه را گذاشته
روبروی بهشم پتامه و درنا چارج و دیگر راجهای
عالیشان ارابه را در برابر داشته سری کرشن مهاراج گفت
که ای ارجن دیو اینهمه صاحب تلاشان معرکه کارزار و
جنگ را ملاحظه فرما که از طرف کوروان بدل و جان
تلاش دارند و آماده جدال و قتال هستند ارجن دیو
در جنگ گاه چون نیک ملاحظه کرد که جمیع خویشان و
پدر و پدر کلان و مرشدان و خالوها و برادران و
پسران و نبیره ها و یاران و دوستان و خسر خیل ها و

همسایه ها و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

همسایه ها و اقربا گرسته و بی رحم و شفقت آنها بخاطر آورده
و منازعت و مقابلگی آنها بسیار بد دانسته بطرف
سری کرشن مهاراج گفتن گرفت ای مهاراج در جنگگاه
اینها خویش و قوم خود دیده اعضای من سست میشوند
و لبهای من خشک میگردند و موی بر بدن من راست میشود و
رعشه در اندامم می افتد کمان گاندیو از دستم می افتد و
پوست بر تنم خشک می شود و میسوزد نمیتوانم ایستاد
و خاطرم منقلب است ای سری کرشن مهاراج شگونهای بد
معاینه میکنم خیر و خوبی در نابود ساختن خویش و قبیله نمی بینم
ای مهاراج خواهش تخت و تاج و عیش و آرام و فتح و
فیروزی ندارم که از راج و نعمت الوان ناپایدار
محاصلی نیست برای بهبود کسانیکه آرام و راج و
لذت و خواهش دل بود همان کسان در جنگ بر مردن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ایستاده اند مال و جان خود را تارک و نثار شده
برای مقابله و مقاتله روبرو ایستاده و آماده اند
عموها و استادان و پسران و پدرکلان و خالوها و
خسرها و نبیره ها و خسپوره ها و آشنایان و خویشان
و اقرباها و یاران در مقابله هستند و بیگانه کسی نیست
و همه از خود اند اگر اینها مرا می کشند و من هرگز روادار
راغب کشتن اینها نیستم اگر راج سه لوک هم بدست می آید
باز هم خواهش و میل کشتن اینها ندارم چه جای آنکه
برای راج روی زمین کشتن اینها کنم بدم ناروا ناروا است
ای سرکشن مهاراج مرا کدام خوشی از کشتن پسران
راجه درتراشت حاصل می شود اگرچه اینها دشمن جان و
ناموس و مال هستند باز هم کشتن اینها دوست نمیدارم
من هرگز برای کشتن فرزندان راجا درتراشت
لایق نیم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

لایوع و مایل نیم خویش و قبیلهٔ خود را بباد فنا داده جهنم
آرام و قرار خواهم گرفت اگر چه اینها از راه نافهمی و
طمع نفسانی پس و پیش نظر نمیکنند از عذاب و گناهیکه
بکشتن خویش و قبیله لاحق می شود و دوستان را
که دغا کردن و رنجانیدن گناه عظیم است نمی بینند بینند
من خود میدانم که ازین گناهان کبیر پس ماندن و خود را
کناره کشیدن بهتر است چرا که از کشتن و نابود و
ساختن خویشان خود هیچ گاه مخلصی نخواهد شد
که ایشان ازین کردار بد به ترک یعنی دوزخ خواهند رفت
وقتی که خویشان و اقربا کشته میشوند رسم دهرم و
کرم برهم میخورد و آچار و بچار یعنی نورع و پرهیز کاری
بالکلیه میرود وقتی که اچنین ادهرم واقع شود تمام قبیله
بابی یعنی زناکار میشود آن زمان قباحت بسیار و عظیم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ایستاده اند مال وجان خود را تارک و بیزار شده
برای مقابله و مقاتله روبرو ایستاده و آماده اند
عموها و استادان و پسران و پدر کلان و خالوها و
خسرها و نبیره ها و خسپوره ها و آشنایان و خویشان
و اقربا و یاران در مقابله هستند و بیگانه کسی نیست
و همه از خود اند اگر اینها مرا می کشند و من هرگز روادار
راغب کشتن اینها نیستم اگر راج سه لوک هم بدست من آید
باز هم خواهش و میل کشتن اینها ندارم چه جای آنکه
برای راج روی زمین برکشتن اینها کمر بندم ناروا ناروا است
ای سرکشن جهاراج مرا کدام خوشی از کشتن پسران
راجه دهرتراشت حاصل می شود اگر چه اینها دشمن جان
ناموس و مال هستند باز هم کشتن اینها دوست نمیدارم
من هرگز برای کشتن فرزندان راجا دهرتراشت
لایق نایم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

لا یوع و مایل نیم خویش و قبیله خود را بباد و فنا داده حقیم
آرام و قرار خواهم گرفت اگرچه اینها از راه نافهمی و
طمع نفسانی پس و پیش نظر نمیکنند از عذاب و گناهیکه
بکشتن خویش و قبیله لاحق می شود و دوستان را
که و غا کردن و رنجانیدن گناه عظیم است نمی بینند بینند
من خود میدانم که ازین گناهان کبیره پس ماندن و خود را
کناره کشیدن بهتر است چرا که از کشتن و نابود و
ساختن خویشان خود هیچ گاه مخلصی نخواهد شد
که ایشان ازین کردار بد به ترک یعنی دوزخ خواهند رفت
وقتی که خویشان وا قربا کشته میشوند رسم دهرم و
کرم بر هم میخورد و آچار و بچار یعنی نورع و پرهیز کاری
بالکلیه میرود وقتی که اچنین ادهرم واقع شود تمام قبیله
بابالی یعنی زناکار میشود آن زمان قباحت بسیار و عظیم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

زوری میند بد و قبیکه معصیت غالب شد زنهای قبیله کارهای
فسق و فجور خواهند کرد و عورات بکار قبیح گرفتار میشوند
و تخم حرام تولد پیدا میشود چون ورنه سنکر بوجود آمد
برهمن و کهتری و ویش و شودررا فرق نخواهد ماند و قبیکه
در قبیله حرامزاده پیدا شد بیشک نرک یعنی دوزخ برای
کشنده های مردم قبیله لاحق میشود و در حانیان — کشته ها
یعنی پتران آنهان از سرکه لوک زیرا افتاده در نرگ
یعنی دوزخ میروند دسرانگذه کرم خیرات و میراث
انجل یعنی آب و دانه از آنها منقطع میشود و کرم و پن دان د
وکر یا کرم کردن از میانه کم خواهد شد بسبب گشته شدن
اهل قبیله و پیدا کردیدن نطفه حرام دهرم های پاک
دانایان قدیمی زایل خواهد شد ای مهاراج مردمانیکه
تیاک دهرم و کرم باشند بیشک جای در نرگ یعنی جهنم است

که دوجه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که بموجب احکام وید و شاستر و سمواد رکهشران یعنی
گفتگوی ریشیان و دیوه تا ها همین بظاهر است تعجب آید پر ظاهر
حیف عظیم که بتلاش ها بسیار کمر مجاهده و سعی در تحصیل
گناه کبیر بسته هستیم و بطمع راج و تحاصل راحت که
فنا پذیر هست بر کشتن اهل قبیله خود راغب و ساعی هستیم
انسی فهما راج همین میدانم که هر گاه آنها شمشیر بدست
ایستاده اند ما شمشیر بدست نداریم و ازین طرف اصلا
خواستگار جنگ نمیشوم و چون لشکریان و فرزندان راجا
راجا درتراشت ما را خواهند کشت برای ما بسیار
خوب است که کشته شدن بهتر است از کرده گنهکار کشتن
بار سنجی لطرف راجا درتراشت میگوید اینچنین
سخن ها گفته ارجن دیو درمیان ارابه نشست و کمان
گاندیو را از دست گذاشته با رنج بسیار و دل بیقرار

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مغموم و متوهم بود تمام شد ادهیای
اول ॥ سنجی باز بطرف راجا دهرتراشت میگوید
چون ارجن دیو را دیا یعنی شفقت و رحم بخاطر غلبه
کرده بود و چشمانش پر اشک و از غم و غصه و رنج و الم
متوهم بود و سری کشن مهاراج بمشاهدهٔ اینحال بجانب
ارجن دیو فرمود که ای پاک نهاد خجسته بنیاد حیرانم که
ترا اینقدر جبن و نادانی و نادانستنی از کجا مستولی
شده و اگیان غلبه کرده در قسم شفقت خلقی که دهرم بدا
در رو برو واقع شده انچنین دهرم از غیرت و مردانگی
اسلاف و اجداد شما که بزرگترین چهتریان در جهان
بوده است بسیار بعید است و نامناسب و دهرم اند
چهتری از دست دادن در کدام شاستر رواست
و ازین حرکت سورگ یعنی بهشت نصیب تو نخواهد شد
بلکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بلکه بدنامی و بیغرتی کمال لاحق می شود ای رجن دیو
تو در عالم بیغرتی و سستی داخل مشو این روش لایق و
شایان شما نیست کم جگری را بگذار و برای دهرمیدّ
آماده شو چرا که بیاوری بخت و نیک اندیشی دشمنان را
مغلوب و مقهور خواهی ساخت ارجن دیو باز
بطرف سریکرشن مهاراج عرض میکند که ای مهاراج
کرپاندان من چطور یا بشم تا همه دُور ناچاری جنگ بکنم
و تیراندازی بر آنها نمایم که ایشان لایق پوجا و
تعظیم من اند ای سریکرشن مهاراج گدائی کرده گذران
نمودن او بهتر است و از استادان و پیران ؛
رو گردان شدن و کمر بقصد جنگ ایشان بستن مطلقاً
روا نه اگرچه آنها ن بطمع دولت ناپایدار کمر بکشتن من
بسته اند لیکن بقابل آنها طعام خون آلوده خوردن و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

زہر ہلال نوشیدنت با وجودیکہ انہم یقین نیست
کہ ایشان بر ما مظفر شوند یا ما بر آنہا غالب گردیم و
بر صاحبانیکہ ما را انیہمہ وابستگی است و مہر و محبت بود
کہ لحظہ بی دیدن درشن ایشان زندگانی نمیتوانستم کرد
الحال چطور جنگ و جدل نمایم ای سریکرشن مہاراج
من متحیرام و نیک و بد را نمیدانم و در پناہ تو آمدہ ام
ہر چہ بہبود من است ارشاد فرما و من دافع اینچنین حیرانی
و غم کسی را نمیدانم و نمی بینم این اندوہ و الم حواس مرا
پراگندہ ساختہ اگر راج روی زمین و سور کہ لوک ہسم
عاید من شود باز ہم این رنجوری و غم من زایل نخواہد شد
سوال باز سنجی بطرف راجا درتراشت میگوید
کہ ارجن دیو این سخن ہا گفتہ خاموش شد و سکوت
اختیار کرد کہ ہرگز جنگ نمیکنم سریکرشن مہاراج بطرف
آن غمگین

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ان غم آمود یعنی ارجن دیود رهمان معرکه کارزار خنده
کنان و مود ای ارجن دیو کیان این را نمیتوان گفت
که شما برآنهائیکه لایق غم خوردن نیستند غم میخورید
و حرفها مثل عارفان و بید تان میز نید از روی درم شاستر
و حکم وید بید است کسی را کشتن کسی باید کشتن
او روا است و تیر دهرم کهتری آنیست که هرگاز در رهه یدّ
رو گردان نشود و از روی گیان یعنی معرفت آتما از کشتن
و مردن مبر است و زوال ندارد و شریر یعنی جسد هر وقت
معدوم است تو بدان که من گاهی در جسم نبودم یا این راجها
نبودند یا شما خود نبودید و الا باز نخواهیم بود یقین بدان
که همه ها همیشه بودند و باشند و خواهند بود و ما و شما هم
بوده ایم و هستیم و باشیم و خواهیم بود واجب الوجود را
قسمی که عالم طفولیت و جوانی و پیریست همان قسم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از یک وجود بوجود دیگر تعلق گرفتن است و کسیکه عارف

کیانی و بخوف و هراس باشد او را از مرگ باکی و اندیشه

نیست ای رجن دیو بدان که حواس خمسه را باشید و

پرش و ریپ و رس و گند که الفت است و آن مهمرو

منتج انواع آرام بی آرامی و سردی و گرمی است

و اینها آمدنی و رفتنی هستند و ناپایدارند و این همه را

برخود گوارا کرده فارغ‌بال بوده باش که این معامله

عارضیست و بقایی ندارد ای گروه آدمیان نیک نهاد

کسی اینها گفته ایم متفکر و متالم نکنید و آزار خاطر ندهید و

او از راه تعقل آرام و بی آرامی را برابر نداشته

بی وسواس باشد و او بیشک بدرجه بلند مکت رسید نیست

یعنی خلاص از غم ها بوده پیوسته مسرور و خوشحال

باشد ای رجن دیو یقین بدان که رست و دروغ نمیشود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دروغ هم راست نخواهد شد آنهانیکه دانشور بوده اند
تحقیق این معمه بواقعی نموده اند ای ارجن دیو آن الصاحب را
بیزوال انگار که او در همه شی محیط است کسیکه بذات خود باشد
او را کسی زوال نمیتواند کرد ای ارجن دیو آن ذات خالص را
این وجودهای عارضی ناپایدار هستند او خود اصلا و
مطلقا زوال پذیر نیست و بر همه شی محیط و قادر است
و مرگی ندارد و بنابران تو میگویم که در در همه ید یعنی ها
در جنگ آهن تعطیل مکن ای ارجن دیو کسیکه آن ذات را
یگانه را معدوم کننده داند و آن کسیکه معدوم شدنش
پندارد هر دو نادان و از اصل کار بیخبر اند تحقیق بدان
که او نمی زاید و نمی میرد از هر دو درجه عاریست و منزه
ای ارجن دیو آن آتمای بزرگ گاهی نه تولد می شود
هیچگاه نمی میرد و از ماضی و حال و استقبال هم درگذشته است

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

وجودی ندارد و همیشه هست و حی قایم و قدیم و لایزال است
وقتی که جسم معدوم میشود آن آتما بحال است
ای ارجن دیو کسیکه آن آتمای بزرگ را بیزوال نهاد
و قایم و دایم و جاوید انگارد و مطلق و مقید وجود
شناسد او را کرا می کشاند و کرا می کشد ای ارجن دیو
قسمی که آدمی لباس کهنه را دور کرده رخت نو می پوشد
همان قسم جیو آتما جسدهای پوسیده را دور انداخته
جسد نو اختیار مینماید ای ارجن دیو این آتما را آلات
حرب و ضرب نمیتواند برید و آتش آن را نمی تواند سوخت
و آب گنده نمی تواند کرد و باد خشک نخواهد ساخت
این همه آفات بر وجود عنصری طاری است و
سوختنی و گنده کردنی و خشک شدنی نیست همیشه هست و
هر جا محیط است و قایم بذات خود است و تغیر و تبدیل ندارد

[illegible]

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

قدیم است ای ارجن دیو آن آتمای بزرگ بچشم ظاهری
دیدنی نیست و در عقل نمی گنجد و بیچون و چگون است
و دریافتنی است و همین سخن را تحقیق دانسته شمارا
مخاطره و وسواس بخاطر راه دادن مناسب نیست
ای ارجن دیو شما اگر این آتمای بزرگ را زیستنی و
مردنی همیشه تصور میکنید باز هم قابل غم خوردن نیستید
که او خود مختار است هرچه میخواهد میکند بقدرت کامله خود
متحرک و مجوز است ای ارجن دیو تحقیق بدان هر که زاد
می میرد بالتحقیق هر که مرد باز جنم یعنی در قالب جا میکرد
و هر دو حال یعنی زادن و مردن باهم لازم و ملزوم است
ترا باغم و اندیشهٔ آن چکار ای ارجن دیو جمیع ذی حیات
از عدم می آیند و باز در عدم می پیوندند و درمیانه
یک ظهور حادث و عارضی دارند درین حال گریه کردن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

عیست بیت در عدم بودیم آخر در عدم خواهیم شد

این تماشای جهان را مفت میدانیم ما ای ارجن دیو

آن تماشای لطیف واقدس را اگر کسی بدیدهٔ باطن میبیند

میکند و دریافت می نماید بدان قسمی که حق دیدن او

نمیتواند دید و نمی تواند شنید بتعقل وتوهم خود میکند

باندازهٔ اوصاف لاانتهای او و اگر کسی فراخور استعداد وجود

می شنود او هم علی هذا القیاس مختصر که از دیدن و

شنیدن و وصف نمودن بلندتر است هیچکس بکنه

ماهیت ذات منزه از صفاتش نمی تواند پی برد ای ارجن دیو

آتما در هر وجودیکه نابود می شود مردنی نیست که آتما الالان

کما کان و فقط جسد معدوم می شود بنابران تراغم

خوردن د معدوم شدن جمیع جانداران مناسب نیست

معهذا ای ارجن دیو هر وم کهتری باین نوع است

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که هرکز از جنک رو تافته و باز نیاید چرا اگر در جنک رتمر شد

بلا شرط بر که لوک میرود اگر زنده میماند از نعمای دنیا

لذت مییابد و بهره مند میکردد و این را یقین دانسته

بیباک باش و اندیشه بخاطر خاطر میار ای ارجن دیو ۱۱

جهتریان معتبر و بزرگ دهرمه یدکردن یعنی جنک

راست نمودن را افتتاح دروازه بهشت بر روی ۱

مبارک خود میدانند و از عطیات الهی می انکارند ای

ارجن دیو هرگاه شما این دهرم جهتری که ید باشد

از دست می دهید هم نیکنامی و هم دهرم از دست

داده مستوجب معصیت و متوهم کوچک دلی ؛؛

خواهید شد ای ارجن دیو باین نوع که تو خود را

بیدل و سست کرده و درین وقت نازک دل از دست داده

راجهای عالم و جمیع مردم خواص و عوام ترا تحقیر میکنند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

و مردمان نامدار و عالی مقدار را تحقیر کردن از کرده مردن
بدتر است ای ارجن دیو مردم مهارت و پهلوانان همت با
شما را متهم بخوف و بیدلی و کم جگری میکنند آنها نیکه
شما را کلان دانسته اند در خاطر آنها سبک خواهی شد
دل قوی دار آماده جنگ شو و هر دم نیکنامی بدست آر
ای ارجن دیو دشمنان و حاسدان شما را عیب ها کرده
نا گفتنی های بسیار خواهند گفت از کرده این کدام غم و
الم خواهد بود که شما را دشمن بحقارت یاد خواهند کرد ای
ارجن دیو اگر تو مظفر و منصور نمی شوی سورگه لوک
یعنی عالم بهشت نصیب تو خواهد شد و اگر بفضل سریمهاراج
فتح یاب میشوی بر روی زمین حکم رانی و راج کرده
و لذت دیگر انواع نعایم خواهی شد و در هر دو مقدمه
برای تو جنگ خوب و بهبود است بنابران بر جنگ دلیر آنه

مستعد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مستعد و آماده شو ای ارجن دیو آرام و غم را برابر دانسته
و فایده و غیره فایده فتح و شکست متساوی انگاشته
تهیه و اسباب جنگ بکوش و بوجهی مخروش بانصورت
بر تو گناهی و سبکی در ممالک لاحق نخواهد شد ای ارجن دیو
این تلقین و تعلیم در خصوص آتمه گیان بر طبق شاستر بر تو
بیان و واضح کردم که آتمه چیست و وجود چه باشد چراکه
آتما همیشه و همه وقت بیزوال و برقرار است و وجود لی بود
معدوم و ناپایدار الحال از اخبار حقیقت یوگ شاستر ها
یعنی دانستن آتما تبو شرح میکنم بگوش هوش بشنو که تا
از فهمیدن آن از قید تعلقات وارسته و مطلق آزاد ها
خواهی شد تا اینجا سانکهه یوگ تمام شد که عبارت
از بیان حقایق آتما و کوایف وجود باشد ای ارجن دیو تمام
این کرمه یوگ که تبو خواهم گفت آغاز این زوال نیست

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

در میانش هم خوف و هراس اصلا نه این دهرم خاص
شما را از بلیات و آفات دار هدار دنیا بخوبی خیرات و
محافظت کلیه میکند ای ارجن دیو عقل کامل به تحقیق یکیست
و آنهائیکه تحقیقات ندارند و توهمات و تفکرات ایشان را
بیشمار است و عبث در غفلت و سرگردانی اند و بیخبری
بر آنها غالب است ای ارجن دیو آنهائیکه گیان ندارند
و از معرفت و خداشناسی بی بهره اند بر کرمه کاند و
فقط دل بسته اند و مباحثه و شگفته بیانی و خوشخوانیها
میکنند و میگویند که بغیر از این چیزی واسطهٔ عبادت و
معرفت نیست و در قید و بند کرم ظاهری بوده از گیان
یعنی حقیقت باطنی بیخبر مطلق اند و در مطالب دنیوی
خواستگار و از اصل حقیقت محروم ای ارجن دیو ؛؛
اینچنین مردم کرم بجهت مدعاهای ظاهری بعمل می آرند و
تمام زند

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

تمنای یافت سور که لوک یعنی عالم بهشت دارند و
میگویند که جنم یعنی وجود عنصری نتیجه کرم نیک دهنده است
و بسیار در بسیار در اشتغال و افعال کرمهای ظاهری
اشتغال دارند و برای استحصال نعمت و لذات
الوان بی بقا و حکومتهای ناپایدار و بی ثبات و متعقبها
پابند و گرفتار جنم باشند ای ارجن دیو آنهان
بر لذات گوناگون و دولت ناپایدار مایل اند
همین خیال محال دلهای ایشان پراکنده و پریشان
ساخته است و برسانکهه یوک و گیان یوک که واسطهٔ
مکت و خلاصی و رستگاری جاوید است عقل آنهان
استقامت نمی ورزد ای ارجن دیو کرم کانده وید ا
متعلق است به گن که عبارت از ستو گن و رجو گن و
تمو گن باشد و ترا بهتر است که از ترگن وارسته گردی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

وهمیشه بیافت معرفت خوشوقت وبی غم والم باشی
واز یافت ونایافت مطالب ظاهری معرا بوده
آتمه شناس باش ای ارجن دیو انسان کامل عاقل را
از چهار وید مطلوب خاص الخاص دریافت حقیقت
آتمات قسمیکه از دریای محیط جمیع ذی حیات را
خواهش غسل والانوشیدن آن آب منظور وهرکوزه خاطر
وزیاده بران مطلوبی نیست ونداریند همان قسم
دانشمندان کامل را از احکام واوامر دریای متبحر
چهار وید آتماشناسی ودریافت معرفت مطلوب و
مقصود کلی است ای ارجن دیو تو اگر خواهش کرم کردن
داشته باشی کرم نشکام یعنی بیخواهش محض بنام سری
بهگوان بکن که خواهش واسطه گرفتاری وبندست
ای ارجن دیو براه یوگ یعنی دانستن آتما که جان
جهان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

جهان است استقامت بکن و ثمره و نتیجه کرم اصلا طلب منما
یوک آنست که آثمار ا در هر شئ برابر و بیزوال بدن
و سنوای. آثمای هیچ نیست ای ارجن دیو آن کرم که برای
خواهش حصول مطالب دنیا باشد هیچ نیست عقل یوک
یعنی ادراک معرفت او بهتر است در تحقیق عقل کامل
که واسطه کسب معرفت است متلاشی باش که ثمره کرم
خواستن حقارت است و تعقل یوک بزرگی است
ای ارجن دیو کسیکه عاقل است و عارف گیانی است
او از ثمره صواب و ناصواب وارسته است برای
همین تو یوک را که خلاصه است طالب باش که
از جمیع کارها و کرم ها یوک بهتر و خوشتر است
ای ارجن دیو پرهیزکاران با سعادت و دانش،
نتیجه کرم و تپسیا یعنی عبادت را خواستگاری نکرده

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از قیود جسم و جسد وارسته اند بمکان لامکان الوهیت
واصل گردیده اند ای ارجن دیو وقتیکه تو از قید خارستان
تعلقات بشری وارسته گردی آن زمان از قیل و
قال گفتن و شنیدن و آرزو مخلص یابی ای ارجن دیو
چون عقل تو براتمای بزرگ استحکام پذیرد همان ساعت
واصل بحر وحدت خواهی شد و از توهمات بی عقلی ظاهر
که واسطهٔ غفلت است همین که کناره گرفتی رستگار جاوید
شدی این گفتار شیرین و مکالمهٔ رنگین که ارجن دیو
از زبان مبارک سری کشن مهاراج بخوبی شنید و
ذوق و شوق و تسلی یافته باز پرسید که ای مهاراج
آثار شخص گیانی یعنی عارف محض چگونه است و او
چه قسم حرف میزند و بچه عنوان میگذراند و کردار و
رفتار او چیست بفرماید که بشنوم سری کشن مهاراج
بجانب

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بجانب ارجن دیو میفرمایند که بدان و آگاه باش که
یوگی یعنی عارف وقتی که خواهشهای گوناگون و
آرزوهای بوقلمون روزگار بالکلیه بگذارد و تارک دنیا
آن باشده صرف بر آتمای خاص دلبسته باشد
آنزمان او را درست عقل و ثابت هوش میگویند
آن عارف سالک باتیکو نه خواهد بود که از غصهای
دنیا ستوه نیاید و بر آرام و شادی ها میل نداشته باشد
و خواهش نیک و بد از و رفته است و دلبستگی و بیم و خشم
بگذارد آن زمان او را دانشمند مرتاض و صاحب
عقل درست میگویند آنکسیکه از هر طرف بی وهم باشد
آرام و بی آرامی بالکل گذاشته نه با عیب کسی کار
داشته باشد و نه با هنر کسی و از یافت آرام شاد نگردد
و از حدوث رنج دلگیر نشود و همان شخص را درست عقل و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ثابت مزاج و دانشور کامل میگویند وقتی که آن شخص
حواس خمسه را در قید آورده بخواهش ها مایل نباشد و
مثل نهنگ از هر سو اعضای خود را کشیده بیکجا جمع میکند
همان قسم دست خود را از خواهش ها باز داشته و
دل را بر یک آتما مستحکم دارد او را صاحب عقل کامل
میگویند وقتی که کسی چیزی نمی خورد و از قوای جمیع حواس
باز خواهد بود اما خواهش لذت آن در او باقیست
و ناقص است و آن مردیکه پرمه پد یعنی معرفت حق را
حاصل نموده او را هیچ خواهش نمیماند بالکل آزاد میگردد نموده
و او کامل اکمل و واصل مکمل شد ای ارجن در کوشیکه
سالک باشد و ترک خواهش هم میکند اما تا آنکه آتما خواهش ها
دل او را بزور و غلبه طرف خود مایل میکند نا تمام است
و بهبود مرد آنست که بسعی بسیار آرزوی هر چیز
از دل

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از دل زایل ساخته پیوستگی با یک آتمای بزرگ نماید
اینچنان عارف وگیانی را صاحب عقل کامل میگویند
واگر در نید خواهش ماند وآنها را در وهم وخیال آورد
و ذوق آن پیدا گردد واز باعث ذوق آن زر شتا
یعنی طمع پیدا میکند و بسبب طمع خشم بر او مستولی
میشود واز خشم غفلت بهم می رساند واز غفلت
پریشان خاطر میگردد واز آتما دور میماند و عقل
از سرش بدر میرود و سرگردان می شود چون
سالک را حواس از گرفت وگذاشت وآرام و
بی آرامی خلاص شد وهمان حواس ظاهری و
باطنی بر آتمای بزرگ بست بلاشک تحقیق میرسد
واز جمیع قیود ماسوا مخلص می باید و صاحب
معرفت می شود وقتی که آن سالک آتمای خالص را

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دریافت دیگر بهیچ راه غم و غصه ندارد تحقق کامل او
بادل شادان و خاطر مسرور پیوسته می باشد و
مستحکم میگردد بدان کسیکه خاطر او را جمع نباشد
بر یک اهتمامی خاص دلبسته نخواهد بود او را انجا
حصول شادی و سرور می شود کسی را که لذت
حظ حواس خلل انداز شد یک حس از حسهای او
بطرفی مایل و راغب گردید دل او را همان طرف
میکشد قسمی که باد کشتی را بزور بطرف خود میکشد
آن خواهش هم او را بسوی خود مایل میگرداند
ای ارجن دیو کسیکه حواس خود را بالکل مغلوب
ساخته و بر آنها زور آور گردیده تحقیق همان وقت
عقل او ثابت و مستحکم شد او را صاحب عقل و شعور
کامل میگویند شب غفلتی که بجمیع ذی حیات وارد است
دران

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

دران شب مالکِ حواس که حواس را مغلوب خود کرده باشد
هشیار و خبردار می باشد دران شب که مخلوق به
پردهٔ غفلت و هشیاری دارد دران شب او بخواب است
یعنی که او مطلق و در هشیاری است مثالش مانند
زاغ و چغد است که زاغ شبانه خفته و روزانه هشیار است
و چغد در شب بیدار و در روز بخواب میگذراند گیانی و
یوگی یعنی عارف محض را خواهشهایکه در دل خطور میکند
محض سرور و آرام است قسمی که دریای محیط را آنچه با
واصل می شود در و درمی آید او بقرار می باشد و
کسیکه غافل خواهد بود او را در هر وقت خطره و
وسواس میمالد و آزار میدهد و بشور می آرد شخصی که
جمیع مطالب دنیای گذاشته باشد و بر هیچ چیز
دل نه نهد و بخواهش و آرزو بلی ما و منی خواهد بود

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri
CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

همان شخص رستگاری جاوید جاوید حاصل می سازد
ای ارجن دیو این مقام نیچواهشی ها تبو واضح و بیان
کردم بر کسی حاصل شده باشد او را برهم پدوی یعنی
رستگاری جاوید حاصل است اگر چنانچه فقط
در حالت نقل روح انحال داشته باز هم خلاص است
و هر گاه در کل حال قید حیات و زندگانی بر همین خبر
خاص عامل و شاغل باشد نجات کلی و رستگاری جاوید
یابد و ملکت می شود تمام شد ادهیای دوم در تمیز
کیان :: ارجن دیو بجانب سری کرشن مهاراج
عرض میکند که ای مطاع عالم و ای معبود جمهور آدم
ای واسطهٔ ثلاثه برکات اگر هر گاه بزبان مبارک فرموده وسط
که گیان بر کرم تفویض داده پس چرا حکم جنگ و جدل
که کاریست دشوار بمن میکنند و بر آن مامور میدارند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ای سریکرشن مهاراج من در دو فکر درمانده شده ام
شما گاه توصیف گیان که خلاصه است میکنند و
گاهی تعریف کرم ازین دو چیز خاص بمن ارشاد
نمائید که تا بران عمل نموده فارغبال شوم و منفکر و
اندوهناک نباشم سریکرشن مهاراج میفرماید
که ای ارجن دیو صاف ضمیر نیکو سرشت آن کسانیکه
گیانی یعنی صاحب معرفت باشند برای آنها گیان
خوب است که بآن درجهٔ اعلی رسیده اند مکت و
رستگار ند و آنهائیکه هنوز بمرتبهٔ گیان نرسیده باشند
برای ایشان کرم بهتر است که تا کرم کرده آهسته آهسته
بدرجهٔ بلند گیان خواهند رسید چنانچه در ابتدای
سرشت یعنی ازل در آدیبای اول همین ذکر کرده ام
که در دنیا همین دو چیز وسیلهٔ واسطهٔ مکت و رستگاریست

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ای ارجن دیو سوای کرم یعنی کاریکه محض برای یافتن آنها
باشد کیان نیست پس لازم است که اول بیخواهش
نفالی کرم باید کرد تا معرفت که خلاصهٔ خلقت است
حاصل شود فقط از شنیدن یعنی کیان مکت ممکن نیست
ای ارجن دیو متنفسی در هیچ وقت سوای کرم نمی باشد
چراکه حواس آدمی را لاچار و بی اختیار خبری کرم میکناند
خواه کیانی باشد خواه اکیانی یعنی عارف یا غیر عارف
و آن کرم خواه از کار دنیا باشد یا عقبی از اینچنین حال هیچ
انسان خالی نیست ای ارجن دیو کسیکه خود را
در ظاهر کیانی قرار میدهد و در باطن خواهشهای
الوان داشته باشد آن قسم تقلیدی میگویند نه تحقیقی
و قالی رمیخوانند و نه حالی ای ارجن دیو آن نیکوکرداری
که حواس درونی و بیرونی را ضبط نموده بر تحقیق معرفت

بدل داده

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بدل و جان استقامت داشته باشد از زبدهٔ آدمیان است
چرا که او کرمه یوک بنجواهش نتیجه مینماید و دل بسته
یک آتمای خاص است و از همه عالمیان و آدمیان
بزرگتر است ای ارجن دیو کرم یعنی کاریکه لازمهٔ
کهتری دهرم است بجا آر چرا که کرم و دهرم ذاتی خود
برایشان واجب است در صورت عدم کرم
کارهای وجود از قسم خوردن و آشامیدن و
رفتن و آرمیدن معطل خواهد ماند آدمی حکم جماد
خواهد گرفت بنابران کرم نیک کردن از ناکردن
اولیتر است ای ارجن دیو کری یعنی کاریکه سوای
خواهشهای نفسانی است باعث خلاصی و
رستگاریست و کری که باخواهش است آن کرم
انسان را در قید و بند جنم های بسیار می آرد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

ای ارجن دیو سوای کرم یعنی کاریکه محض برای یافتن آنها

باشد کیان نیست پس لازم است که دل هیچ اثر است

نفالی کرم باید کرد تا معرفت که خلاصه خلقت است

حاصل شود فقط از سنیاس یعنی کیان ممکن نیست شد

ای ارجن دیو متنفسی در هیچ وقت سوای کرم نمی باشد

چراکه حواس آدمی را لاچار ولی اختیار خیری کرم میکنانند

خواه کیانی باشد خواه اکیانی یعنی عارف یا غیر عارف

وآن کرم یا از کار دنیا باشد یا عقبی از اینچنین حال هیچ

انسان خالی نیست ای ارجن دیو کسیکه خود را

در ظاهر کیانی قرار میدهد و در باطن خواهشهای

الوان داشته باشد آورا تقلیدی میگویند نه تحقیقی

و قالی رمیخوانند نه حالی ای ارجن دیو آن نیکوکاری

که حواس درونی و بیرونی را ضبط نموده بر تحقیق معرفت

بدل دلا

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۳۰۱)

بدل و جان استقامت داشته باشد از بندهٔ آدمیان است
چراکه او کرم یوگ بی‌خواهش نتیجه مینماید و دل بستهٔ
یک آتمای خاص است و از همه عالمیان و آدمیان
بزرگتر است ای ارجن دیو کرم یعنی کاریکه لازمهٔ
چهتری دهرم است بجا آر چراکه کرم و دهرم ذاتی خود
برای ایشان واجب است در صورت عدم کرم
کارهای وجود از قسم خوردن و آشامیدن و
رفتن و آرمیدن معطل خواهد ماند آدمی حکم جماد
خواهد گرفت بنابران کرم نیک کردن از ناکردن
اولیتر است ای ارجن دیو کری یعنی کاریکه سوای
خواهشهای نفسانی است باعث خلاصی و
رستگاریست و کریٔ که با خواهش است آن کرم
انسان را در قید و بند جنم های بسیار می آرد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

برای همین بشما تلقین و تاکید میکنیم که کرم پنچو ایش بکنید
که خوب و اعلی است ای ارجن دیو شری برهما جی
در وقت پیدایش که آدسرشت است در وید شرتی
فرموده است که ای جهانیان و آدمیان بکنید
نشکام بکنید یعنی کرم پنچو ایش بجا آورده باشید
که تا شما را معرفت ذات بیچون و چگون و جمیع
مطالب دنیا و آخرت میسر و تحصیل خواهد شد
ای ارجن دیو شری برهما صاحب فرموده است
که بهمین طریق پرستش نرنجن نراکار یعنی پوجا و نیز
بنام دیوتاها دهرم ارتهه یعنی خیرات و مبرات
داده باشید که از ان محبت شما در دل دیوتاها
پیدا گردد و شما صاحب و خصوصیت ایشان
بوا یعنی بجا آرید که تا باهم موافقت ظهور آید و مرافقت
آرام و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۵۳)

آرام تمام باین واسطه حاصل خواهد کردید بدانکه آدمی
از غله پیدا می شود و غله از باران و باران از جک و
جک از کرم یعنی از کار و کریا و کرام کردن از وید و منترها
پیدا می شود و وید از آفریدکار و آفریدکار که محیط همه
چیز است و هم در خلو تسرای جک پوشیده است
در انجا شامل است ای ارجن دیو نیز شری برهما صاحب
فرموده است وقتی که بحکم پرمیشر که خلاق جهان و
جهانیان است شروع بخلقت آدمیان کرده و عمل جک را
آشکار ساخت و گفت که ازین عمل افزون شوید که آن
جک جمله حاجات شما خواهد بر آورد و شما از جک بخشش
دیوتاها یابید و ازین عمل روح ایشان را بر خود مهربان
خوشحال سازید و بمبادله آن ایشان هم بر شما راضی و
همه اسباب عیش را بشما عطا خواهند نمود کسیکه اول بخش دیوتاها

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

داده باز خود بخور روان نیک بخت است و صواب کار
هر میشر صاحب در جگ حاضر و مستمر آنست و محیط و
شامل همه خیر و ثواب انست هر که به ترتیب لایق
حکم شاستر جگ بانجام و بانصرام رساند بدعا می رسد
و ثواب عقبی و دولت دنیا حاصل می سازد و اگر بدین
عمل نکند گنهکار می شود در صورتیکه عمل جگ را نیکو انجام
و ثمره خواهد کرد بهره مند جاوید خواهد گردید ای ارجن و نیز
بنابران تبو گفتم که کرم جگ کردن بهتر است اما
و شنو از من باید گردشری برهما جی میفرماید که انچه
پس مانده جگ باشد یعنی بکن ها از فواکه و خوردنی ها
مانده باشد آن را تبرکاً باید کرد که ثمره بسیار دارد
و اول ظروف نعمتهای مذکور بالضرور بارواح دیوتاها
باید گذرانید که تشمر برکات از جمله حسنات است و آنهائیکه

دم نخورد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

نعمتها

این نعمتها بنام دیوه تاها نمی دهند زره کار و عاصی می شوند
ای ارجن دیو شری برهما جی که اینچنین فرموده است
سوای اینهم در دنیا طریق سمره جاریست از انکه وید
بر ظاهر است که بتاثیر خوردن غذا و نعمت ها همگی جانداران
زنده میمانند و نعمت از سحاب ایزدانی حاصل می شود
و هوم و یگن باعث پیدایش براست و خود هوم و یگز
یعنی جگ از کرم نیک پیدا می شود ای ارجن دیو ابتدای
کرم ها از ذات ستوده صفات سری برهما بهم رسیده
و سری برهما از اکهیر یعنی آن ذات تقدس صفات که
قدیم و بیزوال است پیدا شده بنابران در همه جا
شمول و احاطهٔ آن ذات پاک است و همیشه بر یگن ها
یعنی هوم و جگ حاضر و ناظر است ای ارجن دیو
آن کسیکه باین سلوک کار پیش نبرد و عمر او در لهو و لعب میگذرد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بر آنمای خاص نظر ش نیست و در خواهشهای دنیای دون
گرفتار است ای ارجن دیو کسیکه گیانی باشد و بر آتما
دلبسته خوشنود و شادان بود او را هیچ کرم کردن نیست
او از همه خواهشها درگذشته است ای ارجن دیو آن
مرد گیانی یعنی شخص عارف را یا کردن و ناکردن کرم
یعنی کار تمنائی نیست تعلقی و اینچنین کس را از جمیع مخلوقات
و ذی حیات با هیچکس آرزوی و مطلبی نه ای ارجن دیو
گیان و کرم را بدو طریق بر تو واضح کردم الحال آن
کرم که یعنی کاریکه لایق کابل دهرم چهتری است شما
شاغل آن بوده باشید کسیکه بر نتیجه کرم چشم طمع
بدوخته باشد او بلاشک درجه اعلی مکت خواهد یافت
ای ارجن دیو راجا رمکنه وغیره راجهای بزرگ
ربع مسکون در تحت شان این بود بسبب مرعی داشتن

دهرم چهتر

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دهرم چهتری بدرجهٔ اعلی همت وارد کردیده اند وکوی
سعادت دو جهان از میان برده ای ارجن دیو
آن بزرگی که تمهارا جا بوده است سر گروه اشغال
خواهد بود کردار درپیش گیرد و میکرده باشد دیگران هم
از خاص و عام تتبع آن مینمایند و همان روش روزگار
میگذرانند ای ارجن دیو مرا در هرسه لوک یعنی زبون
که عالم زمین و فضای آسمان باشد چیزی کردنی نیست
و چیزی یافتنی و نایافتنی نه با وجود آن منهم از کرم تارک نیستیم
ای ارجن دیو اگر من خود در عالم کون و فساد کرم کردن را
ترک سازم دیگران هم که هنوز عارف و گیانی
نشده باشند ترک کرم خواهند کرد قباحت واقع شود
ای ارجن دیو بسبب ترک کرم سایر الناس گمراه
می شوند و مبتذل مقصود نمیرسند اگر من سد محکم کرم را

شد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

برهم زنم باین واسطه تبدیل وتخریب ذاتها خواهد شد
برهمن کیش وملت چهتری اختیار میکند وچهتری دیهرم خود
گذاشته ویش می شوند وویش شودر خواهد شد وورنسنکر
بظهور خواهد پیوست وانتظام عالم شده کارهای قبیح و
افعال شنیع بوقوع خواهد آمد ای ارجن دیو پس کسان
که نادان وجاهل یعنی اگیانی هستند وبرای حصول
مطالب دنیوی کرم یعنی کارها میکنند وگیانی هم سوای
کرم نمی باشد اما کرم او باید که بیخواهش باشد مختصر که
کرم بر هر دو کس واجبست نادان کرم باخواهش میکند
ودانا وعارف کرم بیخواهش همین قدر تفاوت است
ای ارجن دیو اگر کسی خود عارف وگیانی باشد
او را نباید که مردم دیگر را هنوز بدرجهٔ خاص مکتی
نرسیده باشند مانع کرم کردن شود که این معنی باعث

گناه د

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۵۸)

گناه و وبال است ای ارجن دیو ترک کن یعنی ستو گن و رجو گن
و تمو گن که پنج واصل آنها مولهه پرکرت است و منشار
کردارهای غفلت همان سه گن جانداران را کرمها
اختیار میکنانند و از انانیت بنابر نادانی کرم کردن
بر خود لاحق میسازد که من کرم میکنم والا تحقیق بدان
که کرم از ترگن بظهور میرسد نادان از فرط نادانی آنرا
بخود منسوب میکند نا تمام از آن است ای ارجن دیو
قوی بازو و نیک سیرت یقین بدان که مرد عارف
یعنی گیانی قسمت سه گن یعنی ستو گن و رجو گن و تمو گن
بخوبی میداند و حواس درونی و بیرونی را مشغول
مخترع کرم میشناسد و خود را از آن جدا میداند
که کرم کردن خاصه سه گن است و من از آن منزه
مبرا ام ای ارجن دیو کسیکه عارف کامل باشد و همه چیز را

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

به تحقیق میداند و نقصان را از کرم کردن مانع نشود
چرا که آنها در لذات خواهش گرفتار زند و از یاد حق
غافل مادامی که آنها بدرجهٔ اعلی میرسند کرم کردن
بر ایشان واجب و لازم است ای ارجن دیو
هر کرم که میکنی آن بی خواهش و بیجا است مطلب این نسبتی
ضمیر معرفت تخمیر و وقوف تمام بی انانیت و بیخودی
دهر همه بدرا نما و تب و تاب و بیقراری و اضطراب را
بخاطر عاطر خود راه مده ای ارجن دیو این راه روش
که من بتو تلقین کردم و کسانیکه همین تعلیم را با تلقین داشته
بران عمل نمایند و بی غضب و کینه باشند آنها هم
از قید کرم بزودی خلاص می شوند ای ارجن دیو
آنانیکه خشمگین بوده از راه جهل تلقین و تعلیم معرفت
خاص را که من واضح کردم بگوش هوش نفهمیده
دردل

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در دل متحکم ندارند آنها نرا پی نصیب و بعقل محض و
نادان مشخص بدان ای ارجن دیو هر ذی حیات
موافق پرکرت یعنی طبیعت خود حرکات و سکنات
بعمل می آرد اگر گیانی هم باشد ازین امر ادرا ناگزیر نیست
و چه جای آنکه اگیانی خواهد بود همه جانداران تابع
پرکرت خود اند و مغلوب شیوهٔ ذاتی در هر حال آنها
نصیحت و تعلیم کسی کارگر و موثر نمی شود ای ارجن دیو
هر نیدری یعنی حسی دلبستگی بر چیزی هست گوش بر صوتهای و
دیده بر بینایی و شامه بر بویایی ذایقه بر لذات
و لامسه بر مساس بد نیکو نه همه نیدری قایم و بر چیزهای
نامرغوب تارک و ناخوش و شمارا لازم آن است
که بر راگ و دیش که عبارت از گرفتن و گذاشتن باشد
اصلا راغب نباشید چرا که این گرفت و گذاشت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(٦١)

دشمن کیانی یعنی خود عارف کامل است ای ارجن دیو
دهرم خود برای هر کس خوشتر است دهرم دیگری
اگرچه خوب تر باشد باز هم دهرم خود بهتر است
بر دهرم خود مردن بسیار خوب است دهرم دیگری
منشار خوف و هراس است و در دنیا باعث بدنامی   استهار
و در عقبی غفلت و عصیان و شرمساری و واسطهٔ
رسانیدن در زرگ یعنی دوزخ بنابران بر دهرم خود
دایم و قایم باید بود ارجن دیو بجانب سری کرشن مهاراج
عرض میکند که ای مهاراج بفرمایند که آدمی که مصدر
افعال ذمیمه می شود متحرک آن کیست هر چند خود
خواستگار آن نیست و نه اختیاری او را باین کار
می آرد آن کدام است مهربانی فرموده ارشاد نمایند
که تا از آن وقوفی حاصل نمایم سری کرشن مهاراج میفرمایند

کی لی اوج دو

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

که ای ارجن دیو بدان که خشم و حرص و قوتهای شهوتی
منبع کینه و کدورت است که آن از رجوگن پیدایش دارد
بسیار خوار است و بسیار پر معصیت آن محرک ؛
افعال ذمیمه باید دانست ای ارجن دیو بدان قسمیکه
آتش را دود پوشیده می دارد و آئینه از زنگ کدورت
می پذیرد و طفل در شکم مادر محتجب و مخفی میباشد و در
تنگی و تاریکی و کثافت میگذراند و قادر بر حرکت و
فراغت نیست همان قسم سالک قوای حرص و آز و
خشمناکی پیچیده و مقبوض و مکدر ساخته است ای ارجن دیو
کیانی یعنی عارف را همین ترشنا یعنی حرص و طمع مغلوب
ساخته است و در دام پیچیده که همین دشمن مثل آتش سوزان
او را در گرفته و از هیچ چیز اطفا پذیر نیست ای ارجن دیو
مکان این کام یعنی حرص و آز و غضب که شرح خاصیت ؛؛

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

غفلت آن کرده شد یکی حواس دوم دل سوم عقل است
همین دشمن کیانی را باتفاق این هر سه مسخر ساخته و
در چاه غفلت و نادانی انداخته مغلوب و محکوم خود
نموده است ای ارجن دیو تو که از اولاد مقدس
راجا بهرت هستی باید که اول حواس درونی و بیرونی را
مغلوب خود ساخته و بعد از ان کمر همت بر معدوم
ساختن کام و کرود بربند چرا که این دشمن کیان و یکیان
ای ارجن دیو بگوش بند نیوش تفهیم و یاد گیر که بزرگان
و استادان اول حواس را خلاصه میدانند و از گذ
آن من یعنی دل زبده است و از گذرده آن عقل بالاتر و
لازمه عقل آن ذاتی که رفیع الدرجات و مالک و
صاحب همه اوست و ز راه مطلق هست خاص الخاص
او را میگویند و همان قدیم و بیزوال است او را در یاب

کر ابجاد نمی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ای ارجن دیو همین شرح و تفصیلی که من حقیقت بر تو
واضح کردم و از عقل که بالاتر آن پرم آتماست
او را نیک دانسته و بخوبی دریافته همان دریای
بزرگ را در دل صفا منزل متمکن دانسته و دشمن کام یعنی
یعنی طمع و حرص را معدوم ساز و رستگار جاوید
ابدی و فارغبال سرمدی شو که از ان شناخت
درجهٔ اختصاص ملکت حاصل خواهد شد و به پرمه پد وی
خواهی رسید تمام شد ادهیای سوم موسوم به کرمه یوگ
سری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو می فرماید که من
این یوک را اول بسورج دیو تا گفته بودم و او
و شنو بزرگ پسر خود را تعلیم کرده بود و پرجاپت
موصوف به نجهاک راجا فرزند خود تلقین نموده بود
و همین یوک را سلسله در سلسله نوبت بنوبت و پشت به

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

رازه زکشر ان آموخته بودند و بعد مدت ممتد این
پوک شریف بکسی یاد نمانده و آدرشت یعنی ناپیدا
شده بود و همین پوک از جهان نهان شده را اینوقت
بتو گفتم چون تو هم سیوک یعنی ارادتمند تهه دلی و
خویشاوند گلی هستی بتو بیان و اظهار کردم که تا ازان
بهرهٔ خوب برداشته مستفید جاوید شوی ارجن دیو
دست بسته عرض کرد که ای شری کشن مهاراج سرو گیخ
دیوه تا در ابتدای خلقت پیدا و ظاهر شده بود و قدیم است
و شما درینوقت موجود شدید معلوم من چگونه شود
که اول با و ارشاد کرده بودید سر مهاراج بر زبان
مبارک می فرماید که ای ارجن دیو من او تارهای بسیار
کرده قالب ها گذاشته و تو هم جنم های بسیار گرفتی و
من تمامی حقایق احوالات او تارها دریاد دارم و
ار جن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

(۶۶)

از جنم های پی در پی شما نیز واقفم و تو از کیفیت و اوتارهای من
و سرگذشت جنم های خود آگاهی نداری
هر چند من بی جنم ولی عدم هستم و صاحب تمامی جانداران
و با جماع ترگن یعنی ستوگن و رجوگن و تموگن
باراده و استعداد مایا یعنی عشق ازلی خود را موجود
میسازم ای ارجن دیو هر وقت که احکام دهرم یعنی
کارهای صواب و نکویی گم می گردد و معدوم می شود
و ادهرم یعنی کارهای ناصواب بظهور می آید دران وقت
خود را بجهت حفظ امورات ثواب و زایل کردن
مقدمات ناثواب اوتار میگیرم بنا بر محافظت نیکوکاران
خجسته شعار و دفع نمودن گنهکاران بدکردار و
بجهت استحکام اساس دهرم و بنیاد کرم در چهار یوگ
جلوه گر گردیده ظهور اتم میکنم ای ارجن دیو کسیکه سبب جنم

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri
CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

باعث کرم من پواقعی میداند و بعد گذاشتن قالب
عنصری در وجود نخواهد آمد و مکت یعنی رستگار جاوید
خواهد گردید آنهاییکه خواهش لذات حواس و کرود
یعنی خشم و بیم و ترس از خود دور کرده باشند و
خالص متوجه با تما بوده در یاد ذکر و فکر من خواهند بود
از بسیاری گیان یعنی توفیر معرفت و ریاضت
پوتر یعنی پاک شده باشند همان کسان درجه مکت
یعنی رستگاری یافته اند عزیزانی که بدل و جان
با من پیوسته اند من هم ایشان را پرورش و حفاظت میکنم
و از راه کرم و دهرم و اوپاستا یعنی توسل دیوتاها
که بسوی من می آیند و بلاشک در من می پیوندند
کسانیکه راست و درست شدن دهرم و مطالب
این جهانی جگ و هوم بنام دیوتاها یعنی ملایکه میکنند و

تمره ۵۱

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

وثمرهٔ آن این است که کارهای دنیا بآنها حاصل و
متواصل میگردد از کیان محروم و مایوس اند فقط
بکرم و بستگی دارند هرچند کامیاب مطالب ظاهری
می شوند اما درجهٔ اعلی مکت نمی یابند چهار ورن که
عبارت از برهمن و چهتری و ویش و شودر باشد
من پیدا کرده ام و حصه های کرم و خصلت آنها علیحده
جدا مقسوم نموده ام و خود ازان مبرا و معرا ام بنابر آنکه
از ثمرهٔ کرم خواهشی ندارم و کرم میکنم و کرتا هستم و پرم آتما
و باعتبار پیدایش هیچ خواهش اکرتا ام و چون آتما کرمهای
ثواب و ناثواب مارا آمیزشی و آلایشی نمیکند
چراکه نشکامم و آرزوی یافتن ثمرهٔ کرم ندارم و آنکه
انچنین مارا یقین بداند او از قید ثمرهٔ نیکی و بدی و ریاضت و
عبادت خلاص و مستغنی است ای ارجن دیوراجهای سلف

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که از عبارت از راجا جنک وغیره باشند خواهان
مستدعی مکت ورستکاری بودند آیینی که تبو عیان
کردم وبیان نمودم مطابق دهرم خود ها کرم کردند
ونظر بران نموده میگویم که تو هم بدستور ایشان کرم بکن
ودر دل خود یقین بنما که آن ایشر یعنی آن صاحب خود بخود
کرناست واصلا ثمره کرم کردن بخاطر میار وطلبکار آن
مباش ای ارجن دیو دانشوران عالم و مرتاضان اعظم
از شناختن احکام کرم واکرم عاجز اند بواقعی نمیدانند
که چه باید کرد و چه نباید کرد الحال تبو واضح میکنم
آنچنان کرمی که بدانستن آن از دنیا و ما فیها آن
خلاص ورستکاری شوی بلا شک بحق پیوندی ای
ارجن دیو ماهیت کرم وخاصیت اکرم وکیب ودیکرم
یعنی کردن ونا کردن ونا کردنی بواقعی باید دانست

ودیم اکرم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

این هر سه چیز را تمیز باید کرد چرا که راه کرم دانستن کاریست
مشکل و امریست محال کسیکه کرم را اکرم میداند و
اکرم را اکرم میشمارد او عاقل و بسیار داناست
و از زمرهٔ آدمیان دانش کمال همان شخص نجوشی تمام و
آرام تمام است کنندهٔ همه کرمها اوست بانیصورت
کرم را اکرم میشمارد که خوردن و آشامیدن و شنیدن
بوییدن و غیره حواس تعلق بمن ندارد که آنها خاصیت
طبیعی کار خود میکنند و اکرم را کرم باین رنگ میدانند
که چون من محیطم و جمیع مخلوقات همگی ذی حیات
که کارهای ثواب از اقسام یاپ و پوجا میکنند
گویا من میکنم نوعید یکر بد هیکونه که اگر کرمی نشکام نموده
گویا کرمی نکرد و اگر سگام نموده گویا که نموداری حق بود
نهیدت نکه آنیکه جمیع کارهای او و شنوارین یعنی نیجو آنش باشد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

و بسبب فرط گیان شناخت ایزد بر حق و معبود مطلق
از قید و بند ماسوا و ثمرهٔ اعمال نیک و بد خلاص است
پندت نمی توان گفت کسیکه خواهش ثمرهٔ کرم ندشته باشد
همیشه سیر از لذات حواس خواهد بود و سوای ذات از
مقدس الهی از هیچ یک امیدی نداشته باشد اگر او
بظاهر مشغول کرم هم خواهد بود بدان که گویا او
هیچکاری نمیکند چرا که او خود را آتمه سروپ و
بیکار از کار حواس میداند کسیکه از هیچ مخلوقات
بغیر از ذات خالص بر حق امیدی نداشته باشد
تسخیر حواس و دل کرده و خواهش متنوع را ترک
داده باشد و کاری که از جهت مثل خوردن و آسامیدن
و غیره ذاتیست و روش مخلوقات است میکرده باشد
و بر آن هم دل بسته و مغرور نخواهد بود که من
انکار

قسم اور از میتوان گفت

مخلوق

خالق

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

انیکار ها که دم موصوف اینچنین صفات حمیده ملکت
یعنی رستکار جاوید است و در تهید ثواب و غیر ثواب
نیست که خود را پرم اتمای خالص میداند باید ری
یعنی حواس عشره و تسلی ندارد کسیکه بقیمت آرای
راضی و تسلی بوده از گرم و سرد زمانه و غرب و تقی
و غم و الم و عیش و شادی و بغض و حسد معرا و مبرا
و بحصول مطلب خوش و بعدم حصول آن ناخوش
نخواهد بود او بالیقین نجات دایمی می یابد و چونکه
در ظاهر کرم ها میکند از نتیجه و ثمره آلایش و آمیزش
آن برکنار است کسیکه کرم بخواهش جسمانی نکرده
و محض برضای الهی کار و بار بکند او ملکت است چراکه
خود را از کردار سوا میداند و دل خود را در معرفت حق
مشتمل و مشتغل انگارد و اینها را این برای خدا کار نماید

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

جمیع کرم های اولی نتیجه و ثمره جسمانی است
در حقیقت و اصل بحر محیط معرفت است آن غیره که
آلات و اسباب هوم را در روغن و میوه و غلات
آن و آتش اگن دیوتا جمان یعنی کننده وغیره همگی را
براهم گی انکارد بدان که او را پرم براهم و براهم رفت
یا فتنی است بشنو که بعضی پوکیشران در ظاهر هوم دیگر
بنام دیوتا ها میکنند و پوجا و پرستش اندرا چه وغیره
دیوتا ها یعنی روحانیان مینمایند بعضی در باطن در
اگن براهم یعنی در ذات حق که نورانی مطلق است
خود را می اندازند یعنی خود را آتمای صرف و پرم برشن
میدانند بعضی جوکیشران حواس خمسه را که شنیدن و
دیدن و بوییدن و چشیدن و مساس کردن
وغیره بوده باشد مغلوب خود کرده و خود را

از لذات

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

از لذات باز میدارند و هون را هوم یکن تصور میکنند و
در مشغولی حق مستغرق میباشند بعضی رکهیشران
شنیدن را در گوش هوم میکنند بعضی شنیدن را در
گوش می اندازند و تحو میکنند و بعضی بر عکس آن گوش را
در شنیدن انداخته با این عنوان هوم می سازند مختصر که
با این رنگ و با این صورت در آتش پر فروغ گیان
خواهش لذات را می سوزانند نه در آتش ظاهری بعضی از
بعضی مرتاضان جمیع کارهای متعلقه کارهای درونی و
بیرونی و ده پران که عبارت از پران واوپه پران باشد
در آتش آتمه گیان می سوزانند یعنی برهمنان و عابدان
دروی یکن یعنی هوم ظاهری میکنند که اقسام میوه و
روغن و غلات فراهم آورده یکن مینمایند این یکن
خاصه گرهست یعنی دنیا دارهست و بعضی تپو یکن میکنند

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که در جنگل و بیابان بگوشهٔ تنهای نشسته در یاد
شری نراین مشغول می باشند و بعضی یوگ که یکین میکنند
که عبارت از یم نیم و سماد و پرناهار و آسن و پرانایام
بوده باشد و بعضی سوادهیای یگن یعنی خواندن بید و
بیدانگ و سمرتهه که عبارت از درمه شاستر و اتهاس
یعنی حکایات پیشینیان و مرتاضان و راجهای بزرگان
بعضی ترک یعنی نیای شاستر و چهندی نیتی شاستره
یعنی تدبیر و تسخیر ممالک و دنده شاستر یعنی مکافات
دادن عاصیان و گنهگاران و بعضی گیان یگن یعنی حق
محیط و یگانه دیدن و بعضی تیرته یگن یعنی زیارت اماکن متبرکه
که عبارت از تیرتهه یاترا باشد غرضکه اقوال و اطوار مردم
ست ها یعنی ملت ها جدا و علیحده است که آن یگانه
بصورت بحر محیط است و ملت ها مثال آبها و جویهاست

که ها که

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که همگی در یک محیط واصل میگردند هر یکی راهی جدا
اختیار کرده است چتر ویدیان یعنی چهار ویدان
کار و کردار خود برستر یعنی قول برهمای مختصر داشته
و آنچه که احکام نقلی اوست بهمان اعتماد درست دارند
و آنها را ویداتی میگویند و مها شاستریان
اعتماد و ... اعتقاد بزرگ یا و کرم سکیتد نیا مک پرشٹ
پرمان یعنی پرسش قسم عمل سکیتد اول پرتکتی پرمان
آنچه ملحوظ نظر است از اندر و غیره انومانه پرمان
یعنی جاییکه دود باشد باید دانست که آتش است
و شبده پرمان یعنی امر و ارشاد وید که یگین و هوم
منتج خیر و برکات است در نتیجه آن آدمی بسرگ لوک
میرسد و پاوه پرمان یعنی او راهی بگوید که دیوه تا در
خانه نیست باید دانست که هرگاه در خانه نیست

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در بحر یا بازار خواهد بود و او به پان و پرمان تشکل بند اند
پس مثل بد راست و از نهایت پرمان تیوفی تا شیر
بارش تخم می زاید و سبز می شود سانکهه شاستر
واله ها پرکرت و پورش و ترگن یعنی ستوگن رجوگن
تموگن یقین ملت ها یعنی ملت وارند شیوی بر جهان شکت و
کرپا نکهت و کیا نه شکهت مستحکم اند و سی و ششتت را
اختیار کرده اند. پاتن زلی مت آنست که یوگ را ؛؛
اختیار کرده اند و پرانایام و دیهان و دارنا و سما
دی پرتیاهار که یوگ شاستر یعنی پاتن زلی شاستر
همان است و یا کرنی نظت شاستری است
یعنی نظت آنکه قرار داده اند و بعضی اشته آنکه و ویدا نیاز
بیست و چهار تت پیشمارند و شیو پان سی و ششتت
نوشته اند و نیا یکان در کاریه کارن و کهت
و بیت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

وهیت وسمو ابه کارن و اسمو ابه کارن و نیمتی کارن
بحث مینمایند کاریه مثل طلاست و کارن زیور و
کاریه مانند خاک و کارن بمثال سبو و جام و غیره
سمو ابه کارن آنکه خاک با سبو ملحق است و
اسمو ابه کارن یعنی اسباب کلال مثل چرخه و
چوب و ریسمان که از ان باسن ها تیار میکنند باسن
و کرتا خود کلال است هر که از شت شاستر واقف باشد
او را پندت می توان گفت یعنی پران را ادایان
هوم مینمایند و ایان در پران پران و ایان را گرفته
کننک نموده ده پران را جمع می سازند در یک پران
که گویا بمنزله اگن دیوتاست هوم میکنند آنها
پران [illegible] در همین یگن مینمایند همین ها نیته اهاری
میباشند یعنی در خوردن چهار خرمی میدارند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دو حصه جوف شکم را از خوردنی پر میسازند و یک حصه را
برای آمد شد پران یعنی انفاس میگذارند و همین قسم
روش خوردن دارند و ده پران را در یک پران
هوم میکنند یعنی ورزش کنبک میکنند جمیع پران ها
در انجا یکجا می شود و اجتماع پران و اپه پران
میکرد و همین دوازده یگن را مفصل بیان کردم و
کسانیکه آن را بعمل می آرند و باین واسطه وسیله
گناه و عصیان ایشان رفع و دفع می شود و آن
کسانیکه پس مانده این یگن را هوم را که عبارت
از لی و داست و لی و دیا معنی دارد که خوردنی را
اول بدهنده آن یعنی رزاق مطلق و دیوتاها و
روحانیان میگذرانند که آنها را تواضع نموده
باز مانده ایشان را نجود نوش جان می کنند میخورند
بلکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۷۰)

پشتک براهم را در می یابند و کسیکه ورزش عمل این قسم
یکن نمیکند او را بهره از دنیا و عقبی حاصل نیست شری برماجی
همین قسم یکن باد روید بسیار فرموده است آن ع
همه یکن از کرم پیدا شده یدان و این را تحقیق دانسته
مکت می شوی ای ارجن دیو بها در دشمن گذار ۱۱
پشنو بشنو از کرده ورد یکن و غیره گیان یکن خلاصه
و منتخب و برتر و بهتر و اعلی است چرا که همه کرم در گیان یوگ
محو می شوند و اتمام و اختتام می پذیرند بدانکه
اوپدیش یعنی تلقین گیان یوگ که جمیع یوگ ها برتر است
بتوجه و شفقت مرشد کامل میسر می شود و بارادت
طالب صادقی که باین صفت ها موصوف باشد
اول آنکه مرشد را سر بر پا می گذارد و بعد آن آشتانگه
نمسکار کرده بالتجای تمام و الحاح مالا کلام التماس

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پرستش حقیقت معرفت میکند دوم آنکه خدمت و
فرمانبرداری او بواقعی نماید همین طور روش را
تصمیم دل خود نموده در پیش مرشد کامل اکمل کسب
معرفت آتمانیما حاصل معنی این ارشاد و خاص الخاص
این است که حواس را ضبط نموده تسخیر و مغلوب ساخته
باشی که تباثیر آن گیان حاصل می شود که استاد کامل
عبارت از تسخیر حواس است شیر بکرشن مهاراج که
خود اوتار اتم بود ملقین او برتر از همه مرشدان است
حواله برارشاد دیگری نمی فرمود الا بکنایه امر فرمود
که تسخیر حواس و بدست آوردن آنها واسطهٔ حصول
معرفت است ای ارجن دیو از داشتن گیان نیوک
که تبو واضح کردم در موه یعنی نادانی و غفلت و غیر معرفت
نباشی از داشتن اینچنین گیان از شری برهما گفته
نامورم

نشدار

این

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

تا مورچه در خود معاینه می بینی و بعد از ان در من
می بینی ای ارجن دیو اگر احیاناً از همه عاصیان
پر معصیت تر باشی ثمرهٔ معرفت در کشتی گیان
از عمان گناهان عبور می نمایی و بمنزل المقصود
فایز میگردی و حصول مکت یعنی رستگاری جاوید
حاصل وقت و بخت تو خواهد شد ای ارجن دیو
قسمیکه آتش افروخته هیزم ها خاکستر می سازد
همان قسم آتش گیان جمع کرم را بسم یعنی خاکستر
میکند وقتی آدمی بدرجهٔ اعلی گیان رسید از کردار کرم
فارغبال و آسوده و بیزوال شد درین سپنجی سرا
مثل گیان یعنی معرفت حق هیچ چیز پاک تر و پاکیزه نیست
همان گیان وقتی که از کرم یوگ کسی را حاصل شده
باشد بعد مدت های دراز خود بخود می یابد و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

و عارف و کیانی شده با حق می پیوند و کسیکه با تقدیر باشد
حرف مرشد را نقش بر حجر داند همان شخص را در می یابد
و بر همان استقامت و رزیده قایم و دایم باشد و
حواس را ضبط و مغلوب خود کرده و کیان خاص را
دریافته ملک را که شانت کلان بر و وی دریا بد و
مثل قطره بدریا واصل شده رستکار جاوید گردد کسیکه
اگیانی باشد و بی الیقین خواهد بود او از دنیا و عقبی بی بهره
و از راحت و آرام مایوس است و در بند غفلت بقرار
کسیکه از دریافت و ورزش یوک معرفت خاص
حاصل شده باشد بواسطهٔ و وسیلهٔ آن یوک بار دیگر
احتیاج بکردن کرم ها نباشد و به تحقیق و تدقیق کیان
خاص رفع شک نموده و اتمارا انجوبی دریافته باشد
او را کرم های ظاهری در بند نمی آرند و ثمره و نتیجه ان برا
او
کار ندارد بو

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

کاری ندارد و بنجواهش و شنوار ین یعنی برای خدا کرم بانماید

ای ارجن دیو پرده شک که از سبب غفلت در دل تو

جا یگیر شده است به تیغ تیز گیان خاص بریده

یوک را تمام سازو برخیزو برای جنگ و محاربه که دهرم

چهتریان است مستعد و آماده شو تمام شد ادهیای

چهارم که بکرم یوگ است ارجن بجانب سری کرشن مهاراج

عرض میکند که ای مهاراج شما اول بزبان مبارک

تیاگ نمودن یعنی گذاشتن کرم ارشاد میفرمایند و

باز حکم می کنند که بلا مضایقه کرم باید کرد نیا بران !!

عرض میدارم که آنچه در میان این دو چیز بهتر و خوشتر است

همان مقرر و مشخص کرده بفرمایند که بران بدل و جان

عمل نمایم چرا که چرا که دو دلی مرا آزار میدهد سری کرشن

مهاراج بجانب ارجن دیو میفرمایند که گلیان دهنده

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

یعنی آرام بخشنده طالب بمنزل معرفت هر دو چیز شد
هم کرم یوگ بهتر است و هم سناسه یوگ فاما کرم یوگ
او بهتر است از سناسه یوگ ای ارجن دیوانگی کسیکه
بر چیز خوب دلبستگی نداشته باشد و بر مقدمه نامرغوب
ناخوشی ننماید و دویی را مطلق کار فرما نکرد و از عیش و
سرور مسرور بوده از ماسوا وارسته است ای ارجن فی تو
آنها نیکه پندت یعنی دانای اکمل هستند ایشان سانکهه
یوگ را یعنی در گذاشتن کرم و بانصرام رسانیدن یوگ
تفاوت نمی شمارند اکراحیانا ورزش یکی ازینها نمایند و
بانجام رسانند ثمره هر دو چیز بلاشک می یابند ای
ارجن دیوان کسانیکه عامل سانکهه اند و مرتبه از ان
حاصل می سازند و همان درجه و مرتبه را یوگیان
کرم هم می یابند و آن کسکه سانکهه را و یوگ را بنظر ما می شند

ورم ۹۷

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

هر دو را خوب میداند او داننده و بیننده اسرار است
ای ارجن دیو قوی بازو تا وقتی که کرم یوگ حاصل نباشد
سنس نایاب است و سنس بدست نمی آید کسیکه کرم یوگی
بوده باشد او را اندک فرصتی پرم برهم را می یابد و
کسیکه یوگی است درون او نرمل و صاف و جدا او
حواس خود را مغلوب کرده باشد و محیط هر شی شده
در صورتیکه کرم هم بظاهر نمیکند مضایقه ندارد اینچنین
شخص که بیان کردم تنک میداند که من هیچ کرم نمیکنم
با وجودیکه بتاثیر و خاصیت حواس می بیند و می شنود
و لمس میکند و بو می گیرد و می خورد و می آشامد و براه میرود
و می خوابد و دم میدمد نفس بر می آرد و گوینده است و
ترک کننده و گیرنده و چشم واکننده و پوشنده یعنی
دیده برهم زدن است اما میداند که این همه کارها خاصیت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حواس است می بیند و می شنود و لمس میکند و بو میکرد و
می خورد و من ازین چیزها منزه و آزادم و هیچ چیز اختلاط و
آمیزش ندارم ای ارجن دیوان چالیس جا و ق هرکار که میکنند
و د نشو ازین یعنی از برای خدا میکند قسمیکه برگ نیلوفر
در آب است و با آب آمیزش ندارد و از وجد است اصلا فی
فره از صواب و ناصواب باو نیست از نتیجه هر دو مراد
موات بوکیان و انشو معرفت اثر کرم ها را از شیر بروا
من و بدنی از جسد و از دل و از عقل انگاشته
منسوب و مشمول بحواس میکنند و حواله بایشان میدانند
و ثمره و نتیجه آن اصلا و مطلقا نمی خواهند و همین کرمهای
ظاهری را محض برای صیقل آینه دل بعمل می آرند و
بغیر ازین غرضی و مقصدی و مطلبی ندارند تحقیق است
هر که باطمینان دل نتیجه کرم را ترک داده شانت یعنی
مرد رهی

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سر در محض حاصل می سازد حکمت و اخلاص است کسیکه
جمعیت دل حاصل ندارد او در خواهشهای گوناگون
با فتن نتیجهٔ کردار پابند است آن شخصی که از راه معرفت و
حق شناسی حواس بیرونی و درونی را مغلوب خود ساخته
او همه کرم ها را که میکند با کردنی انکار دو آتمای خالص شده
در خانهٔ نُه در جسد عنصری با آرام تمام نشسته است و از
گرفتاری التذاذ حواس بی نیاز و مستغنی است
و قوای حواس را هم سست و ساکت می سازد و
در هر حال وارسته و آزاده بوده بهیچ چیز دلبستگی ندارد
بدان و آگاه باش که پرم آتما یعنی ذات بی همتا هیچکس را
در خواهش کرم ها متحرک نیست و بقیودات آن را پا
نمیدارد و نتیجهٔ کرم هم نمیدهد و آدمی قابل را نتیجهٔ
اعمال و کردار خود مقید و متالم می سازد بحث

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

رنجی که میرسد بتو از کرده های تست   جرم فلک
کدام و گناه ستاره چیست   آن اتمای بزرگ
یعنی جان جانداران جهان ثواب و گناه هیچ یک
در شمار نمی آرد و رحیم و کریم مطلق است و از انجا که
اگیان یعنی نادانی و بیمعرفتی کیان را مخفی ساخته است
یا بجهت حق الله در غفلت اندوده و پیچیده شده در قید
توهمات و پندار بیدل و بیقرار شدند آن کیانی را
که یافت کیان حاصل شده و اگیان یعنی نادانی
دور کردیده ایشانرا چون سورج دیوتا یعنی
آفتاب عالمتاب نور و سرور جاوید ماحصل کردیده
یا اتما ملحق شده اند آن خاصان حق آگاه را که اتما و
عقل متوجه بذات بیچون و چگون است و صرف
برائو تیقین دیسکی و محبت دارند بدرجهٔ اعلی ملکت رسیده

از جمو

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از جمیع گناهان منزه و با صواب اند ای ارجن دیو

یقین خاص بدان که این قسم حق شناسان در

همین عالم ناسوت یعنی جاگرت آتمای سوپر کاش را

خوب یافته و دیده و دانسته اند و چون قطره بدریای

محیط پیوسته و ملکت یعنی رسنگاری جاوید گردیده و غیری را

نمی بینند و نمی دانند غیر اینکه پندت یعنی دانای هر شید

ایشان آتما را در هر شی محیط میدانند در ورن برهمن

و یدوان متواضع و در جسد کامدین یعنی ماده گاو و

در قالب فیل و در روح سگ و در جسم سگ بان یک آتما

را می بینند و از دوبینی وارسته جاوید اند این چنین یوگی

همدان موحد از یافت مراد و مطلوب و مرغوب خوشوقت

نیست و از نا یافت آن ملول و مکدر نه بعقل کل را مصدر است

و حق بین دهان را مغز برهم را داننده است و در برهم پایند و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پرم برهم را دریافته و مستغنی و بی نیاز گردیده است
آن گیانی معرفت کیش حق اندیش بر حواس بیرونی
دل بسته نیست و از دریافت آتما آرام کلی حاصل نموده
با پرم برهم متواصل و ملحق گردیده آرام و سرور بی زوال
یافته است ای ارجن دیو بدان ندائی که از حواس پیدا شده
باعث اندوه و ملال اند و ازین سو می آیند و به پایان هیچ
نمیروند و ثبات و قرار ندارند و دانای اکمل از نشوه انها
عاریست و اصلا آمیخته نیست بی قید است و آزاد
آن مردیکه ازین دنیای ناپایدار پیش از چشیدن
شربت مرگ از علیات کام کرود یعنی شهوت و
غضب تارک و سرد شده است او بالجزم با آرام و آسایی
نموده است آن کسیکه با رام آتما خوشحال است و نور
سرور درونی بهره یاب همان سالک خود برهم مطلق شده

در آدهایست

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در الوہیت پرم آتما واصل است آن کبیرا یکه از قید بند
وارسته اند و درجهٔ خاص مکت یعنی سرور حضور پر نور
دریافته اند و معصیت و رنج از آنها بر کنار است ؛
و کمان و شک از ضمیر منیر ایشان دور شده است
و بضبط حواس درونی و بیرونی اختصاص دارند و
بر خیر و خوبی جملهٔ ممکنات دل بسته اند هر شی تا آتمای
خالص می انگارند کام و کرود یعنی شهوت و غضب را
ترک داده سنیاس شده مانده اند یعنی آتمای
برحق را دریافته و خوشوقت و خوشحال جاوید شدند
و من و بدر یعنی عقل و حواس را در ضبط آورده اند و
چون مکت گردیدند اگر در جسد باشند باز آزاد اند و
اگر در جسد نباشند باز رستگار و موید اند با حاصل که
در هر حال مکت و مطلق العنان هستند خواهش و حرص را

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

اندرون و بیرون کرده مدنظر و نگاه در مکان منور
و دابر و داشته پران و اپان یعنی در آمد و بر آمد آنقدر را
برابر کرده و یک اتمای خاص را در کل شئی محیط میدانند
کسیکه حواس را مغلوب و دل و عقل را مسخر ساخته
و بر عین رستگاری چسپان گردیده از حواس و بیم و
غضب دور شده او مکت در رستگار جاوید و دانسته
یا نبده آتماست ملخص سخن آنکه ای ارجن دیو کسیکه
مرا پرم آتما و سو پرکاش و احد دانسته لذت گیرنده
یکن و هوم و تپسا داند و صاحب و محیط هر ذی حیات
نبدارد و شامل در دل مخلوق انگارد او بلاشرط
مکت یعنی رستگاری جاوید می یابد تمام شد ادهیای
پنجم که دور کننده اگیان و محو سازنده دوی است
ادهیام ۶ سریکشن مهاراج بجانب ارجن دیو میفرمایند
کہ بیتی آدم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۹۲۶)

که نیتی کرم یعنی ریاضت روزمره کردن لازم و بهتر است
لنیز طلبیکه نتیجه آن درخواست نباید کرد و محض برای ::
سری بهگوان بجا باید آورد همان شخص هم یوگی و هم
سنیاسی است کسیکه ترک اگن و ترک کرمی باشد اولی بهتر است
آن چیزیکه را سنیاس نامند یا یقین همان یوگ است کسی را که
تکلف دور نشده باشد او جوگی نیست مختصر که از انواع
خواهش دور باید بود سنیاس و یوگ تفاوت ندارد برابر است
کسیکه را که در دل خواهش ترقی درجه یوگ باشد
او را کرم کردن هم بهتر است تحقیق دان انکسی بدرجه
یوگ پیوسته است او را از هر حواس عاری بودن ::
خوشتر چراکه نیخواهشی باعث آرام کلی است وقتی که
بر حواس و بر کرم ها دلبسته نباشد همگی خواهشهای
دلی را ترک داده همان وقت مرد را بدرجه اعلی جوگ

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

رسیده باید دانست سالک یعنی یوگی را باید که
اول دل خود را از آرزوها خود بخود بردارد
بنا بر ان لازم است که آتمای خود را در خار
مطالب نباید انداخت چیوآتما یعنی دل وجان
خود بخود دوست و دشمن خود است اگر بیخواهش باشد
آرام یافت در صورت خواهش بی آرام است
آتما دوست خود انکسی است خود بخود دل خود را
از خطریات باز داشت کسیکه آتمای خود را مسخر
نکرده است او همان چیوآتمای خود را آزار دهنده است
و در رنج و محن دارنده کسیکه من خود را یعنی ضمیر خود را
مسخر نکرده باشد و فقط پر آتما ملحق و بآرام خواهد بود
در سردی و گرمی و آرام و بی آرامی و عزت و بیعزتی
بیک حال بگذراند همان شخص صاحبدل و بزرگ است

کرده

که در بیخود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که در هیچ وقت تغیر احوال ندارد و متوجه با تمامت
کسیکه را که از کیان و کیان یعنی معرفتی که از علم و
عمل هم رسیده باشد کامل و پر خواهد بود و حواس را
مغلوب خود کرده جمعیت دل بآن رنگ حاصل نموده باشد
که خاک و سنگ و طلا یک آن داند او هنجم است ؛
با خویشان و دوستان و نیز با دشمنان یکسان است
از خصومت دوست و دشمن بر کنار و با صلح هر یک
در میان و محیط هر شی باشد زینک کردران عاصیان وبآن
و با هر کس دانسته باشد که یک آتمامست همان پاکیزه و
پاکیزه تر است خود را همیشه در شغل یوگ بدارد و
در گوشه خلوت بنشیند و دویمی را جلیس نسازد و
آتما را در ضبط خود آورده باشد و بیخوف و رجا و
بی ذخیره خواهد بود در مکان پاک و پاکیزه و جای نوتر

یا عاصیان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

(۹۷)

بنشیند و آسن یعنی مکان نشستن بحد اعتدال نه چندان بلند و
نه چندان پست فرش ریشمی و بالایش پوست آهو و بالا در
آن کاه و بهر بستر ده نشسته باشد و بر آنچنین آسن
بخاطر تمام بیاد و بحکن پرم برهم یعنی قادر کریم باشد
بر آنچنین آسن دل و خاطر خود را جمع کرده و کردار
حواس درونی و بیرونی بکلی در ضبط نموده یوگ را
سعادت دارین اینها ساخته برای صاف کردن
اتهه کرن یعنی من و بد و بیندری اشتغال مواظبت ورزد
سرتا پای شریر یعنی جسم و گردن سر را و بقاعده جلبه
یعنی آسن برابر نموده و بی وسواس و تفرقه شده و
نظر بر نوک بینی گذاشته اطراف و شش جهت اصلا
نگران نباشد و بیک خبر خاص دلبسته نشیند و
قیام و اقدام تمام ورزد تا آنکه تمامی او شانت و برار
نشده باشد

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

نشده باشد بخوف و وسواس برورت یعنی روزه
داری برهمه چرخ مستحکم وحواس و دل خود را
خوب گرفته دل و ضمیر بطرف من داشته و بخاطر
جمع تمام مایل و راغب من باشد اهماس یعنی
عادت کننده باشد بهمین دستور و همیشه اتمارا حاضر و
ناظر دانسته و دل خود را از خطرات یکسو داشته
شانت یعنی پاک و بر تلاس رستکاری یعنی مکت و
واصل شدن بحر توحید نماید البته از قیود خلاص
می شود کسیکه بسیار خورنده باشد او هم یوگ حاصل نیست
و هر که خوری نمی خورد او هم درجهٔ قابلیت یوگ
ندارد و آنکس خواب بسیار میکند او هم یوگی نیست و
شخصی که بیدار دایمی باشد او هم بهرهٔ یوگ نداشته باشد
ماحصل که میانه رو باشد غرضکه میانه روی بقول خیر الامور

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

اوسط لازم و بهتر است آثار کیانی یعنی صاحب معرفت
آنست که در خوردن و رفتن و در کار کردن هم
میانه رو باشد و خواب و بیداری هم بحد اوسط
داشته باشد همان کس را یوگ دافع رنج و زحمت است
و باعث سوکهه یعنی آرام و فراغت وقتی که حواس و
دل و خاطر و ضمیر را فراهم آورده و با آتما پیوندد و
از جمیع مطالب و مقاصد آزاد باشد همان وقت
آن آتما شناس را کامل و آگاه دل و با آرام میخوانند
قسمیکه چراغ بی باد حرکت نمی کند و همان شکل
یوگی که دل و ضمیر خود را جمع ابهیاس یعنی عادت
کرده باشد و بر دریافت آتما بلاشک مانند چراغ
روشن است در جای پاکیزه بی باد مجمع آرام
در حصول مکت و چون که دل مشغلی باشد مکت را ریاضت ضمیر و

جلد ۲
CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حواس

حواس را جمع نموده در هر جایکه بدل صاف
آتمای خود را نپنده است باشد وفقط بر آتما ؛؛
راضی وخوشوقت شود یوگی کامل سزاوار آرام
آرام سچد ونهایتی که بعقل وحواس در نیاید وازان
بالاتر است ودران چین حصل نماید او مطلقا ؛؛
از آتما سروپ تجاوز نخواهد نمود کسیکه جمیعت و
آرام حاصل نموده وازان بالاتر جوشود باید باشد
برهمان حال خوش ودلجمعی مستقیم بوده اگر احیانا
رنج عظیم باو رو دهد او را پروای آن نیست که
خاطر جمع واطمینان کلی دارد یوگ آنرا میگویند
که دران محل از رنج وتفکرات اثری نباشد
همان قسم یوگ را به تحقیق عادت باید کرد ؛؛
ازان فعل دل را مکدر نباید داشت وبفراغ بال

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۰۱)

باید بود از خواهشهای الوان آرزوهایکه بسیار
پیدا می شود همگی آنرا دور انداخته بدل و هوش
و حواس را بقید آورده مستحکم و پا برجا بوده باشد
آهسته آهسته بعقل و دریافت آنرا از باز باید آمد
از پراکندگیها ضمیر را بر آنجا بسته خبری خطره و
توهم بخاطر خیال راه نباید داد که باعث
بی قیدی مطلق رستگاری جاوید این است
از انجاکه من یعنی ضمیر یکجا آرام و قرار ندارد بهر طرف
بگردد از ان طرف باز گردانیده طرف آنجا باید کشید و
چسپانید همین قسم جوکی دلدار تو آرام بی نهایت
قرین حال می شود و صفت رجوکن ازو مقصود
گردیده و چون ملکت شده بی خوف و عصیان
بجمعیت بگذراند و بعیش و سرور دایمی مسرور و
منور گردد

مقصود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

منور گردد و شاد کام شود اینها سن یعنی عادت کننده باشد
و بهمین عنوان با تمامی بزرگ و کناهانش دور شده باشد
با رام کلی برهم را دانسته بسیار عیش و فراغت حاصل
می سازد و در همه مخلوق ظهور آتمای خود را به بیند
همه جانداران را در جان خود انگارد و بسبب حصول
یوک یعنی معرفت بفراغت باشد و بهر طرف ظهور
نور پرم برهم معاینه نماید کسیکه آتمای خود را در هر شی بیند
و همه چیز را در من بداند او را من از دل محو نمی شوم
و او هم از ضمیر من دور نگردد کسیکه در جمیع جانداران
بلا تفاوت مرا معاینه کند اگرچه او بهر طرف بگردد
در باطن روی دل او بسوی منست مثل خود در هر شی
کسیکه در جمیع جانداران آرام و غم را شریک باشد و
بداند که رنج مخلوق رنج منست و راحت ایشان ؛؛

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در حقیقت باعث راحت و منت همان شخص را پرمهر گوی
کونید بازار جن دیو طرف سر یکرشن مهاراج ؛؛
عرض میکند که ای سری بهگوان شرح خاصیت گوئی
که بمن ارشاد فرمودند این را بسبب وسواس خاطر
استحکام نمی بینم و دل من مستحکم نمی شود چه چاره نمایم ؛؛
ای سری کرشن مهاراج دل یکجا قرار ندارد و بسیار
زور آور است گرفتن آن دل و ضمیر را مثل بدست آوردن
قید نمودن هوا است باد اشت هرگز دل در ضبط من
نمی آید و بهر طرف هر ساعت میگردد چاره آن بفرمایند
سری کرشن مهاراج بطرف ارجن دیو میفرمایند
که شک گرفتن دل دشوار است بعبادت دایمی
یعنی ابهاس و ویراگ یعنی ترک تعلقات و لذات نرا آنرا
یوگیشران می گیرند یعنی دل را جمع نکنند یوگ با و

حاصل نیند

صید دام

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حاصل نیست عقل من برهمین قرار میگیرد کسیکه ضمیر خود را
در ضبط آورده او یوگ را حاصل نموده است
ارجن دیو عرض میکند که ای مهاراج کسیکه
کاهل طبع و بر یوگ یقین کلی داشته باشد و از یوگ
دلش برگشته او نجولی یوگ را حاصل نکرده و
دار بیمدار را پدرود نماید یکجا می پیوندد و در کدام محل
میرسد چراکه او یوگه برشٹ یعنی از معرفت ناتمام
مانده و بعث حیات نمود جای او کجاست
آیا انقسم شخص که از کرم و از گیان ناتمام ماند و
مثل ابر و طرف برهم آمده را در میان سرگردان
مانده و از یافت پرم برهم عقل و ناوان و امانده
بغرمایید که در کجا جا میگیرد و حالش چگونه می شود
ای سیر کرشن مهاراج این شک و ظن ما را دور

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سازنده تویی از کرده ذات معلی صفات تو در
حل این مشکل دیگری معین نیست فضل وکرم فرموده
بمن تبو صحیح بیان نمایند سری کشن مهاراج
میفرمایند که ای ارجن دیوا ورا درین دار دنیا و
عقبی معدوم شدن نیست یقین است که کسیکه کار
صواب کننده باشد بجای نیک میرسد نه بجای بد
او مکان صوابکاران میابد سالهای بسیار
درانجا گذرانیده در جاهای پاک وپاکیزه ودولتمندان
جنم می یابد والا در زمرهٔ پاک تر دان جنم خواهد یافت
که این قسم جنم حاصل بسیار خوب است که بتاثیر
صحبت پندتان ومرتاضان ملک ورزنده جاوید
می شود که درانجا ثمرهٔ ریاضت جنم سابقه یافته
باز تلاش نموده مرتبهٔ جوک ملک حاصل می سازد

اور انجه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

اور انتیجۀ آن ریاضت جنم سابقه بطرف نیکی می کشد
او اگر خواستگاری دریافت یوگ میکند از مرسومات
ثمره کرم فارغ شده بدرجۀ اعلی مکت میرسد
و زندۀ جاوید چون از تلاش نیک ولی متلاشی است
آن یوگی تحصیل آن او را بالکلیه زایل شده است
و در جنم های بسیار گیانی بوقعی شده بمکت
می پیوندد و دیگر بازگشت جنم ندارد بدان که از
کردۀ عابدان مرتاض یوگی بالاتر است و از گیانیان
هم بهتر از درجۀ کرم کنندگان فوقیت دارد برای
همین تبو میگویم که یوگی شو که یوگی شدن درجۀ خاص
الخاص است ای ارجن دیو از کردۀ تمام مرتاضان
یوگیان کسیکه بدل و جان بجانب من آمده
بیقین تمام بحق من نماید همان را صاحب جمعیت دانسته ام

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

میدانم تمام شد ادهیای ششم

سری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو میفرمایند

کسیکه دلبسته بسوی من می باشد و با یوگ یعنی

مواصلت حق جلادت کننده و استقامت در

دریافت من کرده باشد او بالیقین صاحب قدرت و

توانایی من قسمیکه دانسته و میداند آن را بشنو که

شرح آن بتو میگویم همان و گیان یعنی معرفت و

دریافت واقعی بر تو واضح میکنم بشنو آن قسم

گیان یعنی معرفتی که زایل کننده شک خواهد بود

بر تو منکشف می شود اصلا ترا احتیاجی بدانستن معرفت

حقیقی و شناسایی نخواهد ماند ای ارجن دیو

در میان هزاران مردم یکی تلاش معرفت و

حق شناسی میکند و از ان میان یکی مراد در یابد و

ادراک یافت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از دریافت واقعی بهره مند جاوید میگردد زمین و آب و
آتش و باد و آکاش و دل و عقل و اهنکار یعنی مولد برانیز
هشت قسم است این را پرپرکرت میگویند پراپرکرت
که سروپ چیتو متمثل شده است و جمیع مخلوق را در همان پرکرت
پیدایش میکنم از همین پولی یعنی پیدایش همه مخلوق پوسیات
پراپرکرت انگارند که من واسطهٔ پیدایش و فنای عالم نموده
نموده ام ای ارجن دیو ما فوق و ما ورای من کسی نیست
قسمیکه مروارید در یک رشته منسلک میباشد همان قسم
جمیع مخلوقات در من دانسته اندخته است ای فرزند
سعادت مند کونتی ماتا در میان آب بشکل مزه و در آفتاب
برنگ تابش و نور و در دیده ها بطریق پرتو و آب ان شده
یعنی صدا در آکاش بعنوان دیری و پردلی در میان آدمیان
متمثل هستم و در میان خاک بصورت مشک و در اگن یعنی آتش

در گوشت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۰۹)

برنگ شعاع و فروغ و در میان جانداران بطریق جان
و در بدن مرتاضان یعنی تپشیران بصورت پران مضمرم
ای ارجن دیو تخم قدیمی جمیع جانداران مرا بدان
عقل عاقلان من و نور مردم نورانی منم و قدرت و
توانایی زبردستان منم آرزوی خبرهای ناممکن ندارم
بر خیر ممکن دلبستگی نه و در درون جانداران بصورت کام
یعنی لذت شهوانی که از دایره دهرم یا کیرکی بیرون
نباشد تخم کامرانم آنهائیکه باشند و دم یعنی ستوگن یعنی
با ریاضت و عبادت اند نیکمرد و تیرگن یعنی آنکه
با آنند یعنی آرام دل و انانیت واقعی هستند و اشخاصی
که تموگنی یعنی با دو گهه جاهلی ایشان را از پیدایش من
بدانند که برکت من مصدر پیدایش آنهاست و
من خود نجود و آنها از من موجود اند مخلوقات از تر گن
شده که ردکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

یعنی ستوگن و رجوگن و تموگن آفریده شده است

از تأثیر آن ترگن در پردهٔ غفلت پوشیده محتجب و

بسبب قیود همان سه صفت صاحبی مرا نمی بینند و مرا هم

آتمای خاص نمی انگارند از من که پرم آتما و دیوتای بزرگم

این مایای ترگن یعنی سه صفت که ایجاد و ابقاد و افنا باشد

پیدایش ظهور بردازد و خلاصی ازین بسیار دشوار است

و آن کسانیکه پناه بمن می آرند ایشان از دریای ژرف

مایا یعنی غفلت میگذرند و ب حل مطلب و مراد میرسند

و جمعی که درمیان آدمیان بی عقل و تمیز اند و غفلت بر آنها

مستولی است و از معرفت دور رو در آرامهای ظاهری

مشتغل و از آرام سرور باطنی محروم اند مردم نیز یعنی عابد

مرتاض چهار نوع اند بجن یعنی ذکر من میکنند یکی محتاج و دوم

جوکی که شناختن خود مطلوب است سوم خواهان دولت اند

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۱۱)

چهارم صاحب معرفت با جمعیت و آرام میباشد و
سو پرم براهم دلبسته است و او دوست حقیقی من و
من یار و یاور جانی اویم همین گیانی درجهٔ خاص
الخاص دارد که مسرور دایمی و همیشه بر یک حال است
این چهار کس که شمرده شده هرچند همه بزرگ اند اما
گیانی خود من است فی الحقیقت چراکه او با آتما ما
ملحق و پیوسته است بعد تبدیل و دار ستگی جنم های بسیار
گیانی یعنی اهل معرفت مرا درمی یابد با آئینی که پرم براهم
در همه محیط است و همه در وست این چنین دانشور
نادر و نایاب است ماورای این چنین کس آنهائیکه
دلبستهٔ دیوتاهای دیگر هستند و با من بدل و جان
پیوستگی ندارند آنها را من با آن دیوتاها ملاحق و
مشغول میدارم و اعتقاد آن مضمرم و می سازم و

بر دیوتاها یکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

بر دیوتاهاییکه میل خاطر و پوجا و پرستش میدارند و
از و مقصود خود حاصل می سازند روا کننده مطالب آنها
فی الحقیقت منم و دیگری نیست ثمرهٔ جزوی حاصل ایشان
می شود که سیوا کاران دیوتا هستند و طالبان من
که مرا می یابند منم کلیات اند و رستگار مطلق ناقص عقلان
میگویند که این شخص بزرگ اوتار ها کرده است و از نابود
بدرجهٔ بود رسیده و مرا بیعدم و لاشریک و بی انتها
شمارند من برهم کس روشن و مبرهن هستم چراکه
بسبب حجاب مایا یعنی غفلت در معاینهٔ آنها در نیایم
این چنین غفلت شعار مرا قایم و دایم و بیعدم نمی دانند
کسانیکه از جهان گذشته و آنهاییکه موجود و آنهائیکه
متولد می شوند یعنی مخلوق و ماضی و حال و مستقبل را
می شناسم و آنها مرا نمی شناسند بنابر غفلت و خواهشهای

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بو قلمون جمیع جانداران غافل و مدهوش و نچر اند و
از من که پرم آتمای برکم معرفت حاصل ندارند و
کسانیکه از معصیت و گناه معرا و بعبادت و تپ مصدر
نیکوکاری و ثواب هستند و از مایا یعنی غفلت وارسته
و با عتقاد درست استحکام دل در ذکر و فکر من مشغول اند
و بجهت استخلاص از رنجهای پیری و مرگ صاحب جوگ شده
مرا می جویند و مراتب کیان و وکیان همگی را بواقعی میدانند
و نچر را موجود نمی انگارند و خالص بر یک آتما دل بسته
سه کونه سروپ مرا که عبارت از آدی هوت و
آدی دیو و آدی یگن باشد همه را می شناسند
و نیز در وقت نزع بیاد من و دیعت حیات میکنند و
کمال معرفت و رستگاری حاصل دارند تمام شد
ادهیای هفتم کیان و کیان یوگ نام ادم ؛؛

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۲۶)

ارجن دیو بجانب سری کرشن مهاراج عرض میکنند پرشن
که ای مهاراج بفرمایید که برهم را میگویند آدهیاتم چیست
کرم چه باشد و آدهیوت چه هست آدهیدیو چه معنی دارد
آدهییگ چه درمیان دیهه یعنی جسد کدام است و در
چه محل و مکان میباشد و در هنگام انتقال روح چگونه
دانستنی است و صاحب ضمیران که شناخت آتما اند
چه قسم درمی یابند این هفت پرشن که عبارت
از سوال باشد اوتر یعنی جواب فرمایند سری کرشن مهاراج
ارشاد میکنند برهم آن ذاتی را میگویند که اکهر
یعنی بیعدم باشد پرمه سوبهاو یعنی سروپ ذاتی او
آدهیاتم است و پیدایش کردن جانداران عبارت
از کرم است و کال یعنی عدم جانداران را آدهیبهوت
می نامند و آدهیدیوت یعنی پورش که محیط جمیع

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

جانداران است وآدیگنو یعنی من در دیہہ کہ حیدرباش
ساکنم و دینبکام و وداع شریر کہ جسم است کسی دریجز
وسمرن یعنی ذکر و یاد من باشد او در سروپ من ؛؛
واصل می شود در وقت گذاشتن قالب خیریکہ بخاطر
داشتہ باشد برہمان حالت جنم یابد وہمان صورت
متولد و موجود شود برای ہمین بتو میگویم کہ ہر زمان و
ہمہ وقت دریاد وسمرن من باش و بید یعنی جنگ ہم بکن
چون دل و خاطر و عقل تو بسوی من و برمن خواہد بود
یقین است کہ سروپ من حاصل تو خواہد شد ؛؛
وقتی کہ ضمیر تو در آرام و بجا و خالص بسوی مایل باشد
بطرفی متوجہ نخواہد بود برہمہ پورش سوارکی را البتہ
خواہد یافت وصفت آن پورش انیست کہ ہمہ خبر را
واقف و قدیم و دیرینہ است و مرشد و حاکم جمیع مملکت
مملکت سدا زنابد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از باریک باریکتر است اینچنین آتمای بزرگ را کسیکه
شناخت آتما شد روپ آن پرم برهسم در وهم نمیگنجد
که گرهه فل یعنی فرود نهندهٔ کار را دست برنگ سروج
دیوتا پرتو پرکس دناکس انداخته است و فروغ تجلی
ذاتی او محیط کونین است تمو کن ندارد و در وقت
گذاشتن جید اتکسیکه از دل نحطره و وسوسه لشوق و
ارادت خاطر منهو جیه و مایل آتما بغوت یوک در میان
دو ابرو پران یعنی نفس نفیس خود را نجولی گذاشته باشد
همان سالک پریورش را درمی یابد آن اخهر که دانایان
در ویدها ستایش میکنند بیشتران یعنی صاحب تلاشان
مرتاض بارادت صادق او درمی یابند آن ذات
مستغنی صفات را اینچنین کسان بزرگ که بتمنا
میجوئیند راه یافت او بطریق اختصار بر تو اظهار میکنیم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

بگوش هوش بشنو و بفهم و بعمل آر همه دریچه شریر یعنی جسد را
بند کرده و من یعنی ضمیر را و دل را در بهرت آگاش
پران را در میان کاسهٔ سر نهاده و یوگه دارنا را اهیار
یعنی عادت دایمی نموده باشد او م انیکونه اکهر را
بزبان گیرنده و مراد در یاد آورنده و جسد عنصری را
کسیکه گذارنده باشد او بتعین بدرجهٔ خاص الخاص مکت
خواهد پیوست از قید جنم ها و ابدان خواهد رست؛
بغیر من که پرم آتما ام بر کس دیگری نظر ننداخته باشد
همیشه مرا بخاطر دارد او را من یافتنی هستم البته مرا دریافته
و غمکدهٔ خانهٔ بی بقای دنیا را بار دیگر نخواهد دید و
رستگار رجاوید خواهد کرد و بد نشیران ریاضت کش که
بهر از سعی و تلاش به پرمه یوگ میرسند از انجا هم بعد
چندی سعادت در غمکدهٔ دار بی بقا دارند و کسیکه مرا دریابد

ادراباز

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۱۸)

او را باز بقید قالب مراجعت نیست و خلاص مطلق است
یکهزار یوگ یکروز سری برهما و یکهزار یوگ یک شب اوست
آنهانیکه ازین شب و روز را آگاه اند دانشوراند چون
روز برهما جی می شود همه ممکنات موجود میکردند و در شب
معدوم در همین لیل و نهار مخلوق پیدا می شود و
باز معدوم میگردد اما ذات بیچون در هیچ حال زوال
پذیر نیست جانداران مخلوق بعدم می بوندند و
آتما یعنی خالق قایم و بیک حال است او خفیت یعنی
آتما هیچ بنظر نمی آید و عدم ندارد اجهر او را نامیده اند
همان اتیشر یعنی صاحب را پرمه گت یعنی قادر قدیر
برهمه میگویند کسیکه این پرمه پد را دریافت او باز
در قید جسد نمی آید که پرمهتهان یعنی درجهٔ کلان هرا
دریافته است پورش که محیط همه اوست از شوق کامل و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ارادت صادق یافته می شود همه جانداران درو
می باشند و همه خلقت را بقدرت کامله احاطه کرده است
یوگیان یعنی سالکان کامل بوقت تیر که آمده و رفت
دارند و مرتاضان عابد آنوقت می بوند همان
وقت سعید را واضح پرتو بیان میکنیم یکوش شوش شنبو
اکنی یعنی اکن دیوتا که آتش باشد و جوتی که عبارت
از پرکاش یعنی فروغ و شوکله یعنی زونه پچهه که دو هفته ماه
باشد این شش ماه را اوتراین می نامند درین موسم
آن کسانیکه ودیعت حیات میکنند ایشان بالتحقیق
پرم براهم می یابند و دهوم یعنی دود و راتری یعنی شب و
کنهه پچهه یعنی دو هفته کی ماه این شش ماه را دکناین
می گویند درآنوقت پرکاش چند رمه دریافته باز
در جسم می آیند سو گله کت و کرشنه کت یعنی اوتراین و
دکهناین

کهناین

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

دکهنا این را گفتم دو راه محکم عالم مقرر است کسیکه از راه

خاص شو گله کت از دنیا رفت بقید جنم نمی آید اگر احیاناً

از راه کرشنه کت دار دنیا را گذاشت گرفتار جنم یعنی پیدا

می شود ای ارجن دیو کیکه خاصیت این دو راه بواقفی

میدانند او اصلا پابند غفلت نمی شود بهمان خاطر ترا بار بار

میگویم که یوگ ابهیاسی شو که تا ازین دو طریق آگاه باشی

و نجوانی و بدانی در خواندن ویدها و نمودن یگیها و

کردن تپها و دادن دهرم و دان ثمره نتیجه که کهیتران

در شاستر ها و کتابها بیان کرده رشید آن را یکطرف داشته

دیو کی بدانستن این یوگ فی الحال بدرجه پرمه تهان

یعنی مکان خاص خواهد پیوست و ملکت یعنی رستگار

جاوید خواهد شد تمام شد ادهیای هشتم در جز

یوگ ادم سری کرشن مهاراج بجانب

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ارجن وی یو می فرمایند که گیان و گیان که معرفت و تجرٖبه
آن باشند بشما تلقین میکنم آن اسرار و رموز بهانیست
چون آینهٔ دل مصقّل تو از زنگ غفلت مصفا است
و برای حصول رستگاری این اسرار ترا واضح و بیان
میکنم چون در شهوار در صدف گوش خود نگهدار
این هر دو گیان را که راجهٔ ویدهاست و ملخص اسرارهای
پاک و دیده و دانسته برای مقدمهٔ دهرم بسیار
مفید و تمام حاصل کردنی و بیزوال است و آن ؛؛
کسانیکه از یقین این تقسیم دهرم بزرگ بی بهره اند و مرا
نشناخته و نیافته در دنیای فانی بغفلت بگذرانند
پابند زحمت آمدن و رفتن جنم یعنی زیستن و مردن می باشند
بین که برم آتما ام از بیچونی خود در جمیع جانداران محیط
شده هستم و دل مخلوق مکان خاص بود و باش من است

اهنا ارج

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

آنها از من پیدا و پیدا ورا نند و من از آنها ظاهر نه ا
از رنج و راحت و صواب و خطای آنها منزه و مبرا ام
ما یا یعنی صاحبی و قدرت مرا ببین و خوب تماشا
ملاحظه کن که در تمامی جانداران جان منم و اما از امیزش
آنها پاکم وقتی که واده لوکه پا یعنی باد در تمامی آکاش قسمته
محیط است همان قسم من در جمیع جانداران محیط و
شاملم ای ارجن دیو همه جانداران در موله پرکرت من
محو می شوند و در روز پرلوی یعنی قیامت و در ابتدای
آفرینش آنها را از نابود در بود آورده موجود می سازم
موله پرکرت ساخته از ان جهه ذی حیات را پیدا امی کنم
بی اختیار بسبب واسطه پرکرت عالم و آدم موجود
می شوند ای ارجن دیوان کرم ها عبارت از پیدایش و
عدم باشد در نبدان نیم و مطلق اند و از نتیجه صواب و گناه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مرا مانند او و اسپان یعنی تارکان گوشه نشین و از
همه کار بر کناره و با همه درمیان و بر کرم ها دلبستگی
اصلا و مطلقا ندارم نجر یک اصلی من مولهٔ پرکرت
پیدایش مخلوق که رونده و نارونده هستند موجود
می سازد نادانان مرا مخلوق تصور کرده میدانستند
که سوکهه و دوکهه همین آتما است و برم پدر ا میدانند
که من از همه بی نیاز و صاحب جمیع مخلوقات ام ؛؛
امیدواریها و کرم و گیان آنها بی ثمره است و
نادان محض هستند و پرکرت آنها پر از غفلت است
بدینگونه روش و کردار نادانشور بدان آن عابدان
دانا و هشیار که با آتما ملحق و پیوسته است و دیوتا
خصلت اند و شب و روز در بهجن من اشتغال دارند و
بر خیر و یکدل و ضمیر آنها بسته نیست و مرا بانی آفرینش و
عدم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

عدم میدانند این چنین دانشمندان نیکو سیر همه وقت
در ستایش من مشغول می باشند و با حسن تلاش پیشند
و بارادت محکم و بشوق دل نمکاری یعنی تواضع و تسلیم مرا
بر همه چیز تقدیم دارند و مدام در ریاضت من قیام و
اقدام دارند بعضی کسان بوسیلهٔ یکن کردن اوپاسنا
یعنی ستایش و نیایش من می کنند و از یکتا دلی و با دانشوری
یقین کلی دارند که پوجا کننده و صاحب پوجا یعنی
عابد معبود منم و چندی ساجد و مسجود تصمیم دلی دارند
از انجاکه من سروه سرویم باین روشهای گوناگون
تصورات و تخیلات نموده عبادات و ریاضات
خلاصهٔ مطالب میدانند یکن کننده منم و خود یکن نیز منم
امرت یعنی آبحیات منم و ادویه هم منم منتر هم منم و ...
اکن دیوتا و آهوت روغن منم یعنی ناظر و منظور نظر منم

نسخه آدویه

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پیوسته خود بخود ام آفرنیدهٔ عالم و آدم منم مادر و پدر و
ثمره دهندهٔ کرم های مخلوق منم و دانش و دانستنی و
پاک و نرمل و دو مکار در رگهه وید و یجر وید و سام وید
توانایی پر کرت منم نگهدارندهٔ مخلوق ایشر و سوامی
ساکهی و شاهد و مشهود و مکین و مکان و حاجت
رواکنندهٔ محتاجان منم و خازن و خزینه و تخم و تخم
بعدم منم بصورت سورج دیوتا متشکل شده پرتو
بر عالم می اندازم بارش باران ریزنده و گیرندهٔ منم
مردن و رستن منم ست یعنی راست و است یعنی خلاف
آن یعنی بود و نابود عالم منم دانشوران رگ وید و
یجر وید و سام وید منم اتهروَن وید منم که نوشندهٔ
آبحیات هستند و از عصیان مبرا اند و از ثمرهٔ ثواب
یکن ها که استحصال صعود عالم بهشت نموده اند و از انجا
بیابند

+ آن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri.

پابند لذات دیوتاهای باشند و چندی تمتع لذات
نعمای بهشت برداشته بعد منقضی شدن بهرهٔ ثواب
بار دیگر در عالم امکان تنزل مینمایند همین قسم در وهم
سه وید شدن بعضی التسلیم شده در آمد و رفت هر سه دهم
پیدایش و عدم آن جاندارانیکه سوای من بر چیز دیگر نظر
ندارند آن همیشه فارغبالان را خبر نادر نایافتنی
و نگهداشتن آن میدهم و بعضی که ستایش کننده
دیوتاهای دیگر هستند و بیقین کامل یگین میکنند ؛؛
در حقیقت ایشان هم پوجای من میکنند اما ؛؛
موافق آتمه گیان شاستر بعمل نمی آرند که گرفته گیان
و آتمه گیان در درجه تفاوت دارد همه یگین ها را از
قبول کننده ام و ایشر یعنی صاحب هر همه ام چون
مردم کم دانش مرا بیقین پرم آتمه نمی شناسند و

نظر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۳۷)

بو قیحی بزرگی و اتھای مرادر نمی یابند بنا بر آن

بازار سورکه لوک در مرتی لوک آمد و رفت میکنند

و در جنم ها سرگردان می شوند آنهائیکه پرستش دیوتاها

و پوجای ایشان میکنند و دیوتاها را درمی یابند

پوجا کنند گان ارواح یعنی پتران در پتره لوک

واصل می شوند و پوجا کنند گان اجهه و راکهس

آنهان را می یابند و عارفانیکه بکن خالص نحض

بنام بانجام میرسانند بیشک مرا یافته مکت یعنی

رستگار جاوید می شوند و آنهائی که از برگ و

گل و میوه پوجای من می کنند و از ارادت قلبی و

بشوق باطنی صاحب تلاش یافت درشن من اند و

هکت و پریم آنها قبول میکنیم و پیوسته با ایشان هستیم

ما حصل که ای ارجن دیو هر چه میکنی و منجوری و آنچه

بکیم بنمای

حصل

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

آنچه بکنی میمنایی و هر چه بخشایش و دهرم از تهه میدهی
و هر قدر که تپیا یعنی ریاضت میکنی آن همه را ایشار بن
کرده باش که همین واسطهٔ خلاصی و باعث ثمرهٔ کلی و
رستکاری جاوید است گرفتاری نتیجهٔ نیک و بد
بسبب اعمال لاحق می شود و از قید آن بازرهی و از تأثیر
یوکه ابهاس سنیاس اتمای تو آرام پذیر نیست و تیکه
از کا مها خلاص می شوی بیشک بمن خواهی پیوست
تحقیق بدان که من در همه جانداران برابر و واقعم
محبت و نفرت از کسی منظور ندارم آنهانیکه بشوق دل
ارادت منزل بجن من میکنند پیوسته با نهامیسرم
اگر کسی اسم کرده باشد و بجن من بصدق دل بکنند او را
او را از نیکان شمردن رواست که ثمرهٔ ذکر و فکر من
بخوبی صاحب حسن تلاش و نیکی معاد و معاش است

میشوم

بجرم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۲۹)

نیک بختی که درراه دهرم تیز رو باشد همیشه شانت

یعنی باتسکین واطمینان دل خواهد بود ای ارجن دیو

بدانکه آتماشناس هر وقت حی وقایم وهمیشه پرسوکهه

یعنی آرام است آنهائیکه درسمرن وشروون مرز

باشند بدل وجان متوجه پرم آتما خواهند بود

اگرچه ازذات مادون وازقسم عورات وازقوم ولشور

شودرهم باشند بی قیل وقال درپرمهگت واصل می شوند

درصورتیکه برهمن پاک نهاد ورازه رکهشی وباادب کامل

باطوار سید وسادهو بهگت خواهد بود آنها درپرمهگت

البته بلاشرط واصل اند ای ارجن دیو ظاهر وباطن

درون وبیرون خود را از من یعنی پرم آتما پرکن اذ

ارادت می باش وبکن هم برای من بکن نمسکار یعنی

تواضع وتسلیم بمن کرده باش تا بآرام تمام بسوی من بیای

وآتمانی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۴۲)

آتمای تو مدام بر من ثابت و مستحکم باشد که بالیقین ::
رستکار یعنی مکت خواهی بود تمام شد ادهیائی نهم
در تلقین گیان شری کرشن مهاراج بطرف
ارجن دیو میفرمایند که دراز بازوی با سعادت
گفتگوی خاص من باز شنو چون تو بسیار عزیز منی
برای استحصال خیرداری و سعادت نشانین تو
تلقین میکنم آنهائیکه دیوتا یعنی فرشته اند و کسانیکه
رکهیشران یعنی عابدان مرتاض اند از شناختن
قدرت ذاتی و صفاتی بیرون اند و من ابتدای
دیوتاها و رکهیشران عالمم و آفرینندهٔ همه جانداران منم
کسیکه مرا بی قید جنم ولی ابتدا و انتها بداند او
از جمیع گناهان در میان مخلوق معرا خواهد بود و
از غفلت مبرا و براحت و عشرت جاوید پیوسته

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

۱۴۱

عقل و کیان و خالی بودن از حجاب بند نیستی و
غفور است گفتن و ضبط حواس درونی و بیرونی و
و آرام و لی آرامی یکسان دار و شناخت ظهور وجود
و عدم و بی بیم و هراس بودن و نیاز زدن جاندار از
و با همه کس یکسان بودن و تسلیم و رضا و طاعت و
عبادت و بخشش و نیکنامی اختیار کردن و بر عیش و
تنعم بودن این خبر بار دلجیات از عطاهای علیحی منست
هفت رکهیشر و چهار منو بر جاپت از سروپ من و
از سنکلف یعنی خواهش دل من پیدا شده اند و از
واسطهٔ اینها که در ظاهر خلقت ظهور یافته است
باطن این همه آفریدهٔ منست این صاحبی و این قدرت
مرا هر که بتحقیق بداند و لی هراس در محل صحو خلوت
وحدت می نهد درین شک نداند من تخم همه بند آرام

بدیع ظهور

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۴۲)

از من ظهور همه اسباب است همین قسم با کمال اکمل بیدبان
دانشور مرا می دانند آن دانایان را باین اوصاف حمیده
موصوف اند تمامی ایشان ملحق بمن است بران
یعنی انفاس نفیسه آنها بسوی من رسیده است
و باهم بسروپ وید یعنی عبارت خاص بدلایل عقلی و
نقلی مباحثه نموده مرا بر دوام دایمی ستایش میکنند
درین اذکار و افکار خوشوقت شده بآرام کلی میرسند
و پرمه سوکهه آن راست کیشان سعادتمند را
که بجز من نخواهش و ذوق دلی شب و روز میکنند
و عقل کل و دانش کمال عطا می سازم که از تاثیر آن
مرا در می یابند و بنور معرفت مرا می شناسند آنها را
بیافت دیا دهرم و اصل و از تیرگی مایا یعنی غفلت
می رهانم و از چراغ پر فروغ یقین و معرفت و تیزی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ظلمت غفلت ایشان را دور می سازم و دانایی

جز و کامل میکردانم ارجن دیو بجانب سری کرشن

مهاراج عرض میکند رکهیشران که باین عنوان ستایش

نیایش ذات والا صفات تو شب و روز میکنند که

تو پرم برهم هستی و روشنی روشنی ها تویی پاک و پاکیزه

و کلان و عالمکان تویی و محیط هرشی تویی و

حی و قایم و بر محل خاص نور ذاتی متعیم و آفریننده

دیوه تاها و بی قید مطلق بی شبهه و شک تو هستی

ثنای بی انتهای ذات عالیدرجات تو بزبان

همه رکهشران دنار د نیشر جی و استهو رکهیشر و دیو لوپ رکهیشر استهو

و دیاسه منیشر جی هر وقت و هر زمان جاری ساخته است

و تیز بزبان مبارک می فرمایند که پرم براهم و پرم اتما منم

الحق که این چنین هستی این ارشادی که بزبان مبارک

با بی ارادیگر

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

با این ارادت کیش میکنند همه را تحقیق میدانم از دریافت
حقیقت ذات تو دیوتا ها و دراکهسان بعجز و قصور معترف اند
تو آن صاحب و با قدرت هستی که خود را بنور ذاتی خود
می توانی دید و دیگری درین درجهٔ اعلی و مرتبهٔ
معلی نمیرسد ای آفرینندهٔ جمیع جانداران ؛؛
وی صاحب همه کاینات ای دیوتای خاص
دیوتا ها چون اظهار قدرت و صاحبی ها خاصهٔ
ارشادیست و دیگری شمهٔ ازان در خبر بیان
نتواند آورد صاحبی خود را بجد کمال بمن ارشاد
فرمایند که همین کرمهای خاص تو انم شد و من ؛؛
میخواهم که مدام در سمرن یعنی یاد تو باشم و بغیر ماند
که چگونه تصور ذات مبارک در دل خود نگهدارم
سری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو بکمال انوشر ارشاد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

می فرمایند که من چیزی مختصر از کل بر تو واضح میگردانم
چراکه صاحبی مارا نهایتی نیست و شماری نه
از احاطهٔ شمار و احاطهٔ بیان بیرون است
ای مهاراج قدرتهای خود مفصل بر من واضح کنید
که تشنه کام این آب حیات هستم و مرا از زلال
حسن بیان آن رطب اللسان و عذب البیان
فرمایند و نهال مرادم تازه و سیراب سازند
ای ارجن دیو تو که حواس خود مغلوب ساختهٔ
و خواب را به بیداری مبدل کردهٔ و لایق فهمیدن
قدرت من شدهٔ بر تو جزوی از کل قدرتهای خود
اظهر می سازم بگوش هوش بشنو و در تعقل و تصور بیار
که پرم آتمای بزرگم و در دل جمیع ذی حیات
جا گرفته ام من ابتدا و میانه و انتهای جاندارانم و
جز عرج

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

چیزی غیر من ممکن نیست و موجود نه از میان دوازده نام
سورج دیوتا وشنو نام هستم و از جملهٔ چهل و نهه دیوتا
که ایشان را مرت می نامند مریچی هستم و از کواکب ها
مهتاب منم و از پنج گونه تصور نما و از جمله چهار وید
سام وید منم که سامه وید عبارت از گفتاره شیرین
و خوش آینده و ذوق افزاینده است و از گروه
دیوتا ها اندر راجه منم و از حواس عشره من یعنی دل استم
که سوای دل کار حواس پیش نمیرود که دل متحرک
حواس است و از جانداران چیتنا یعنی گیان و
معرفت ام از ایکادشه رودر که نام های تیسر است
شنکر نام هستم و از جماعهٔ راکهسان آنچه کبیر دنه
و شرون که خزانچی مهارودر است منم از اشت
دیوتا که وسو نام اند پاوکه یعنی اگن دیوتا یعنی آتش استم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

(۱۴۷)

از کوه ها سمیر که قله کوه طلاست منم از پروهتان
یعنی کسانیکه کرم تکن یجمان میکنانند و واقف منتر ها
کرم آن می باشند برهسپت دیوتا یعنی مشتری منم
که او پروهت را جانیدر است که پادشاهی بهشت
منسوب باوست واز سپه داران ولشکرکشان
کمار دیوتا منم واز سرها یعنی دریاها سمندر منم
از مهرشیان بهرگ رکهیشر منم از لفظها اونکار منم و
از تکن ها جپ یعنی منتر منم واز کوه ها هیمالی منم واز
درخت ها اشوتها نام درخت منم که انها بیخ درخت
در بهشت است که هرچه خواهش آدم باشد ثمره ا
میدهد بسیار بارور و پرثمره واز دیو رکهیشران
نارد ریشر منم که هم خاصیت دیوته دارم واز منتر
یعنی اسرار نهالی وید آگاه ام واز فرشتهای
نغمه خوان

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(138A)

نعمه خوان چتر رتهه منم واز سیدها سیدکسی را نامندکه
از ابتدای تولد دهرم وگیان وویراک ایشری دار دو
اشتهٔ سید تسخیر کرده باشد کپلومونی منم از خلقت آسمان
اوچی شرو سهم نام اسپ منم که هفت سر دارد واز شمار
چهارده رتن که از آبحیات بهم رسیده جلوه کرمنم از
فیلان ایراوت نام منم از گروه انسان راجه با عدالت و
داد که حاکم آنهاست واز اسلحه وزر نام منم و در زمرهٔ
ماده گاوان سوربی نام کامدین منم واز آلات آفرینش
واسطهٔ پیدایش کامدیو نام منم واز ماران واسک ناگ نام منم
که خود را در گلوی شری دیو لبسته است یعنی بجب دل
ساعتی از قرب خاص او جدا نیست شیشه ناگ نام
از ماران پی زهر منم که منبع آب اند واز پتران یعنی ارواح
اریما نام منم از ثمره فتیجه دهنده نیکی وبدی جم راجه هستم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از اقوام دیت ها پرهلاد بخت منم و از شمار کنندگان
و تسخیر سازان کال منم از وحوش یعنی جانوران جنگلی
شیر منم شیر که محافظت جمیع وحوش نماید بدستور راجه که
هر جا را حراست کند منم و از طیور یعنی پرندگان گرد و
دیوتا منم از پوتر کنندگان یعنی پاک سازندگان پون منم
و از سلاح بندان یکه تاز راجا رام چندر منم از ماهی های کلان
مگره یعنی مگر مچه منم از رود بارها گنگا نام منم که آب گنگا شیرین و
صاف و سبک است و گاهی گنده نمی شود ابتدا و انتها و
میانه خلقت ها منم از وید ها یعنی شاستر ها ادهیاتمه بیدیا
یعنی علم حق شناسی منم و از مباحثه کنندگان واد یعنی
گفتگوی استاد و شاگرد که در ذکر معرفت حق باشند منم
از نقطه ها یعنی اچهر ها نقطه اکار منم و از سماس یعنی عبارت
مطول در مختصر آوردن دونده سماس منم من بعدم و
لا فنا

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

لافنا کال نام منم و داتا نام یعنی دهنده تیاج منم از چهار طرف بستم

از هر موکهه یعنی از هر رو بخشنده منم مرتو که همه خیر باجود

بریده است منم ترقی ترقی کنند کان منم و کرت یعنی نام نیک

منم و دولت منم و سره سوتی منم یعنی علم و دانش منم و

سمرت یعنی یاد و حفظ منم و دارنا یعنی دل بستن منم یک چیز

ورتی — خاص منم و دیرتی یعنی تهور و مستحکم بودن منم کهما

یعنی عفو منم بر هست سام که از جمله سرودهای سام وید

یک سرود خاص است منم از ورن ها کایتری چهند منم

از ماسها که عبارت از ماه که سی روز باشد منم مارگه شیرش

که منجهر است منم ابتدای کرم ها از ان ماه میکنند و از رتها

یعنی شصت روز کوسماکر یعنی دو ماه بسنت که

بهار باشد منم که اعتدال هوا دارد و بسبب شکفتن گلها

خوشبوست و از بازی و حیله ها متحرک قیمار منم تو رنور ها

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(١٤١)

سناکه عبارت از تیز یعنی فروغ منم و فتح کنندگان و
بمطلب رسیدگان صاحب تلاش منم و راستی رستان
منم از قوم یادوان واسودیو منم و از قوم پاندوان
دننجی یعنی ارجن دیو منم و از کهیشران و پاس کهیشر منم
ترجمان یعنی و نداز ترجمان کنندگان منم و از تسخیر کنندگان
تدبیر منم و از اسرار پوشیدنی مونم منم یعنی خاموشی
که ارشاد معرفت با جنس بهتر نیست ای ارجن دیو
هر چه هست تخم آن منم خلقی که از جن و انس و طیور و
رونده و قایم و بجاست این همه را محیط منم لی منز
هیچ چیز بود و وجود ندارد صاحبی و قدرت و کلانی ام
حدی و نهایتی نیست این مختصر تو بیان کردم
و الا ذات قدسی صفات از حصر و شمار افزون است
و از حد عد بیرون چیز یکه با صاحبی و با دولت و با
توانایی و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

5423

با توانایی و قدرت و زورست منم آن را بدان ازمز
پرتو ظهور گرفته است از شرح بیان شما را حاصلی نیست
تمام موجودات که در نمود وجود است آنهمه یک حصه
از بزرگی من است قلیلی از کثیر و جزوی از کل همین را
بیقین بدان تمام شد ادهیای دهم دیوته
یوگو نام   ارجن دیو بجانب سری کرشن مهاراج
عرض میکند ای مهاراج ارشادی که از کمال نوازش
بمن فرمودند این رموز نهانی و اسرار نهانی که از فرط
کرم بلقین نمودند بکلی از دلم دور شده و حجاب دوی
زایل گردید ای مهاراج ارشادی که درباره پیدایش
و عدم خلقت نمودند آنرا مفصل فهمیدم ای مهاراج
نور چشمان تو زنشان شما بیان کل کول است
کمال نیروال شما که واضح و دلنشین من شده تسلی بخشید

شکسته

١

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ای مهاراج قسمیکه صاحبی خود دارند بیان فرمودند
الحق همان قسم است ای مصدر العجایب و مظهر
الغرایب الحال آرزو دارم که وشته روپ درشن
فیض با من تو بچشم عیان بینم و خوب معاینه کنم
ای مهاراج اگر بدانی که من تاب دیدن انوار ترا
نیارم دیگر درشن بیزوال خود را بمن بنماید و غقدۀ
غم و تفکرات از دلم بکشاید سری کرشن مهاراج
می فرمانید ای ارجن دیو به بین روپهای متعدد مرا
صد هزاران رنگ متلون و برنگهای و برنگهای و
روپهای و اشکال و اشیاه بحصر و شمار و آرایش و
زینت بسیار به بین و دوازده روپ سروج دیوتا
و هشت دیوتا که موسوم بدوسن دیوتا هستند و
اکادشه رودر و اشونی کمار و چهل و نهه دیوتای
مرتنام

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مرشام و بسیاری دیگر که پیشتر ندیده هستی ایشانرا
فی الحال به بین و از دیدن صورتهای مختلف
ایشان دل خود بخش وحقیقت تمامی رو زمین
و افلاک با آیین نیک به بین و من مسخر نموده حواس
عشره فتح و نصرت خود و هزیمت و اجل کوروان را
هم درینجا معاینه و ملاحظه کن ای ارجن دیو تو
باین چشم ظاهری خود طاقت دیدن صورتهای
بی انتهای من نداری الحال چشم باطنی ترا ؛؛
نور بسیار می بخشم که ازان تماشای رنگ و
برنگی و اشکال مختلفه من خواهی کرد الحال ؛؛
سنجی بجانب راجا درتراشت میگوید خبر بکه
در ما قبل بشما گفتم و تقریر کردم شری کرشن مهاراج
که صاحب قدرت عظیم بود و درشن سراسر انوار سراپا نور

اطمینان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

با اشکال نامحصور بار جن دیو نمود درشش و شش روپ
بار رو های بسیار و بشمار و جشمهای افزون از اظهار و
اشتباه و اشکال گوناگون و صور انس و جان و
مخلوق بوقلمون عجایب و غرایب با زیور های
پر جواهر و زواهر و حله های نفیس و با اسلحه متنوع و
آرایش متعدد و مالا های پر در که از بهشت یاد میداد
و عطریات و خوشبوئی ها و بخورات تمام جسد مبارک شر
مالیده بود مختصر که دیو نا پی ظهور داشت که عجایب و
غرایب جسم روح پرورش از دریافت عقل عاقلان متجاوز
که دیده از دیدنش خیره میشد نورانی با فروغ و آب و تاب
بدرجهٔ بود که اگر بر آسمان هزاران سورج دیو تا
طلوع کرده هر طرف پرتو می انداخت باز هم برابر
با آن روشنی نمیگردد در یک محل دیگر وجود حلقهای رنگا رنگ
که از

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که از تعداد بیرون است ارجن دیوجی ظاهر و بدیده
بچشم خود معاینه کرده و مجموع آن را یکذات سری کرشن
مهاراج دیده و دانسته حیران آن کمال بکمال
گردید بعد ازان ارجن دیو بدیدن این چنین عجایب
مو براراست شده لرزان و ترسان ایستاده انگه
نمسکار نموده بپای مبارک سری کرشن مهاراج
سر بسجود انداخت و بزبان سراسر نیاز دست بسته
معروض داشت ای مهاراج من در ذات تقدس صفات
تو جمیع دیوتاها و اشکال همه جانداران که تعداد
هشتاد و چهار لک قسم هستند و انده زادیولی
ادوتی را وغیره را ملاحظه کرده ام و تیر سری برهما
صاحب و ایشر صاحب که بر ایدم آسن جا گزیده است
و همه رکهیشران و ماران وغیره از تهک دیوتا وغیر آن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

گرفته تمامًا مضمر و منور و جلوه کرد بدیدم بازوهای بسیار و

شکمهای بیشمار و موکهه یعنی روهای بیحد و دیده‌های بیعد

در تو می بینم که روپ تو از چهار طرف منکشف است

ترا از ابتدا و انتها و اوسط بیرون می دانم درشن تو

با موکت یعنی جیغه تاج جواهر و پیشانی نورانی با اسلحه گدا

گدا نام یعنی چکهر با انبار انبار نور و ضیا پرتو انداز کون و

مکان و زمین و زمان و جهات و آسمان می بینم که

دیدن قسام اشکال نوربار وحشت آثار تو مرا در ورطهٔ

تعجب انداخت و بدن مبارک تو از اشکلات بسیار

قسمیکه آتش سوزنده و آفتاب فروزنده نوربار است

و تاب دیدن آن کسی را نیست همان قسم درشن تو

از دیدن و طاقت بشری متجاوز است تو از معدوم

شدن مغر اهستی و پرم برهم یعنی خود بخود قایم و محکم و سلامتی

وانهایتکه

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

و آنهائیکه خواستگار درجهٔ ملک هستند ایشان بوهم خود
می شناسند تو اینهمه خلقت را مخترع در خود داری
تو بیعدم و لا انتهائی و قدیم و لایزالی و محیط هرستی
هستی و من ترا مظهر کل میدانم بی انتهائی و ابتدا و
میانه نداری و با نور بسیاری و بازو های بیحد و بهانت
داری ترا چون آتش شعله بار پرنور می بینم تو تر بون
یعنی آسمان و زمین و فضا را محیطی و شش جهت
از نور تو پر است از درشن اعجوبهٔ تو که پر وحشت و
هیبت است بسیار مردم آسمان و زمین و فضا از دیدن
این چنین نور متوهم و سرگردان در گریبان شده
لرزان و هراسان هستند همه دیوتاها فوج فوج
و جوق جوق در ظل ظلیل تو در آمده ستایش و نیایش تو
با هزاران زبان می کنند ایکادشه رود یعنی یازده برو

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دوازده نام سروج دیوتا و وسو نام دیوتاها و شنونام

دیوتاها و اشنی کمار نام دیوتاها و اشتم پایعنی تپران و

کندربان و یچهان و فوجهای دیوه تاها و اسوران

سید ها صورت ترا دیده در تحیر تعجب مستغرق

شده اند این همه روپهای پُرکمال که با موکهها و

چشمهای بیغایت نظر ها در می آیند چون که

بازوهای زیاده از حد و سرین های و پاها و شکم ها و

دیده ها و دندان های طراحیه دار خواص و عام خلقت

این چنین عجایب دیده بسیار در خوف و بیهوش

افتاده هستند و من هم نهایت خوفناک از ظهور آن

شده ام و ویشنه روپ درشن تو آگاش یعنی آسمان را

پیچیده و احاطه کرده است پُر نورانی است بارنگهای

بی انتهاست و با صورتهای خوفناک است و با چشمهای

پرفروغ

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پر فروغ و کلان است و ترا با این چنین جمال پر کمال
وحشت افزا دیده درون من بسیار متوهم و
پر خوف شده است و در خود تابی و تواری نمی‌بینم
باین دیدار پر انوار تو بالعجب و ترسان و لرزان ام
از هیچ دندانهای طواحیه که دهان تو هراس افزاست
بر مثال کال اگن که سوزنده همه کاینات است می باشد
می انگارم مشرق را از مغرب و جنوب را از شمال
زمین را از آسمان تمیز نمیکنم سوکهه یعنی آرام ندارم
ای شری کرشن مهاراج تو ایشر یعنی صاحب دیوتا هستی
و تمام خلقت از ذات تو قایم است بر من رحم و
تفضل فرما که من کمینه بندۀ نیازمند تو هستم من معاینه میکنیم
که صد پسر راجا دهرتراشت مع جمیع راجها با بهشمه کانی و
درونا چاری و راجا کرن و با میران لشکر طرف ما در دهان

CC-0. In Public Domain: Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مبارک شما مثل لقمه فرو شده هستند بعضی ها را در دندان تو

از فرق سرها سائیده شده و خورد و زیره گشته

می بینم و پر هراس می شوم هوش از سرم بدر رفته است

در پناه تو آمده ام رحم کن چنانکه آبجوهای پهناور

بجلدی و شور و غوغا در دریای عمان از هر سو فرو

میروند همان قسم پهلوانان با زور تهمتنان پرشور

در سر چشمه دهان مبارک تو غرق شده می بینم برنگیکه

پروانه های دلیر در آتش سوزان در می آیند

بهمان رنگ برای معدوم شدن خودها جمعی کثیر را

تک و تاز دارند و جان سپار و سر نثار شده هستند

و با فضا سرنجه منیر شد و جمیع آنها را از قدرت اجل

معدوم میسازی و لذت مرگ آنها منظور ذات تست

و فروغ نور تو غلبه کرده اکثر خلقت را شعله انهدام خاکستر میسازد

و الکل نابود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

اشغال نایرهٔ جلال تو ظهور کرده است ای مهاراج
تو مرا ارشاد کن که این قسم هیات با هیبت کدام ایشر
یعنی صاحبی نمکار من قبول تو باد که سرکردهٔ دیوتاهای
بزرگی و از همه فوق تری بر پرکرم و دیا و کرم گستری
بیا که من جویای ابتدای قدرت و نیرنگی تو ام
من نمیدانم که این ظهور تو چه قسم است بر من اظهار ساز
که بر این کیفیت جمال جلال و کمال و وصالت تو بخوبی
آگاه شوم شری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو
می فرماید که من بصورت کال روپ متمثل شده
بجهت انهدام خلقت عظمی ظهور را و تار کرده ام و بغیر تو
این همه افواج و عساکر و راجها و فیلان و اسپان
لقمهٔ دهان قضا خواهند شد و بکال یعنی اجل خواهند
پیوست بنابران ترا ارشاد میکنم که مردانه برخیز و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بجنگ درآویزو نیکنامی دارین حاصل سازد
فتح نمایان کرده دشمنان خود را منهدم و معدوم ساخته
بفراغبال کوهی راج و حکومت در میدان مراد باش
اینها از قدرت کامل من خود معدوم ساخته ام و
تو سبب این واسطه مشیت ازلی شو که توصیف
بهادری و تیراندازی بچپ و راست واری دریا جاری
و بشم کانکی و جیت رتهه و راجا کرن و غیره بهادران
سپاه را من خود باجل سپرده ام و تو بظاهر این ها
معدوم کن و از معصیت پاک مدار و شک نماد
که فتح حسودان بر تو مبارک است ادم باز سنجی
بطرف راجا درتراشت میگوید که چون ارجن دیو
ارشاد از زبان مبارک سری کرشن مهاراج
شنید دست بسته با دل هولناک و بهانی جنگ شده

لرزان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

لرزان ایستاده انکه نمسکار کرده باز عرض باین عنوان
نمود و سر بسجده انداخته ترسان و هراسان
گفتن گرفت ای مهاراج از ستایش و نیایش تو
عالم و آدم در آرام می بوند و برمه سوکه می یابند
راکهان از بیم تو در کنج خمول باطراف میگریزند
همه افواج سید و ساد ترا و نیرنگی قدرت لا انتهای ترا
نمسکار می کنند و همیشه ترا میجویند و تو تا یعنی توصیف تو
می کنند ای مهاراج تو که بقدرت کامله خود آفریننده
شری برهما هستی و با قدرت و توانایی کل بی انتهای
و ظهور دیوتا ها از قدرت کامل تست و پرورش
کننده جمیع ممکنات و کائیناتی و ترا عدم نیست
از است است یعنی بود و نابود برتری ای مهاراج
تو ابتدای دیوتا هایی و محیطی و قدیمی و تو خلاصه خلقت و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

برتر از همه و دانایی و دانشی هستی خود بخود با آرام
دایمی و تو محیط هر شی هستی و سروپ تو از درجهٔ
انتها افزون است ای مهاراج با دو جسم راجه و
اتش یعنی اگن دیوتا و ورن موکل آب و چندرمه
دیوتا یعنی هلال و شری برهما از روپ تو ظهور دارد
بشکل آنها تو خود بخود جلوه گر هستی شری برهما و آفرینندهٔ
شری برهما تو یی ترا نمسکار نمسکار هزاران بار قبول باد
ای مهاراج نمسکار قبول تو باد از پیش و از پس و
از چهار طرف که تو همه و همه جایی با جاد لی انتها و
قدرت و توانایی بسیار و هر جا را محیطی و همه تو یی
ترا نمسکار نمسکار چون من از راه نادانی خود ذات
تقدس صفات ترا بدرجهٔ مخلص و دوست قرار دادم
بی ادبانه سخن گفتم ای سری کرشن مهاراج و ای گل گلشن
جادوان

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

جاودانی ای مخلص مهربان من بزرگی ترا تا حال

باین درجه نمی دانستم واگر از راه صدق و اخلاص

والا از راه گستاخی تهوچری گاهی گفتم چیزیکه بنا بر خنده

و تمسخری در نشستن و برخاستن و خوردن و آشامیدن

یا در خلوت و یا در جلوت در خدمت تو گفته باشم

آن را بفضل عمیم و لطف کریم خود عفو فرما ای مهاراج

تو آفرینندهٔ جمیع مخلوقی و تو لایق ستایش و نیایش

همه کائناتی پیر و مرشد و استاد پر تعظیمی برابر و همتای تو

در تریبون یعنی آسمان و زمین و قضا کسی نیست

چون تو بزرگ بزرگانی ترا سجده نموده با افتقار و عجز

ستایش میکنیم که بر من رحم کن قسمیکه پدر به پسر عفو

تقصیرات میکند و دوست بدوست و شوهر بزن خود

مشمول مهربانی می نماید بر ما کرم اتم مرعی و مبذول فرما

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ای مهاراج درشنی که الحال از تو دیدم این وشیه
روپ و درشن را پیشتر گاهی ندیده بودم اکنون که
دیدم مستغرق آرام بسیار گردیدم و بنا بر جمال پر کمال
وصال تو مخوف شدم همان روپ قدیمی چهتربهوج
بمن بنما ای مهاراج درشن مسرت نما من ترا با مکت
یعنی پیشانی مرصع و با دست مرصع و مبارک که
دران چوب دستی همواره می باشد با چکهر پر و قر
آرزو دارم که باز بینم همان چهتربهوج متمثل شده
ای هزاران هزار روپ مرا بنواز شری کرشن مهاراج
از راه نوازش بطرف ارجن دیو می فرمایند
که بر تو مهربان شده ام و درشن با جمال خود ترا پر انوار و
یکی با بسیار نموده ام درشن یکسی نموده ام از خواندن
چهار وید و از کردن یگیه ها و از بخشش دهرم از تپه بسیار و
از دم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۵۸)

از کرم های پیشمار و تقدیم ریاضت و عبادت ها
این قسم درشن کسی را ممکن نشده و هم کسی را بغیر تو
نمی تواند دید که ترا میسر گردیده ای ارجن دیو این نوع
روپ عجیب من تو خوف را و غم و نادانی را بدل خود
راه مده و با خوشحالی تمام و آرام مالاکلام و ضمیر با تسلی باز
روپ قدیمی را ببین و خوشوقت باش اوم
باز سنجی بجانب راجا دهرتراشتر می گوید شری کرشن مهاراج
همین قسم ارشاد بارجن دیو نموده روپ چهار بهوج
با و باز نشان داده و دلاسا با آن هراسنده کرده
با آتمای بزرگ و درشن سترک او را مسرور ساخته
تسکین بخشیده ارجن دیو باز بجانب سری کرشن
مهاراج عرض می کنند که این درشن سندر یعنی بسیار خوب تو
دیده تسلی یافتم و با آنند یعنی با آرام شدم شری کرشن مهاراج

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بارجن دیوجی فرمایند که این درشن با جلال من که
تو دیدی همه دیوتاها آرزوی دیدن این دارند و
ممکن و میسر آنها نیست ای ارجن دیو درشن من که
باین روپ و رنگ دیدی از خواندن ویدها و
کردن ریاضات شاقه و بانصرام رسانیدن یگین ها
و بخشایش دهرم از همه ها احدی را حاصل و متواصل
نگشته است مگر کسیکه بدل و جان در پریم یعنی
محبت من استقامت ورزیده باشد او را باین عنوان
البته درشن میدهم ای ارجن دیو کسیکه نیتی کرم را
محض برای من میکند و بر من دل و جان در هر زمان
بسته باشد و نتیجه کرم کردن را خواستگاری نکند و
دشمنی هیچکس را بخاطر راه ندهد او البته درشن من خواهد یافت
و بمن ملحق شده پیوستگی بهم خواهد رسانید مکت و رستگاری خواهد
خواهد نمود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

خواهد گردید تمام شد ادهیای یازدهم ارجن دیو
بجانب سری کرشن مهاراج عرض می کند کهای
مهاراج آنهانیکه او پاسنا یعنی ساکار می کنند
و کسانیکه خواهش ستا یش نراکار دارند ازین دو
طالب آهنر و مند کدام یک بهتر است چراکه این وشه
روپ درشن که در وجود مبارک معاینه کرده شد
ساکار است نراکار که بیچون و بیچگون است کدام یکرا
دریاد گرفتن و تصور و طاعت نمودن افضل بدانیم
درین خصوص ارشاد نمایند شری کرشن مهاراج
بزبان مبارک می فرمایند که ای ارجن دیو بدانکه
نراکار در ساکار جلوهٔ ظهور دارد و پس هر که ساکار را
مشغولی کند هر دو بدست او خواهد آمد دانا آنکس است
که ذات را در صفات نیکو بیند غرض اینکه ذات بیچون و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

همچون را او پاسنا مینمایند که زنجن در همه مخلوقات
محیط است و قدرت او از اندازهٔ وهم و قیاس
و دیدن و شنیدن و دریافت برتر است و از همه
برکنار و با همه درمیان بی تغیر و تبدیل و مستحکم و دایم و
قایم است و ضبط حواس درونی و بیرونی نموده
و همه جانداران را در حیات و ممکنات یکسان میدانند
آنها هم پرم آتما یعنی مراد حقیقت میدانند و بر جمله ذی حیات
بر خیر و خیر بی هستید و جان آنها را برابر جان خود
می انگارند و تفاوتی در جان و جهان نمی شمارند
ای ارجن دیو در او پاسنای نراکار مشقت بسیار است
ساکار آسودگی و آرام و قدرت لایزال را باید سوار شدنی
دریافت می نمایند از جهت او پاسنای ساکار
آسان است و او پاسنای نراکار مشکل تر ای ارجن دیو

آنها یکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۶۴)

آنهانیکه از همه کرم ما خویش را دانشمند دیدن و دریافتن مرا هستند و بر من دلبستگی واقعی دارند و فقط مرا می خواهند

آن ارادتمندان را که بدل و جان با من سروکار دارند

و از دیگری و غیری فکری و وهمی در دل نمی آرند

آنها را من از دریای ناپیدا کنار دنیای غدار زود

بساحل مراد میرسانم ای ارجن دیو بر من که

پرم آتما ام دل خود را بر نه و عقل خود هم بر من بدار

که مرا خواهی یافت و بتاثیر این شغل و وهم ملکت حاصل تو

می شود درصورتیکه دل خود را بر من می توانی بست

بعد از ان از یوکه ابیاس صیقل آینهٔ دل خود نموده

مراد ضمیر خود میدار و با من پیوند و از ماسوا بگسل

اگر ابیاس هم نمی توانی نمود پس هر کرمی و کاری که میکنی

محض برای رضای ایشر صاحب می کرده باش یعنی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۲۶۳)

دشوار پن نما باین واسطه هسم بدعا و مقصد کامیاب

خواهی شد اگر این هم بعمل نمی توانی آورد پس ترک

همه نتیجهٔ کرم ها نموده باستوش یعنی قناعت و اطمینان

بدریافت یک آتما باستقامت دل ارادت منزل

رستگار خواهی شد بدانکه گیان ابهاس یا لانز و

خوشتر است و از کردهٔ گیان دیهان برتر و از رتبهٔ دیهان

نخواستن ثمرهٔ ثواب فوقیت دارد و از تیاگ کرم قرار

شانت یعنی از همه خواهشها در گذشتن و باحق

در پیوستن اعلی تر است کسیکه جمیع جانداران را

خصوصیت نورزیده مراتب شفقت مرعی دارد و

با همه دوست و صاحب جود و کرم و بخشش لی ماو مینی

بلکه بر جسم خود هم اعتبار ندارد و کبر هسم نداشته باشد

آرام و بی آرامی یکسان انگارد و عفو کننده باشد

در ظهور قاعد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در حصول مطلب دنیا مطلبی و همیشه در یوگ شغل داشته باشد
و ضبط حواس عشره کرده بر هوا و هوس دنیا میلی
نداشته باشد بیقین کامل که پرم آتما آم ضمیر و عقل مستقل
دارد باین صفات آنکسیکه موصوف است او
پسند من است و من او راضی و خوشحالم از
کسیکه مردم از و آزرده نباشد و او از آنها آزرده
بدل خود راه ندهد و از سوکهه و دوکهه و انند یعنی شادی و
غم مسرور و معرا به تنگ آمدن از سلوک اهل دنیا
اصلا بخاطر خطور نکند آن قسم مرد با درد محبوب منست
و مرغوب خاطر من شخصی که انواع لذات دنیوی
باو میسر شده باشد و بر آن دلبسته نخواهد بود و
از درون و بیرون پاک و پاکیزه و بزرگ در معرفت و
بی غرض از حب دنیا و بخوف و هراس و وسواس

شند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۷۵)

از همه خواهشهای دنیا و نتیجه کرم فارغ بوده باشد
این چنین کس پسند و قبول خاطر من است دوست و
دشمن را برابر داند و از عزت و بیعزتی پروا نکند و
در گرمی و سردی و آرام و بی آرامی بیک حال الفت
هیچ خبر از دنیا نداشته باشد تعریف و ذم مردم در
حق خود یکسان انگارد و از گفتن بد و دروغ و
قیل و قال لب بسته و بر نیک و بد راضی و خوشحال و
دلبستگی بر خانه و زن و فرزند و مال و متاع نداشته باشد
این چنین نیک مرد پسند ضمیر منیر من است اگر چیز مطلوب
مرغوب پیشش رسد خوشوقت نمی شود و اگر چیز ناخوش پیند
از ان دل از دست ندهد و از فوت مطلب رنجیده نگردد
و چیزیکه نایافته باشد آنرا نخواهد از خوب و زشت وارسته باشد
بارادتمندی خواهد بود او پسند من است او را عزیز میدارم

ارادتمند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۶۲)

آن ارادنمند یکه این دهرم امرته یعنی صفات خجسته را
موصوف باشد به یقین کامل دلبسته بر من خواهند بود
تحقیق بدان که آن عزیزان دوست جانی من و
جزو بدن من اند و پیوسته با من می باشند و
از من ذره جدایی تفاوت ندارند تمام شد ادهیای
دوازدهم شری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو
می فرمایند ای ارجن دیو کسیکه شریر یعنی جسد را که
کهتر نام اوست بداند و را کهتر اگنی می گویند یعنی شناسنده جسد
که از پنجه مهابوت آفریده شده است یعنی از آکاش و باد و
آتش و آب و خاک ای ارجن دیو در هر جسد مرا کهترا گنی
بدان که گیان یعنی معرفت و شناسایی کهتر و کهتر اگنی یعنی جسد و
و دانستن آن بهتر که عین گیان همان است آن جسد چیزیکه
برنگی که متمثل است و بشکلی که و از چیزیکه فحم است و آن چیزیکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۶۷)

همان بیرونی ظهور دارد حقیقت آن را بطریق مختصر از من
بگوش هوش بشنو که شران حق شناس بعبارت سیاک
بوزن های جدا و علیحده وار نقطهای بر همه بستر که
مقتضای واسطه کارهاست در شاستر ها بیان کردند
با این تفصیل است اول پنج مهابوت که عبارت
از خاک و باد و آب و آتش و آکاش باشد دوم
اهنکار که انانیت وبودی هی عقل و او بکت یعنی
موله پرکرت که ستوکن و رجوکن و تموکن باشد
این همه و دیگر حواس عشره که عبارت از کیا نه اندری
و کرمه اندری است که باصره و سامعه و شامه و ذایقه
و لامسه و زبان و دو دست و دو پا و دو عضو مخصوص
و دیگر من که دل است و پنج گوچر که شبد و پرش و روپ
رس و گنده باشد بدین صورت که گوش اندری شبد
بشنود گویا ان

بد

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۶۸)

شبد کوچر آن وچشم اندری است وباصره کوچر آن
دماغ اندری است وشامه کوچر آن وپوست اندری است
ولامه کوچر آن مذبان اندری است وقره کوچر آن
دیکهیا یعنی خواهش ویش یعنی نفرت از چیز ناخوش
هوکهه ودوکهه یعنی آرام وبی آرامی شنکانه یعنی
تبدیل روپ و چنتا یعنی یادآوری دِرتی یعنی
دِیر بمعنی دلاوری این کهتر یعنی حیدر ابطریق اجمال
بیان کردم حقیقت کیان باین تفصیل است که کیانی
اماثی ثوم یعنی بی ماومنی ادّم بی ثوم یعنی بی تدبیر و
اهما یعنی روادار آزار کسی نباشد وکهمانیتی یعنی عفو
وآرزوم یعنی راست کیشی وآچاریو پاشم یعنی خدمت
باستاد وشوچم یعنی پاک وپاکیزگی وتهیریم
یعنی استقامت کلی اتمه ونی کره یعنی ضبط حواس وردِ تی

آرزوه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۴۹۲)

و پرونی شبد و پرش و روپ و رس و گند که عبارت
از اندری از تهه است بمعنی و شی اندری است
و یراگ آن یعنی ترک آن و لی انانیت از جنم یعنی از تولد و
مرتو یعنی مردن اندرا یعنی پری و ازو یادی بمعنی
مرض جسمانی و آوی عبارت از پیدای چیت
یعنی درد درونی روحانی و دوکهه بمعنی رنج این امر سر خز ا
که زادن و مردن و پری است بداند اسکهتی و ابه همکها
یعنی دلبسته نباشد بر فرزند و زن و خانه و همیشه ضمیر ش
یکسان باشد بر خاطر خواه و غیر خاطر خواه برسن
یعنی بر پرم آتما تعلق خاطر داشته باشد بی حب دیگری
و غیری توسل خواهد بود بی تغیر و تبدیل و در جاها و
اماکن خلوت نشستن و دل نه بستن بر صحبت عوام الناس
از معرفت و آتمه شناسی کیان قدرت دیدن و

دیدن

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دیدن پرم ارتهه کیان این چیزها را خواص کیان برتو
بیان کردم و آنچه برعکس این چیزها باشد آن را اکیان
می گویند تاثیر شناختن کهتر و کهتر اکنی و کیان و کیان
بشرح و بسط بر تو واضح کردم الحال حقیقت گنتی می گویم
بگوش هوش بشنو که آن گنتی مکت حاصل تو خواهد شد

گنتی پلی ابتداست و پرم برهم است و نه او را است
توان گفت نه بت آن زبدهٔ زبده است و خاص
الخاص چهار طرف آلت دست و پا اوست چشم و سر و رو
هر طرف از او و در خلقت محل گوش او همه را بخود پوشیده
مانده است بهر صورت از وست همه اوست همه عالم را
که اقتضاست باعث ظهور آن اوست و از همه عالم
بیرون و برکنارست دل بسته بر چیزی نیست و همه چیز را
دارنده است یعنی همه ذات بر او قایم است در درون

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۴۱)

چون جانداران اوست و رونده و شنونده
اوست بسبب باریکی و لطافت او را نمی توان شناخت
هم دور و هم نزدیک است در مردم خلقت را
مقسوم است اما جابرتا باین اجاد مقسوم می نماید — اجاد
و خلقت را نگهدارنده و کلان کننده اوست و آن گیتی
در پرلوی پیدا کننده و در ابتدای پیدایش آفریننده — پرلی
اوست حی قایم حاضر و ناظر است پرکاش یعنی نور
سوروج دیوتا و چندرمه دیوتا و اگن دیوتا اوست
و روشنی عقل هم اوست و از همه ظلمات و تیرگی
معراست هم گیان یعنی دانستن معرفت هم گیتی یعنی
دانشی و از دانستن یافتنی در دل و ضمیر و درون سینه
هر یک جا گیر است چون ترا کهیتر یعنی شریر که جسد باشد
و گیان یعنی دانستن و گیتی یعنی دانشی همه را بطریق اختصار

ترا اظهار کردم.

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بر تو اظهار کردم کسیکه طالب من باشد این را بو باقعی
دانسته او بسروپ من بلا شرط خواهد یافت پرکرت و
پرس را ای ارجن دیو بی ابتدا بدان و بکار یعنی
سیهه وصورت ترگن راکه از مولهٔ پرکرت پیدا شده
بدان کاریه یعنی شریر بمعنی جسد و کاریه یعنی اندری
بمعنی حواس عشره و باعث مولد آنها پرکرت است
پرش که هست او لذت گیرندهٔ سوکهه و دوکهه یعنی آرام و
بی آرامی پورش در پرکرت باشنده است و از ترگن
که منشأ آن پرکرت است پورش لذت گیرنده است
اگر پورش در یونی های ست واست می آید بسبب و
تاثیر ترگن صحبت ترگن است بیننده و اختیار کننده
و پذیرنده و لذت گیرنده مهیشر پرم آتما راگفته اند
درمیان این جسد تحقیق بدان که سبب نشو و نما و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

چشنده کند تنها در جسدها مهیشر پرم آتما ست آن کسیکه

پرورش و پرکرت را کنج کن ها بدین عنوان بدانده

که در همه جا باشنده خواهد بود و یار دیگر در جنم نخواهد

یافت رستگار جاوید خواهد بود بعضی جوگیشران از دهیان

آتما را در عقل می بینند و اکثری از آتما آتما را

می بینند جماعه از گیان یوگ و بعضی که نادان مشخص اندو

از دیگران فهمیده دهیان آتما می کنند آنها هم از دریای

سمسار پار می شوند و بکنار میرسند ای ارجن دیو

چیز یکه از تنها ورو خلیکم پیدا می شود آن همه از ملاقات

کهتر و کهتر اگنی ظهور دارند بدان که پرمیشر در جمیع جاندار

برابر و واقع است کسی این چنین پرمیشر را از معدوم

شدن ابدان فنا پذیر نه انکار داو و دانسته و دانشور

اکمل است کسیکه ایشر را در میان هر چیز برابر و واقع دانند و

پندارد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ببیند اورا از رنج ها خلاص است و در آخر به پرم مکت
میرسد و بدرجهٔ مکت فایز میگردد و آن کسانیکه کرم ها میکنند
و میدانند که پرکرت منشاء کرم است و آتما اکرتا است
آنها یقین دانند و بنده برکمال هستند اکر یوکی
جدا بودن جانداران در نمود که بظاهر است در باطن
یکجا بیند و در همان آتما وسعت و فسحت انکارد که وسیع و
محیط است او بدرجهٔ پرم برهم بپیوندد و بلاشک برهمه روپ
میشود پرم آتما اگرچه در ظاهر و باطن ابتدا ندارد و از نرگن
عاریست و پرم آتما بیزوال است هرچند در شریر یعنی جسد
باشنده است او خود خبری نمی کند و آلایش هیچ خبر ندارد
مبرا از همه و هر خبر است قسمیکه آکاش از باریک بودن
و لطافت در تموکن هر مکان آلایش پذیر نیست
همان قسم آتما در هر جسد که متمکن است و از هیچ وجه آلایش ندارد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۸۵)

بطریقیکه یک سوج دیوتا از پرکاش خود بر هر چیز می تابد

و هر جسد را روشن و پرنور می کند همان طریق تمام ابدان را

آتما منور و ظاهر می سازد و محرک میگرداند آن غیر اینکه

جسد و دانندهٔ جسد را لی تفاوت و شک بچشم حقیقت بین

بعقل دور اندیش بداند که جسد چه نوع است و دانندهٔ جسد

چگونه است و برکت ملک جانداران را بواقعی میدانند

آنها بدرجهٔ پرمهٔ پد میرسند تمام شد ادهیای سیزدهم

در بیک شری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو میفرمایند

که ای ارجن دیو باز من یک گیان که بسیاری از کهیشران

از ان پرمه سید حاصل نموده اند تو می گویم بشنو و

در دل نگهدار کهیشرانیکه آن گیان را دریافته اند

بتا شر آن از رنج زادن و مردن وارسته جاوید گردیده اند

ای ارجن دیو در بطون قدرت من از شری برهما

نامودهٔ

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۸۶)

تا مواجهه جمیع خلقت ظهور پیدائش داد و خلقت جاندار
در دیوه یونی و پتره یونی و منوشه یونی و پشو یونی
و مرکا یونی وغیره ممکنات که در صورتهای گوناگون
از خاک بو قلمون همه پیدا ور است مادر و پدر و تخم اینها
هستم و اصل و بیج آنم ستوگن رجوگن و تموگن جاندار را
در شریر یعنی جسد بسته می کنند و ذات مطلق را مقید
نپندارند والذات بحت از اطلاق و مقیدی وارسته است
از ان ترگن که از موله پرکرت بهم میرسند ستوگن بجهت
نرمل بودن آن جیوا تما را السوکهه یعنی بآرام تیز با خلاط
گیان مخلوط و مضبوط می سازد و آرام و گیان تاثیر او
بهمان مشتغل رجوگن که از ترشنا یعنی طمع پیدائش دارد
صاحب جسد را از ریسمان کرم بسته می کند که
میلش بطرف کرم می باشد تموگن که از اگیان محل

بعنی ترگن

تحت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

پیدا ایشان دارد اجسام مخلوقات را در غفلت ما یا موه
می اندازد و در بیقراری و کهالت و خواب میدارد
مختصر که ستوگن صاحب جیدرا در سوکهه میدارد ورجوگن
درکرم کردن مایل می سازد و تموگن در مدهوشی و
اطالت پابند می سازد و آن کسیکه رجوگن و تموگن را
بمجاهدهٔ طاعات و عبادات مغلوب خود ساخت
فقط ستوگن را ورزید و هرگاه رجوگن و ستوگن و
تموگن را مسخر می سازد باقی ماند رجوگن و تموگن و قتیکه
ستوگن ورجوگن را مسخر ساخت تموگن باقی ماند
وقتیکه صاحب جیدرا از نهه دروازه یعنی چشم و گوش وغیره
دارها پرکاش یعنی نور پیدا ور شد آنوقت بدان که صاحب جیدرا
ستوگن در تضاعف ترا بر پیوست لوبهه یعنی طمع و
پرورت یعنی تلاش بسیار درکارهای لا یعنی و آغاز سر انجام کرم

بقیه (۱۸۹)

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(142)

یعنی کردار یا واز خواهش باز نمودن و راغب بودن
بمال دیگران بسبب غلبهٔ رجوگن پیدا ور می شود
اپرکاش یعنی ندانستن پنج ماتر که عبارت از شبد و
پرش و روپ و رس و گند باشد و کرم وکریا نکردن
و وسواس خاطر و غفلت بهم رسانیدن این حالت
های تموگن است که می افزاید هر وقت که ستوگن
صاحب جسد را زیاد شد و دران حال مرد در دیولوگ
خواهد رفت وقتی که در غلبهٔ رجوگن ودلعت حیات نمود
در اهل کاران کریا کرم موجود می گردد و آنوقت که
در تموگن انتقال وجود نمود در جسدهای حیوانات و
جمادات و نباتات مخلوق می شود در تقدیم کریای
نیک کردن سوکهه و ثمرهٔ خوب و نتیجهٔ مرغوب میباید
ثمرهٔ رجوگن دوکهه یعنی رنجبت و نادانی و جهالت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(149)

نتیجهٔ تموگن است تا ثیر ستوگن گیان یعنی معرفت حاصل

می شود و از غلبه رجوگن طمع بهم رسد و از تموگن زنگ

بیهوشی طاری می شود آنهائیکه ستوگنی اند بدرجهٔ

دیوه لوک میرسند و کسانیکه رجوگنی اند درمیان مردم

پیدا می شوند چندی که تموگنی اند در جماد وحیوانات

پیدا ورمی کردند آن دانشمند بینای که بصدق دل

بداند که آفرننده ترگن ایشر است و از آلایش آن منزه است

او در سروپ من خواهد پیوست صاحب جسدیکه این ترگن را

تارک خواهد بود که آنهمه از جسد بهم رسیده است او از قید جنم

یعنی زادن و مردن و پیری اقسام غمهای دنیا

خلاص شده مکت یعنی رستگار جاوید خواهد گردید

ارجن دیو بجانب سری کرشن مهاراج عرض می کند

که کدام اسباب از بند ریسمان ترگن خلاصی بیابد و

آچار

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

آچار یعنی پرهیزگاری او حقیم باشد و بچه بدین راج
سه کن را از خود دفع و دور بسازد سری کرشن مهاراج
می فرمایند ای ارجن دیو شخص را باید که پرکاش که
ستو گن می زاید و اشغال کارها که از رجو گن پیدا آور
می شود و غفلت که از تمو گن بهم رسد آن همه اگر بر او
غلبه کرده باشد سیدآن را در حساب نگرفته بنابر آن
خشمگین و ملول نگردد و اگر انها در وجودش نخواهد بود
و میل آن بخاطر نیارد باید دانست که این چنین شخص را
از بند ریسمان ترگن خلاص است مثل او داسی
یعنی سیر شده از مقدمات دنیا که خواص از ترگن است
پیدا نشود با خود آمیزش ترگن از آن فارغ بوده و
بودن آنها اصلا بخاطر نیارد و بد لجمعی تمام و آرام و تسکین
تمام خواهد بود سوکهه و دکهه یعنی رنج و راحت را برابر داند

در حساب

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(A1)

... تا خوشحال باشد و خاک و سنگ و طلا را یکسان
انگارد و خوشی و ناخوشی را برابر داند و با عقل و هوش
خواهد بود اگر او را کسی ستایش کند یا ذم نماید و بد گوید
برابر داند از عزت و سوکهه مست نشود و از هجر مشقی و
رنج خفه نگردد و دشمن و دوست را یکسان داند و همه کار
ها را تارک باشد همان شخص را گن اتیت یعنی تارک ترگن
می گویند این نشانه آچار است که واضح ساختم و
مفصل بیان کردم و واسطه خلاصی از ین ترگن یا نکته
کسیکه از ذوق دل اکنی بهگت و پریم که در ادهیای
دوازدهم تبو گفتم بطرف من بیاید و به پیوند دا د
از ترگن خلاص شده با ذات قدسی صفات پیوسته
ملکت ورستکار جاوید گردید ای ارجن دیو استعانت
پرم برهم و منبع سرچشمه آبحیات است بنزوال منم و
دهرم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دهرمی که محکم و بی تغیر و تبدیل است منم و آرامی دایم
آن هم منم از من قایم است و باین قدرت در یک
که بذات منزه از صفات منم هستم و کسیکه اراده نمیکند
خواستگار و طلبکار من است او را از بند سمار
یعنی دنیا خلاص است تمام شد ادهیای چهاردهم
سری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو میفرمایند
که درخت سمسار یعنی دنیا که بیخ بجانب آکاش دارد
شاخهایش بطرف زمین پائین است و آنرا ابنر وال
یعنی لاانقطاع می گویند و چهار وید بجای برگهای
آنست کسیکه این چنین درخت دنیا را نیکو گوید
واند او داننده وید یعنی علم توحید است
بیخ این درخت باعتبار کال یعنی زمان دراز و ممتد
بجهت لطافت و باریکی خشمش که در نظر نمی آید و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بسبب انکه سامان پیدایش است و بتاثیر انکه

عدم انقطاع وبلی انتهاست و کلان است

ارد مول یعنی رک وریشه بالا گفته اند واز همین

پنج خیز ارده یعنی بالا نامیده اند شری برهماکه مع قدرت

مایا معصور و متمثل است مول یعنی بیخ او و داوه

شاخ پایین پایین تمثال که عقل کل بمنزله شاخهای

حواس یعنی اندری عشره بجای خانهای اندرون

پنج مهابوت و بث خها یعنی شاخ ورشاخش

قرار یافته و ودیشی یعنی شبد و پرش و روپ و رس

کند بجای برکها و دهرم و ادهرم بمنزله شکوفه

گل سوکهه و دوکهه یعنی آرام و بی آرامی ثمره اش

توضیح این اشلوک بهمین اسلوب است درخت تمثال

که بالا

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که بالا تکرار یافت شاخهایش در بالا و پایین رفت
واز موله پرکرت یعنی ترکن نا پیده گردیده نشو و نما
از روشنی یعنی پنج تن ماتر رکها دارد و بیخ ها در پایین هم
پهن کرده است آن پنج ها چگونه است که عالمیان
پیدایش بسبب کرم دارند در مرتی لوک پایین زمین و
آسمان این چنین درخت دنیا را که بشما تلقین کردم
صورت اینکه بنظر نمی آید بمنزلهٔ سراب آب نماست و
تمثال کنند روه نگ یعنی عمارات فرشته نغمه خوان که
روز در یکجا پیداست و روز دیگر ناپیدا و بجای دیگر
پیدا او انتها و میانه و استقامت این دریافت
نمی شود این چنین درختی که بستگی ریشه محکم است
باید که به تیر ترک کل بریده بعد ازان مکان سری
بش بهگوان که عبارت از ویکنتهه باشد باید جست

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

مردمانی که تا آنسو رفته اند از آمد و شد جنم رستگار زندان

آوپورش یعنی مرد اول که در حقیقت سرو پ من آست

شرن یعنی جوینده می شوم از کسیکه بر آمده است

شعبده بازی او تپت یعنی پیدایش دنیا که مثل

آب روان همیشه جاریست رکهشر اینکه از اهنکار روه

یعنی کبر و غفلت عاری و بر خیر خوش و بستگی و در خبر

ناخوش نفرت ندارند و در شناخت آتما

مشتغل باشند و از دل آنها خواهشهای زنگار

دور شده است و در آرام و بی آرامی گرمی و سردی

گرسنگی و تشنگی فارغ اند و بمعرفت تمام در روشن بهون

میروند آن روشن بهون که مکان مقدس است

سورج دیوتا که عالمتاب است در انجا فروغ و نمودی

ندارد و چندرمه دیوتا و اگن دیوتا هم در ان دخل ندارد

در اینجین بهتانی

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

در این خین تهان یعنی مکان متبر که آنها که رفته اند
باز در جسم نمی آیند همان پرمه تهان یعنی جای خاص
قرارگاه من است و یک حصه از من در جیو لوک
یعنی دنیا بصورت جیو شده است و پنج گیان اندری
که مع دل شش می شود و در پرکرت می باشند
متحرک شده بسوی خود می کشد جیو آتمه که از یک وجود
دیگر انتقال می کند شش چیز مذکور که پنج اندری و
یک من باشد با خود همراه گرفته میرود بصوریکه
باد نسیم بو همراه گرفته از یکجا بجای می نهد جیو آتما
که در وجود مقید است و شیئ ها را که عبارت از
پنج تن ماتر باشد لذت میگرد بوساطت این چیز
که یکی گوش دوم چشم و سوم پوست و چهارم زبان
و پنجم بینی و ششم دل که من باشد وقتی که بر آینده

بسبب بوجود

شش

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

از یک وجود بقالب دیگر و یا در هنگام قایم و
متمکن بودن جسد و بالذت گیرنده می باشد آن تن
ماتر را یا در سوکهه و یا در دوکهه و موه یعنی غفلت
در این چنین الکنه جمیع ماران آن جیو را نمی بینند
عزیزانیکه دیدهٔ معرفت کشاده دارند آنها میتانه
می کنند و بوکیشران صاحب تلاش آن جیو را در ضمیر خود
می بینند و میدانند که آن جیو آتما ماییم و لی دانش ها
با وجودیکه بدلیل شاستر ها منجو الهند که او را نه بینید
اما دیدهٔ بصیرت ندارند از آن دیدار محروم اند
آن نوریکه در سورج دیوتا روشن است و عالم را
به پرتو انوار خود پر فروغ می سازد و نوریکه در چندرما
دیوتا یعنی مهتاب و در اکن دیوتا یعنی آتش پرضیاست
آن را نور من بدان و تیر از قدرت خود بصورت زمین شده

هند

جاندارانرا

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

(۱۸۸)

جانداران پرورش میکنم و تمام او شد یعنی دوا ها و غلها را
بالیده میکنم و بصورت ام تهه یعنی آبحیات گردیده در چندما
درآمده جمیع اخباس را سبز و پیدا ور میکنم و من بصورت
ولیشوانراکن یعنی راتهر اکن یعنی حرارت غریزی جسد
نفانرا متمکن شده یا بران وایان چهار نوع غله را ؛؛
بزندگی میکنم بکهی بوجی لیسی چشی بکهی آنست که بدندان
خورده می شود مثل نان و چیزیکه از زبان نوشیده شود
مثل شیر بوجی است و از چیزیکه بزبان گذاشته ازفره آب
بحلق فرو میرود مثل شکر و قند انرالیسی گویند چیزیکه پنج
دندان طواخته آب را کشیده مثل نبد نبات نوش میکنید
آن را چشی گویند در هردی یعنی سینه و دل هر یک
من ساکنم در پیش من سمرت یعنی یاد سرگذشت جسم های گذشته
و گیان یعنی معرفت که بهم رسیدن دشی و اندری ؛؛

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

وقتی که روپ پتهر یعنی چشم را ملاقات شد دانسته شد
که این فلان است بنا است الونهم یعنی ناش بمعنی معدوم
شدن کام و کرود یعنی شهوت و غضب از دلالت
همه وید ها دانستی منم و معنی فهمیده وید ها منم و شناسنده
وید منم و مخرج وید منم و بزوپ و یاس منم شرو و پورش
یعنی محیط هر شریر دو هستند یکی کهر است و یکی اکهر کهر بمعنی
آنست که معدوم می شود و اکهر آن را می گویند که اصلا
فنا پذیر نیست همه جانداران فنا پذیر هستند و پرم آتما
یعنی پروردگار روحی و قایم مدام است و فنا پذیر و طاری
نمی شود و ازین دو پورش سوم است که آنرا اوتم پورش
یعنی پرم آتما می گویند که بقدرت خود هر سه لوک را
پرورش کننده و روزی دهنده است من از کهر بالاترم
و از اکهر نیز اوتم بنا بران در خلق و در بیش چهار وید ها

همه کاینات

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

همه کائنات مرا پورشوتم ستایش و نیایش می کنند

کسیکه مرا پورشوتم میداند و او در همه اشیا و در همه جا مرا

یاد کرده ولی من نیست و همه جا با من است ای اجرن دیو

این شاستر رموز که از اسرار پنهانیست بتو گفتم که نرمل

هستی این شاستر هر که بواقعی بداند او آتمه گیانی است ،

اورا هیچ کرتولی نیست او خود پرم آتما است تمام شد

ادهیای پانزدهم شری کرشن مهاراج بجانب اجرن دیو

می فرمایند کسیکه از دیوی سمپت پیدا می شود ،

او بصفات حمیدهٔ ذیل موصوف است ابیم یعنی بیخوف

و هراس باشد وسته سم شودهی یعنی من که عبارت سنکلپ

سروپ است و بدهی یعنی عقل که تمیز نیک و بد نماید اهنکار

یعنی انانیت بمعنی پرجید ماتر آتما هر سه نرمل یعنی صاف باشد

و گیان یوگ ویوستهتی یعنی بر معرفت استحکام داشته باشد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

گیان آنست که از ارشاد مرشد و الّا از شاستر پیدا میکند
در شناخت آتما و یوگ آنست که حواس عشره را برآتما
بند دوازکارهای دیگر باز دارد و چهارم دانم یعنی بخشیدن
غلات بقدر استطاعت و پنجم پیشیجه یعنی کردن
حواس بیرونی بمعنی کرماندری ششم بمکنشجه یعنی
یکن نمودن دو قسم است یکی شروت یعنی اکن دیوتا
ساکهی باشد و دوم پورت یعنی سدبندی و پل بندی
و نخلستان وقف گذاشتن هفتم سوادایی یعنی خواندن ؛
وید نا نهه هشتم تپه یعنی ریاضت کردن نهم آرزوم یعنی
کجی را گذاشتن و راستی را پیشه ساختن و دهم اهما
یعنی جانداران را نرنجانیدن یازدهم راست گفتن دوازدهم
ترک خشم و غضب و نیاک یعنی سنیاس یعنی ترک لذات دنیا
و ماسوا و شانتی یعنی باز ماندن از هوا و هوس بمعنی ساکن شدن

انتهٰی کرل

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

اشهه کرن یعنی بدو اهنکار ... یعنی بدخوی زایل کردن

و نیک خوبی اختیار کردن ... یعنی بر بیداران

مظلوم رحم نمودن الو لتم یعنی اگر اندری بار او نشی

روبرو باشند مثل آن که اگر چشم بر چیز خوب بیفتد طمع

آن نکند و مشغول و مغلوب آن نشود مار ددم یعنی

متواضع بودن هری خجالت و شرمناکی اچاپلم یعنی

بی وسواس بودن تیزه با نور و هیبت بوده باشد

کهما یعنی عفو داشته باشد درتی یعنی دلیری داشته باشد

شوچم یعنی پاک و پاکیزگی دارد او رو هو بکشتن و

رنجانیدن کسی روادار نباشد انی ناما یعنی تعریف

از زبان کسی فهمیدن طمع نکند دینو یعنی ظالم و مظلوم نما

ظاهر آراسته و باطن خراب و دهرتو یعنی اهنکار

بمعنی کبر داشته باشد اینانشه یعنی افتخار کردن گرود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

الکنم یعنی خشمناکی | یعنی ناسزا و تلخ گوینده کی
سمپت
یعنی جهل نفادانی پرانکسن طاریست کسی از آسوری
سمپت که
پیدا شده باشد ای ارجن دیو و دیوی سمپت
سمپت
تفصیل کفتم این واسطه مکت و رستکاریست آسوری
داری
وبا عجب گرفتار است تو که پیدایش از دیوی سمپت
سمپت
مکن اصلا غم مخور که با سعادتمندی و رستکاری هستی ای
ارجن دیو بوته شرت یعنی خلقت بر دو نوع شده است
یکی پرد یوی یعنی بر مزاج فرشته ها دوم آسوری
بمزاج راهس صفات دیوی مشرح گانته بیان
کردم و احوالات آسوری حال بشنو آنها نیکه
بصفات ذمیمه آسوری هستند آنها پرورت یعنی
دهرم نروورت یعنی ادهرم نمیدانند آنها را پاکی
نیست
اسوچ و اچار و پرهیزکاری و استم بمعنی راستی نیست
الستم بند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

استم یعنی دروغ اپرشتم یعنی بیوفایی و دهرم ادهرم
نشناختن این شیوهٔ آسوریان است که منکر آتما هستند
و می گویند که جگت ایشر ندارد اپرسپر سمبهوتم یعنی
باجتماع مرد و زن و تخم شهوت پیدایش مردم می شود
و دیگر فاعلی نیست و از نر و ماده اوتپت یعنی پیدایش
می شود بر همین جهل بوده بهرهٔ از عقل ندارند از بدکیشیها
باقسام شیر و مار وغیره موذیات پیدا در می شوند
و بجهت معدوم ساختن مخلوق مجسم گشته اند و دشمن
خلق اند مطالب دور و دراز در دل خطور نموده
با تذویر و جل وافتخار و کبر که بسبب غفلت مستولی
برآنهاست است کریا یعنی بر دروغ و حسد و بستگی دارند
و بر خوردن شراب و کباب خو پذیر اند و شقاوت
مقرون و از سعادت محروم اند فکرهای دور و دراز

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

انتدا و قیامت تصمیم دل نموده بر شهوت و لذتها و
انواع نعمت خویذ بر گرویده مست و مدهوش بدمستی اند
می گویند که همین چیز حاصل دنیاست و عقبی بر امیدهای
صد در صد و بسته و همین گرفتار ند و بر شهوت و غضب
حیوان حرکت آنها و تلاش بسیار فحش های
لذت و نعمت و شهوت است و جمع دولت
بظلم و تعدی نمی کنند همین تصور آنهاست که این دولت
که درین وقت یافته ایم آینده هم خواهیم یافت
این دشمن خود را کشته ایم و دشمن دیگر هم داریم
او را خواهیم کشت ایشان یعنی صاحب و سوامی منم
صاحب نعمت و لذت گیرنده آن و رسیده و هم
یعنی صاحب فرزندان و نوکران و با قدرت و
توانایی و آسوده حالی هستم یا جاه و دولت و حشمت تمام و

از قوم ...

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بزرگم که لیدانم یک فضل من است لیکن هم حکیم و بخشش بینایم
برچنین غرور و تکبر گرفتارند بسبب گرفتاری اوهام
و هوا و هوس در دام غفلت پیچیده شده اند و ها
چسپیده شده اند بر لذات ناپایدار دنیای غدار و
باین کردارهای بد بد و فرخ میروند بر خود می نازند
افتخار و ستایش خود می کنند که ما اعمال و کردار خوب
داریم و متکبر اند از دولت و افتخار و کبر آغشته اند
و یگن ها می کنند محض برای نام آوری اشتهار و
به تزویر نه بحکم شاستر و وید خودی و خودنمایی و
زور تن پروری و تحقیر مردم و شهوت و غضب
شیوهٔ خود ساخته و خودخواهی و مطلب جویی و
غرضمندی شعار خود نموده بر آتما نظر ندارند و
حکم شاستر را مرعی نمیدارند و یقین و اعتماد بر خالق و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حکم او یعنی بر پرم آتما و جهانرو بدنداری ارجن دیو
من این چنین کسان را که بدکردار و زشت اعمال
و قبیح اطوار در دنیا هستند بمکافات درجهادِ
راکهسان موجود می کردانم و در یونی ها یعنی
جسد های راکهسان مولود گردیده در جنم های
بسیاری بنادانی و جهالت مبتلا می شوند مرا که
پرم آتما ام نیافته در حضیض ناکامی میروند ای ارجن دیو
بدان که نرک یعنی دوزخ بر سه قسم است یکی کام
دوم کرود سوم لوبهه بنابران بتو می گویم که هرسه
ترک کردن اولیتر است ای ارجن دیو چون آدمی
ازین محبس های باریک خلاص باشد او اقدام بخیر
آتمای خود است در دنیا و در آخرت به پرم
پدوی خواهد رسید و مکت خواهد گردید ای ارجن دیو
کسیکه

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

کسیکه برخلاف حکم شاستر راه میرود و بغرض نفسانی
پیش شتابد او را نه قبول حق و نه آرام و نه برکت
حاصل خواهد گردید ای ارجن دیو برای همین تبو مباهنت
حکم دهرم شاستر بهتر است همین را یقین دانسته
برای سرانجام کرم و کریا لایق هستی تمام شد ادهیای
شانزدهم ارجن دیو بجانب شری کرشن مهاراج
بفرمایید که بعضی کسان که باعتقاد درست ماورای
حکم شاستر کرم می کنند یا بر جای آنها ستوگن یا
رجوگن یا تموگن ازین سه گن کدام است شری کرشن
مهاراج می فرمایید که ای ارجن دیو بدان که ارباب جسد را
یقین بسه رنگ یکی ساتکی دوم راجسی سوم تامسی است
بگوش هوش بشنو که بیان میکنم هرکس را بهر رنگ من یعنی
ضمیر بهمان رنگ شرو العنی یقین خواهد بود بنوعی که بد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سنسکار
یعنی عقل است بدان دستور یقین خواهد بود و فراخور
صورت یقین مقرر است مختصر که شخص از شردا پرات
هر کس هر شردا که پراپت است بهمان صورت کار پیش میگیرد
هر که ساتکی شردا دارد ساتک است هر که راجس شردا دارد
راجس است انکه تامس شردا دارد تامس است
انهانیکه ساتکی هستند یکین دیوتا می نمایند و کسانیکه
راجسی هستند یکین یچهها و راکهسان می کنند مرت
که سرگروه راکهسان است ازو کویر سردار یچهاست
غیر ازو یکین می کنند و اشخاصیکه تامسی هستند انهها
پریت ها بوته یکین ها بانجام میرسانند بر خلاف
حکم شاستر کسانیکه یکین می کنند محض ریاضت شاقه
تپ می کنند بسیار با مشقت و آنها با کام یعنی مطلب
با آنرو حرص مایل یعنی بار کشش از قوت و توانایی اند و
زار و نزار

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

زار و تر را می سازند و جود و جمیع اعضا و حواس را
چراکه گیاهان و دانای ندارند و چون تمر به اتمام
مراهم سست می گردانند آنها را بالیقین کاهش بدان
که هیته گرم می نمایند آنرا ریاضت به قسم است
و غذا هم به قسم و دان یعنی خیرات تر به قسم است
یکن هم به قسم است آنرا مفصل بتو می گویم بشنو
جماعتی که ساتکی اند آنهارا اهار یعنی غذا دهنده مزید
حیات و افزاینده راستی و استحکام ضمیر و دل مضاعف ساز
قوت و توانایی و عطا کننده بی مرضی و سوکهه بسیار سازد
پریت یعنی خوشوقتی افزا و با مزه بودن و نعمت های تر و
باروغن و مقوی و خوش آینده و دلپسند و مرغوب است
آنهاییکه راجسی هستند آنها را سازکاری غذا از قسم تلخ و
نمکین و شور و ترش و بسیار گرم و تیز و ازان یعنی علاات او

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

مثل ترنیه و شرشف وغیره بباشد مختصر که راسی را
بر همین مثل است که از این قسم غذا ها درد و رنج و
چشم کی و مرض پیدا می شود و باعث علتهای بسیار
می گردد و مرغوب طبع ناسی غذا از قسم بهاسی که
از یک پهر بیشتر نخته شده باشد لی تری و رس خواهد بود
و متعفن و بدبو و گنده شده و نیم خورده کسان اوتر
یعنی ناپاک پسند و دلخواه اوست بکین هم به نوع اشا
بکین ساتکی نشکام یعنی بی مطلب است موافق حکم شاستر
خواهد بود و بدل تصمیم می کند که خواه و نخواه بکین کرد نیست
همین طور بکین ساتکی خوب مشخص است بکین راجسی آنست
اول ثمره آن را نخواهد که بهشت حاصل من شود و نام
آوری هم رسد مدعا که بکین را محض برای مطلب بهشت و
نام آوری و تدبیر می نماید بکین تامسی آنست که برخلاف

حکم شاستر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حکم شاستر خواهد بود و به برهمنان خورش خوب ندهد
و منتر هم دران خوانده نشود و کتها هم داده نشود نقد هم
دران نخواهد بود این چنین یکین را تامسی یکین گفته اند و
تپ یعنی ریاضت و عبادت آنها هم بسه نهج است
ریاضت ساتکی و راجسی و تامسی یکی ریاضت کایک
دوم ریاضت واچک و سوم ریاضت مانسک پوجای
دیوتاها و پندتان و برهمنان و
مرشدان شوچم یعنی پاک و پاکیزگی و یاراستی و درستی
و صافی و پرهیزکاری برهمچرتهه یعنی پر استری و غیره
مبرا باشد اهما کسی را رنج ندادن این را ریاضت
شاریری یعنی جسدی بمعنی کایک گفته اند و ریاضت واچک
این است که کسی را از گفتگو رنجیده نسازد و راست و
مرغوب و مفید گوید و خواندن وید و دیا این ریاضت واچک

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

گفته‌اند در ریاضت مالک این است که صافی دل و
ضمیر و تسو قسم یعنی خوش آینده و دلخواه باشد و ضبط
حواس در ونی و بیرونی داشته باشد و خوردن
و نوشیدن را بی طمع و تکلف وا ز بکار آرد در ریاضت مالک
همین عنوان معتبر است نوع دوم ریاضت ملک این است
آنکه ریاضت با امنیت دل و هیچ است ثمره بی تقیر
درست می کنند آن ریاضت سالک است در ریاضت
راجسی انیست که بجهت وانمود و داشتن مردم ریاضت
اختیار می کنند که تا مردم مرا مرتاض گویند و نمسکار کنند
تعظیم و تکریم نمایند آن ریاضت خالص نخواهد بود
بنابر تند و یرآن ریاضت مستحکم نیست و زوال پذیر است
یعنی ریاضت تامسی انیست که بسبب جهالت و
نادانی حسد یعنی تشریر را رنجور سازد و خود را برنج کنند

ددیگر

دعوت مردم که او را [illegible] گویند نماید آن تامسی است

آن هم به سه قسم است ساتک و راجس و تامس دان ساتک

این است خیرات بکسیکه میدهد توقع مبادله آن نماید

و خیرات در مکانهای متبرکه مثل گورکهتر وغیره به برهمن داناو

مرتاض بدهد توقع مبادله دارد که من امروز در دنیا میدهم

فردا خواه در دنیا خواه در عقبی این هم من خواهد داد نگوید که

خدا ثمرهٔ این بمن میدهد و بتنگی دل بدهد این راتب راجسی

می گویند تپ تامسی این است مکان متبرکه نباشد و

ساعت مثل سنکرات وغیره نخواهد بود و برهمن مستحق نباشد

و سوای پوجا و سوای منتر و سوای تواضع بدهد آن را

تامسی گویند ای ارجن دیو برهمانیکه در زمان سابق یگین نمودند

و یا وید خواندند اول اوم تت ست نیتی نام پرم برهم

بر زبان گرفته شروع در یگین کردن و وید خواندن نمودند

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

گفته‌اند در ریاضت ماتنگ این است که صافی دل و
ضمیر و تسو قسم یعنی خوش آینده و دلخواه باشد و ضبط
خواهش درونی و بیرونی داشته باشد و خوردن و
نوشیدن را بی طمع و تکلف و آزبکار آرد در ریاضت ماتنگ
همین مخفی است نوع دوم ریاضت ملک این است
آنکه ریاضت با امنیت دل و بیجا است ثمره یا تقلید
درست می کنند آن ریاضت ساتک است در ریاضت
راجسی انیست که بجهت وا نمود و داشتن مردم ریاضت
اختیار می کنند که تا مردم مرا مرتاض گویند و نمسکار کنند
تعظیم و تکریم نمایند آن ریاضت خالص نخواهد بود
بنابر تند و بیران آن ریاضت مستحکم نیست و زوال پذیر است
یعنی ریاضت تامسی انیست که بسبب جهالت و
نادانی خود یعنی تن بر را رنجور سازد و خود را برنج کنند

و دیگر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

دعوت مردم که ... کو پند نماید آن. تامسی آن

آن هم به قسم است ساتک وراجس و تامس دان ساتک

این است خیرات یکیکه میدهد توقع مبادله آن نماید

و خیرات در مکانهای متبرکه مثل کورکهتر وغیره به برهمن داناو

مرتاض بدهد توقع مبادله دارد که من امروز در دنیا میدهم

فردا خواه در دنیا خواه در عقبی این هم من خواهد داد نگوید که

خدا ثمره این بمن میدهد و سنجنی دل بدهد این راتب راجسی

می گویند تپ تامسی این است مکان متبرکه نباشد و

ساعت مثل سنکرات وغیره نخواهد بود و برهمن مستحق نباشد

و سوای پوجا و سوای منتر و سوای تواضع بدهد آن را

تامسی گویند ای ارجن دیو برهمنانیکه در زمان سابق بگین نمودند

و یا وید خواندند اول ادم تت ست نیتی نام پرم برهم

بر زبان گرفته شروع در بگین کردن و وید خواندن نمودند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بدای ابت تتو می کویم که اول ادم بر زبان کرفته شروع
و بکار بردن بکن و خواندن و دید و دادن دان و نمودن تپ
یعنی ریاضت و کردن کرم باید ماحصل آنهانیکه برهم باد
یعنی برهمه کو یا اند آنها شروع کارها اول بنام برهم که
ادم باشد می کنند ای ارجن دیو آنهانیکه خواستگار مکت
هستند آنها یکن کریا یعنی بکن نمودن و تپه کریا یعنی عطا و
بخشش نمودن و انواع کارهای نیک که می کنند
و شنوار پن نموده و ست یعنی کفته می کنند و نتیجه نمی خواهند
ای ارجن دیو ست و ادی یعنی با یقین درست اراده
کامل وست و ادی با راوت راست در هنگام شروع
کارهای نیک ادم تت ست یعنی اول بر زبان
میکنند در کردن تپ یعنی ریاضت و در دادن دان
یعنی خیرات در همین جاها که اول شروع می کنند ابتدا
بنام ادم زبر

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

تمام اوم تت ست شد و تیر در کی که یکن و تپ و دان باشد
شروع همین نام و لفظ می کنند ای ارجن دیو هر یکیه
بغیر شردا یعنی یقین هوم نموده باشد و نه برهمنان داده باشد
و یا ریاضت کرده باشد یا ورد کردن تو تا یعنی ستایش و نمسکار
شری نراین و دیوتاها و برهمنان بی یقینی در میان آمده
باشد آن را نه در دنیا و نه در عقبی ثمره و نتیجهٔ نیک خواهد بود

تمام شد ادهیای هفدهم ارجن دیو بجانب

شری کرشن مهاراج عرض می کند که من میخواهم که
پرمارتهه سنیاس از زبان مبارک بشنوم و تیر پرمارتهه
تیاگ تفهیم شری کرشن مهاراج بجانب ارجن دیو می فرمایند
کوشران یعنی نیدتان تمام دانا می گویند کرم ها یکه
با خواهش ثمره نتیجه خواهد بود گذاشتن آن سنیاس است
نخواستن ثمرهٔ همه کرم و کریا تیاگ یعنی گذشتن می گویند

کوشوران

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که کرم ها مثل کار ناصواب باید گذاشت و بعضی می گویند
و بر آنند که یگن و تپ و دان و کرم نباید گذشت
ای ارجن دیو تو تحقیق تیاگ از من بشنو که تیاگ را
سه قسم روایت کرده اند بموجب یگن و دان و تپ
و کرم باید کرد و ترک آن نباید نمود چراکه این چهار چیز
رکهیشران پوتر یعنی پاک می کنند و صافی قلوب حاصل
می سازد این کرم ها راکه چهار ست بلی درخواست ثمره
بسرانجام رسانیدن بهتر است که تحقیق کرده من همین است
و نیت کرم یعنی کرمی که مثل غسل و سندهیا وغیره باشد
همه کرد نیت تیاگ یعنی ترک آن لایق نیست اگر کسی بگوید
که نیت کرم نمیکنیم آن از غفلت و نادانی کمال خواهد بود
که این چنین تیاگ تامس است و کاهلی که بگوید ذرا انجا
آوردن نیت کرم کشال و زحمت و جید را آزاری رسد
ان بیا کرا

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

آن تیاک اگرچه بظاهر چندان غفلت ندارد اما راجس

تیاک است ای ارجن دیوکسیکه کرمهای بنجواتش را

همیشه بجا آرد و ثمرهٔ آن نخواهد آن کرم ساتک گویند شخصیکه

کرم ساتک علی الدوام بعمل آرد و وصف او همین است

که چون هوم وغیره اندکی محنت دارد البته بعمل آرد و

هرگز نمیگذارد و ازانجا که در کردن هوم وغیره فراغت و

آرام آن رام عی منظور نگذارد و در خواستن ثمره

تیاگی باشد و با دلیری و ارادت صادق بوده

دارنا یعنی دستن یک چیز خاص مقید اندیشک و

شبهه بکرم کردن اشتغال ورزد که کرم کردن را

مانعی ندارد اما ثمره خواستن بهبود نیست بدانکه تیاگی

انکس نیست که کرم کردن همیشه را تارک باشد تیاگی

آن را گویند که ثمرهٔ کرم در خواست و خواهش شبه آن اصلا نکند

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ثم کرم سه نوع است یکی اشٹ یعنی زشت دوم اشٹ
یعنی خوب سوم مشٹ زشت و خوب آمیخته آنها یکه سنیاسی اند
آنها را زشت و خوب آمیخته می باشد و آن کس نیکه
سنیاسی اند ایشان را نتیجه و ثمرهٔ آن نیست
چرا که کارهای آنها و شنوا این است ای ارجن دیو
پنج چیز اسباب و سامان کرم از من بشنو که در شاستر
سانکهیه یوگ مضمر است و از آن خوانده است و بیان
گردیده است برای سرانجام پذیرفتن کرم های خاطر
بهتر و واجب است یکی ادہستهان یعنی مثل شریر یعنی جسد
دوم کرتا و سوم کرن یعنی حواس چهارم دیا یا اندری
یعنی کارهای حواس که خوردن و نوشیدن وغیره باشد
پنجم کرم پنجم سابق کرمی کرده باشد از جسد و از گفتگو
و از دل و ضمیر خواه کرم خوب باشد خواه زشت این پنج چیز
کم بتو گفتم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که بتو گفتم از همین آن کرم ها کرده می شود آنکسیکه بگویند
که کرم ها یعنی کارها من میکنیم او نادان محض است که فاعل
کارها همین پنج چیز است کسیکه اهنکار یعنی خودی نداشته باشد
و عقل او مغشوش نخواهد بود و یقین بداند که فاعل مختار
کرم های خوب و زشت پنج چیز صدر است پرم آتما
ازین آلایش عاری و مبراست که او نه کسی را می کشد و
نه کسی او را می تواند کشت اول گیان و دوم گیتی اوم
و سوم پر یکتا تا یعنی معرفت یعنی دانستن و دانستنی و
داننده همین سه قسم سامان کرم مشخص است که ازین سه چیز
کرم بظهور میرسد و مختصر کردن کرم سه نوع است
یکی کرتم که از آن کرده می شود مثل دست و دوم کرمه
مثل سبو سوم کرتا مثل کلال نظر آنکه مثل دست و تحریر و
نویسنده ما حصل که کرم هم سه نوع دارد و گیان هم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سه قسم یکی گیان دوم کرم سوم کرتا سه نوع بصفت
تاثیر سه گن قسمیکه بیان شده است در وید مفصل
بنشما دا وضح میکنیم کسیکه در جمیع ذی حیات بداند
که یکی پرم آتماست و جسم ها جدا جدا است و جان
یک است آن گیان را ساتک می گویند که آن دانائی
از تاثیر ستو گن است کسیکه بگوید در جسدها جدا جدا است
گیان او را جسی است که آن دانش از خاصیت
رجو گن است قسمیکه بداند قسمی که آتما را یاد دانست
و تصور کند که همین جسم آتماست و در جسم که فنا پذیر است
اطلاق آتما بکند که آن گیان تامسی است این چنین
گیان از خاصیت تمو گن است کرمی که نیت باشد
یعنی عبادتی که همیشه باشد و آلایش و خواستگاری
ثمره نداشته باشد و از راک و دیوش یعنی رد و قبول مبرا

کتکه

خواهد بو

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

خواهد بود وانگ کہ را کہ کرم را نخواست کاری تتمیہ بجا آرد و
با خودی تهیہ آن نکند و با سنج و تحت بسیار با نصرام
رساند آن کرم را اجس می گویند انکہ کرم نکند و
دران تمیز نماید کہ مبادا درین همسایگی آزار مردم آ
و حسن تلاش منظور نگذارد و بعلف ادا نماید آن کرم را
تامس گفتہ اند کہ بسبب تموگن ظهور دارد ساتمبر یا
باین صفت موصوف است کہ نتیجہ کرم مطلقا نخواهد باشد
و خود را کتانا نگارد و با دلیری و حسن تلاش خواهد بود و
از شدن و ناشدن آن منغص نخواهد بود همن ساتک کریا
گویند کسیکہ آن دبستگی ها داشتہ باشد و ثمرۂ کرم ها نخواهد
با آز و طمع خواهد بود و دوستدار رنجش مردم باشد و
اپوتر یعنی پرهیزکاری نکند با سنج و راحت آمیختہ باشد
آن را راجس کریا گویند کسیکہ بی اطمینان دل خواهد بود

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

نخواندن نبید و شاستر ... نفس پیدا نموده باشد
و در خدمت استادان زانوی ادب تهه نکرده باشد
و بازی دادن مردم شعار خود ساخته و ساز و وجود
نخواهد باشد و مطلب دوست و مطلب دیگری نکشد
کا ... طمع و رنجوری کار را تبغل لایعنی بکند او را تامس
بگویند که او غلبه تموگن دارد که خواص تموگن
همین است که کفتم ای ارجن دیو الحال مفصل عقل رباسُ

تفصیل

کیفیت و دیر یعنی دلیری که تا تیر ترگن باشد بر تو واضح
ساخته شرح آن نمایم ساتکی بدہ یعنی عقل صاف نست آت
که پرورت یعنی کردن کارها نروِرت یعنی نمودن کارها ی
خوب کار کردنی اکاری نکردنی بیا متی یعنی بیم و
بی بیمی و بندی و آزادی هر عقلی که این مراتب را
بداند آن بدہ ساتکیست از عقلی که ازان دهرم و ادهرم
کار کردنا د

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

کارکردنی ونکردنی تقسیم کرده باید دانست ای ارجن دیو
آن را راجس بدگویند و دهرم را دهرم بداند و نمونکن
آن بد را مغلوب ساخته همه چیز و اشیا از جنس جایلاند
آن بد تامسی است ای ارجن دیو الحاصل دهیر یعنی
دلبری را هم به سه قسم است بر تو واضح میکنم بشنو
از دهیر یعنی دلیری و قدرت و قوتی که کریای من یعنی
حرکت دل و کریای پران یعنی حرکت نفس و کریای
اندری یعنی حرکت حواس گرفته شود و با استعانت
یوگی که تغیر نپذیرنده باشد بعمل آید آن را دهیر ساتکی
گویند و از دهیر یکه دهرم وارتهه و کام را مقدم بگذارد
از ملکت پروای و اندیشه نداشته باشد و ثمره کرم از
واجبات داند ای ارجن دیو آن را راجسی دهیر گویند
از چیزیکه سوپن بهو دشوک یعنی خواب و بیم و رنج و دلشاد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

یعنی ضعف شدن حواس و چیزیکه حکم شناستر است

آن را سنسط زنگ دل و این همه را ترک نمودن از دو بیک

یعنی دو چار معنی تمیز همه شناسی نداشته باشد

و از جن دیو آن را دیر پاسی گویند ای جن دیو

لطال سوکهه یعنی راحت را هم به قسم بشنو از آرامی که

در سماد یعنی مراقبه می باشد در سمان آرام اشتغال و رزد

دانیس پنج اثری نداشته باشد ستکهه سوکهه که ابتدایش

مثل زهر تلخ خواهد بود آخر کار مثل آب حیات که آنرا

ساتکهه سوکهه گفته اند از پرساد آتمه بدهه پیدایش آن مقرراست

سوکهی یعنی آرامی که از آمیزش و نشی آن و اندریها

در اول مثل آب حیات و در آخر مانند زهر خواهد بود

آن سوکهه را راجسی می گویند سوکهی که در اول و

در آخر غفلت افزای دل خواهد بود از نندرا یعنی خواب

دراز الکی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

ازآکس یعنی کاهلی و [illegible] یعنی وسواس پیدا شده باشد
آنرا تامس سوکهه گویند ای ارجن دلو بدانکه هیچ کی
در زمین و در بهشت و در زمرهٔ دیوتاها و انند جاندار انیست
که از بند رسیمان ترگن که از پرکرت پیدا شده است
خلاص می شود چه بر روی زمین و چه در بهشت و غیره
جمیع جانداران در بند ترگن مبتلا هستند ای ارجن دلو
بدان که برهمن و کهتری و ویش و شود را این چهار دور را
کرم خود علیحده علیحده است بتاثیر گن که سوبهاو یعنی
از ثمرهٔ اعمال ثواب و گناه جنم سابق لاحق شده اینهاست
شمو یعنی شانت شدن دل و ضمیر و دمه یعنی
ضبط حواس و تپه یعنی طاعت و ریاضت و
شوچم یعنی ورع و پرهیزکاری کهمایعنی کهما یعنی عفو
ساده باو یعنی راستکیشی و گیان یعنی معرفت که

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که از استاد حاصل شود وگیان یعنی معرفت
که تجربه حاصل شده باشد دا استکم یعنی از عقیقی تعین شده باشد
این همه از سوباو بر همه کرم بهم رسیده است زراعت
کردن و نگهبانی کاوان وتجارت وبقالی و
فروخت پل و نمک این همه از سوباو ویشه کرم است
و خدمتکاری و چاکری و ملازی از سوباو شود ر
پیدا شده است شوریم یعنی دلیری و تیز یعنی نور
بزرگی بمعنی دیر یعنی دلیری واکهم یعنی چستی و چالاکی
واز جنگ رونگردانیدن و دانم یعنی جرات نمودن
ایشیره باو یعنی کلانی وصاحبی این همه کهتره کرم پیدا
شده است ای ارجن دیو هر که بر کرم مقرری خود
مستحکم باشد او سِید یعنی حصول مطلب دارد
همین سید را انبو مفصل و واضح میکنم بشنو از پیش که
با جمع

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که جمیع جانداران مخلوق شده اند و کسیکه محیط همه کائنات
همان صاحب خود را آدمی که اول پوجامی کند از تاثیر
کرم خود سید یعنی حصول مطلب می یابد بدانکه دهرم
خود بهتر است اگرچه چندان درجهٔ اعلی نداشته باشد
و دهرم دیگری اگر آرام آن را خواهد بود از کردهٔ آن
دهرم خود بهتر است کسیکه کرم سوبا و بیت بکند وار
بهتر است ای ارجن دیو کرم خود اگر درجهٔ امنیت نداشته باشد
آن را نباید گذاشت قسمیکه دود آتش دیو تا نار را از خود
پیچیده است همان قسم همه کرم ها را خطا پوشیده است
کسیکه از بد یعنی عقل وارسته از چهار طرف بوده باشد
و ضمیر و حواس خود را مغلوب کرده باشد و طمع واز
از دلش بدر شده باشد او موکهی سید یعنی رستگاری جاوید
خواهد یافت ای ارجن دیو لشنو گه هین که سید یعنی

می یابد

و مقدم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که از استاد حاصل شود و گیان یعنی معرفت
که تجربه حاصل شده باشد استکم یعنی از عقبی یقین شده باشد
این همه از سوباو برهه کرم بهم رسیده است زراعت
کردن و نگهبانی کاوان و تجارت و بقالی و
فروخت پیل و نمک این همه از سوباو ویشه کرم است
و خدمتکاری و چاکری و ملازی از سوباو شود ر
پیدا شده است شوریم یعنی دلیری و تیز یعنی نور
دریلی بمعنی دیر یعنی دلیری واکهم یعنی جستی و چالاکی
و از جنگ رو نگردانیدن و داتم یعنی خیرات نمودن
ایشره باو یعنی کلانی و صاحبی این همه کهتره کرم پیدا
شده است ای ارجن دیو هر که بر کرم مقرری خود
مستحکم باشد او سِید یعنی حصول مطلب دارد
همین سید را بتو مفصل واضح میکنیم بشنو از پیشتر که
بجمیع

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که جمیع جانداران مخلوق شده اند وکسیکه محیط همه کائنات

همان صاحب خودرا آدمی که اول بو جامی گذارتا ثیر

کرم خود سید یعنی حصول مطلب می باشد بدانکه دهرم بیاید

خود بهتر است اگر احیانا چندان درجهٔ اعلی نداشته باشد

و دهرم دیگری اگر آرام آن را خواهد بود از گردهٔ آن

دهرم خود بهتر است کسیکه کرم سو باوست بلند اوار معنت ومقدم

مبر است ای ارجن دیو کرم خود اگر درجهٔ امنیب نداشته باشد

آن را نباید گذاشت قسمیکه دود آگن دیو تا تار ازار خود

پیچیده است همان قسم همه کرم ها را خطا پوشیده است

کسیکه از بد یعنی عقل وارسته از چهار طرف بوده باشد

وضمیر وحواس خودرا مغلوب کرده باشد و طمع واز

از دلش بدر شده باشد او موکهی سید یعنی رستگاری جاوید

خواهد یافت ای ارجن دیو لشنو که همین که سید یعنی

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

حصول مطلب را دریافت و نیوعی که برهم براهم را در مییابد
آن واضح بفهم خاص است گیان را بتو مختصر میگیم کسیکه با
یعنی عقل مصفا بوده باشد او ... یعنی قوت
دلیری و استقامت شریر یعنی جبد و اندری یعنی
حواس را مغلوب کرده باشد و پنج تن ماتر را گذاشته باشد
یعنی لطیفی دو کس یعنی گذاشتن یعنی گرفتن و
گذاشتن جمیع غفلت های دنیوی را تارک باشد
گوشه نشین خواهد بود و کم خور باشد و گرفته باشد و
قال و مقال بیهوده را و تفرقات جبد را و وسواس را
برد هیان یعنی مراقبه و زیوک یعنی پیوستن بحق همیشه
بوده باشد و ترک لذات و نفرت از ماسوا اختیار
کرده باشد اهنکار یعنی ما و منی بلم زور آوری درپم
یعنی کبر و کام و کرودد پرگرهیم یعنی ذخیره گذاشتن با تعلقه
گذاشته باشد

برهم کرم

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بالکلیه گذاشته باشد و بخود از هستی وانانیت بوده
بر هنرکار باشد به پوستن بر هم لائق است خود بخود
بر اهمه روپ شده باشد و انهه کن او زل باشد و بر
فوت مطلب رنجیده نشود و چیزیکه نایافته باشد آن را
خواهش نکند و بر جمیع جانداران خود برابر داند و بخ
راحت ایشان منسوب بخود انگارد او تحقیق پرم گیت
ما را خواهد یافت و بدرجه مکت خواهد رسید اتهه بهکت
یعنی ارادتمندی دلی مرا بشناسد بنوعیکه من بقدرت
کامله دآنقدر که از همه بالاتر هستم بدانداو بخوبی مرا شناخته
محو می شود و در من پرم آتند روپ خواهد گردید جمیع
کرم هارا جهت یافت من کرده باشد به پرساد من یعنی
به بخشش من بشنو ببینی مکان اعلی پرمه پد و ی خواهد یافت
از ته دل و ضمیر همه کرم هارا بر من و ابسته گذاشته و

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

اگر شرار این کرده بر من دل به بندد و [illegible] آتمه را
در هر شی محیط وان و با من پیوسته باش و قتیکه دل
جان با من باشی همگی در پای کام دگر و غیره را بار
خواهی شد بدرجه اعلی مکت خواهی رسید اگر انهکار
یعنی ما و منی در دل تو نماند دیگر از رتبه کیان و پور شاه
یعنی دلیری و بزرگی و اپس خواهی ماند ای ارجن دیو
اگر اهنکار را یعنی ما و منی در دل تو نماند دیگر از رتبه کیان
و پور شا رتبه یعنی دلیری و بزرگی و اپس خواهی ماند
ای ارجن دیو اگر اهنکار را یعنی ما و منی را بدل خود راه
داده از کار یده یعنی جنگ باز خواهی ماند این پیچی یعنی
سنکلف برای تو بیهوده و غیر منافع کلی است ای ارجن دیو سنکلف
کهنر یه کرم که سو با دشما لاحق شده است همان کرم
از اندان و بستگی شما ست اگر از راه موه یعنی غفلت

در سر انجام

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

و سر انجام آن همه انکاری و اغماض را کار فرما شوی
خوبی ندارد بلکه یقین است که چار و ناچار این کار را
مرتکب خواهی داشت ای ارجن دیو ایشر که در جمیع مخلوق
محیط است و متحرک همگی جانداران است و وی جمیع حیات را
در چرخ ادوار بتاثیر مایا روپ نشانده است همان
پرمیشر پناه شدن شده یعنی در پناه او در آمده از ضمیر و از گفتگو
و از کرم یعنی ریاضت و از وند و یعنی ضمیر و از وانی یعنی
گفتگو از کرم و از هر راه بلطف ظلیل او دیگر آمدی ...
تهان پرمیه یعنی مکان منیر که مستحکم که یعنی ...
خواهی یافت ای ارجن دیو گیان که مخفی تر از مخفی است
نیکو واضح کردم در این باب و چار یعنی تمیز کرده هرچه
خوشی خاطر و دلخواه د... بشناسد یا این عمل نما
ای ارجن دیو همه سری که از اسرار نهانیست از من بشنو

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

که تو غیر منی و محبت تو در دل من مستحکم است

[illegible] حصول خیر و از این شما تلقین میکنم ضمیر و دل خود

[illegible] من یعنی خواستهای من باش و

بکن [illegible] ای من بکن و مرا تمسکار نما باین واسطه مارا

[illegible] راحتی و درستی بتوارشادمی کنم چراکه

[illegible] ضمیر منیر من که پرم آتما ام همه ما سوا را گذاشته

در ذات پرم آتما محو شو سروده و دمان نثر بیعنی همه در جهات

که صدری است یکطرف گذاشته من که پرم آتمای و آرام

در پناه من [illegible] و در کلبت من محو شو تا بموجب آن

ترا از همه معصیت خلاص و رستگار خواهم نمود و بدرجه

اعلی پرمپدی خواهم رسانید بی وسواس باش

در اصلاح [illegible] محزون مشو این اسرار با کسی که

از اهل ریاضت و عبادت نباشد و در ارادت و تقیر

صدق نخواهد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

صدق نخواهد داشت و پات و پوجانمی کرده باشد
بخت در و لی بسوی من راغب نخواهد بود و تجربت
بخود راه داده باشد و از بهار فشای این راز و
کشف این اسرار مخفی نباید کرد کسیکه این
یعنی اسرار غیبی را یار ادتمند سعادت کسی من بگوید
پرمه همکت ∴ بلاشک و شبهه بمن خواهد پیوست
و رستگار جاوید گردید کسیکه این کار نیک و عمل خوب
و مرغوب بگنداز کرده او عزیز تر احدی بمن نیست
و بر روی زمین بالاتر از وی هیچ یکی مقرب بارگاه حاضر
نخواهد بود ای ارجن دیو کسیکه این گفتار سراسر اسرار
ما و شما را که برای دهرم ما بسیار مفید است
بشوق دل نخواند گویا یکین گیان مرا پوجا و پرستش
کرده باشد که نشیحی همین است آن مردیکه با یقین کامل باشد

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

گردد یعنی غضب از ضمیر او زایل شده باشد و بشنود تمام
این بشنود را شنود و هم ملک در رستگار است
او به تاثیر شنیدن این مکالمه نیک کرداران خاص
... غفلت ای ارجن دیو این چنین اسرار نهانی
بشنو گفتم این را ضمیر بی غیریت فهمیدی و پرده
یعنی حجاب غفلت و دوی از دل تو مرتفع شد
یا نه اگر نفهمیدی حقیقت معرفت را دریافته باشی
باز بشنو ... می کنم که خواهش من رستگاری بهبود است
ای ارجن دیو بطرف ارادتمندان راسخ دم بطرف
نظر ای کرشن مهاراج دست بسته اشته آنکه تمکار
کرده که ای سوامی تمامی تعطلات بینایان شما
پرده غفلت از ضمیر من زایل شد و ... یعنی آنکه گمان
حاصل من گردیده و بدیا ی تو خوشحال و فارغبال شدم و
... شد ...

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

بهیچ سندیهی یعنی شکی و توهمی در دل من نمانده

و برید که دهرم کهتری و حکم شماست مستعد و

آماده ام

این سمواد یعنی جواب و سوال شری کرشن مهاراج

ارجن دیو که من بگوش هوش فهمیدم که از عجایب و

غرایب حیرت افزاست و سر مخفی است که

شنیدن آن آرزوی جمیع دیوتاست اسماع و

بتو بیان کردم بدریای بی انتهای شری دیاسه !!

منیشرجی مسموع نموده این راز مخفی را که شری کرشن

مهاراج و ارجن دیو باهم حق کلام فرموده اند شرح و

بسط بر تو واضح مفصل بیان ساخته ام و عیان !!

کرده ام در دل نگهدار   ای راجا دهرتراشت یاد کرده

یاد کرده این سمواد نیک را که از شری کرشن مهاراج

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

بارشاد بارجن دیو داشت بسیار خوشوقت
و خرسند هر ساعت و هر دم می شوم آن
دولت روپ درشن شری کرشن مهاراج را
یاد کرده و نیک بخاطر آورده که آن در شن نهایت
از عجایبات و غرایبات بود و مرا بسیار
حیرت است و آرام و ایمی هم حاصل و متواصل
مادام ای راجا در تراشت در جاییکه پوگیشر
شری کرشن مهاراج هبگوان است و انجاکه
ارجن دیو کمانداری نظر است یقین کلی حاصل که
در همان جا راج و لچهمی است و سمپت مستحکم
یعنی فتح و فیروزی و تدبیر صایب واقع است
همین تحقیق باید دانست و هنوز هم وقت تر اصلاح
نیک همین است که خود منع راجا در بودن در حدمت

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

سراسر سعادت شری کرشن مهاراج شرن شو
یعنی در پناه او در آمد و با پاندوان ترک خصومت
واز خود رضامند ساخته وهمه مال و دولت
خود را بآنها داده نگهبانی خود و فرزندان خود
بخوبی نما بر ضمیر منیر
خاطر خطیر دانشوران زمن و کاملان دوران
نادر فن روشن و مبرهن توان بود که سبق ریز
منشیان بلاغت شان هندوستان
وحدت بنیان در مضامین عرفان این ترجمه میرکه
شری بهگوت گیتاجی در سلک بیان کشیده بود
چون بنظر امعان معاینه کردید مقبول نمودم اگر
در وجود عبارت سهو و خطا بوقوع آمده باشد
بذیل کرم و عفو بپوشند

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

این سراج عارفین چراغ محققین زوودانیده
ظلام وارین نور عین عین اعنی معرفت وگیان دکا
شری ہبکوت گیتا حسب الامر فیض ثم مخزن
جود وکرم ینبوع ادراک
بدستخط بندۂ فدوی شمول طوطه کول ؛؛
تسطر پذیر گردید سهو وخطا را عطا فرمایند

عقل سو

۱۰ ماه چیت ۳۳ سنه

صورت اتمام یافت
الهی بیامرز بنده را
نویسنده خوانند
گوینده را
ش

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Koul Premi Collection

Digitized by Sarayu Trust Foundation, Delhi and eGangotri

CC-0. In Public Domain. Pt. Sarvanand Kaul Premi Collection